برنامه دولت آقای دکتر باهنر، آغازی برای اجرای اصول مردمی قانون اساسی

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۹۱
دوره دوم
دوشنبه ۲ شهریور ماه ۱۳۶۰
بها ۲۰ ریال

دولت آقای **دکتر محمـد جواد باهنر**، که **چهارمین** دولت پس از پیروزی انقلاب به شمار می‌آید، ازمجلس شورای اسلامی رای اعتماد **گرفت و آغاز بکار** کرد.

دوسال ونیم پس ازپیروزی انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن، علیرغم یکرشته دستاوردهای چشمگیر **بسیاری ازاقدامات** ضرور درجهت اعتلای زندگی **زحمتکشان ورهائی** آنان ازمحرومیت‌های گوناگون **مادی ومعنوی** انجام نشده باقی ماند و طبیعی است که انتظار انجام آن اکنون از دولت جدید برود.

پس ازپیروزی انقلاب، دولت موقت به علت مواضع طبقاتی وسرشت استکباری خود نه فقط نتوانست درراستای بازیافت حقوق محرومان جامعه حرکت کند، بلکه به ترمزی دراین راه تبدیل شد.

امواج بنیان کن انقلاب دولت موقت رااز سر راه روفت ودولت شورای انقلاب مسئولیت اداره

بقیه در صفحه ۲

محکوم به پیشروی

آنچه ضدانقلاب، ـ آمریکا، متحدان، عمال وتفاله‌هایش ـ **می‌خواهد بازپس گرفتن** دستاوردهای انقلاب، **شکستن وازمیان برداشتن** انقلاب است. اگرانقلاب **سر "عقل" بیاید** و بدانچه تاکنون **کسب کرده است اکتفا کند**، اگر انقلاب ازپیشروی **بیشتر خودداری ورزد** و از گسترش و ژرفایی **سرباززند، متوقف وساکن شود**، نه‌چنان است که ضدانقلاب **"راضی" خواهد شد**، دست ازدشمنی **خواهد شست، با انقـلاب کنار** خواهدآمد. چنین تصوری ازبیخ وبن خطا است. ضدانقلاب می‌خواهدکه انقلاب رادرجزء وکل آن درهم بشکند، **حتی اثری از آن باقی نگذارد**. از این‌رو، نبردی که **در عرصه‌های مختلف میان** انقلاب وضدانقلاب **درجریان است، صلح نمی‌ـ** شناسد، **سازش وآرامش در آن نیست. در این** نبردقهراً یکی پیشروی می‌کندویکی عقب می‌نشیند، آنقدر که**این یا آن حریف درهم بشکند و توان** مقاومت از او**سلب شود. دراین نبرد، ابتکار و** تحرک با **انقلاب است، همیشه ودرهر زمینه، و** این قانون **انقلاب است. حتی توقف موقت، در** هرعرصه‌ای **که باشد، به سود ضدانقـلاب تمام** می‌شود، **زیرافرصت نفس تازه‌کردن وآرایش قوا** به ضدانقلاب می‌دهد.

بقیه در صفحه ۱۱

حقانیت ـ قاطعیت، قانونیت ـ اتحاد

انقلاب ماحق است. **حقانیت** انقلاب ما دراین است که می‌خواهـــد ـ ومی‌باید ـ ریشه نفوذ اسارتگروغارتگرانه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، رابرکند، سلطه اسارتگرانه وغارتگرانه دوپایگاه عمده داخلی امپریالیسم ـ کلان سرمایه‌داری وبزرگ مالکی ـ رابراندازد، استقلال همه‌جانبه میهن ما راتامین کند، آزادیهای فردی واجتماعی مردم میهن ماراتضمین کنـد و زندگی مادی ومعنوی زحمتکشان میهن مارا بهبود بخشد.

مردم انقلابی میهن ما، که برای نیل به این اهداف انسانی، مردمی ومیهنی انقلاب، هم پیش وهم پس ازپیروزی انقلاب هزارها شهید داده‌اند و ایثارگرانه پیکارکرده‌اند، آماده‌اند که برای حفظ دستاوردهای انقـلاب و تثبیت و تحکیم وگسترش انقلاب، بازهم تا پای‌جان پیکارکنند. در برابر این مردم فقط می‌توان وباید سرتعظیم فرودآورد.

همه آنهاکه ازاین انقلاب لطمه دیده‌اند، بسـرکردگـی آمریکای جنایتکار، تمام نیروی جهنمی خودرا بکارگرفته‌اند. تا این انقلاب راسرکوب یامسخ کنند. در برابر امپریالیسم آمریکاومتحدان وعمال و تفاله هایش

بقیه درصفحه ۱۱

مردم سراسرجهان تصمیم دولت ریگان رادرباره تولیدجنگ افزارهای نوترونی محکوم می‌کنند

صفحه ۷

از کِید آمریکا غافل نباشید!

مـرگ بـر آمـریکا!

امام خمینی گفتند: "ازکیدآمریکا غافل نباشید!" حاضران پاسخ دادنـد: "مرگ برآمریکا!"

این گفت وبازگفت، این ندا وپژواک، شگفت انگیز نیست، ولی تحسین برانگیز است. براستی، تحسین برانگیز است که رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با درایت و قاطعیـــت خاص خود، باپیگیری خستگی ناپذیر خود به مردم ایران به‌نیروهای انقلابی ومسئولان مملکتی هشدار می‌دهند که دشمن اصلی انقلاب وجمهوری اسلامی ایران آمریکاست، وآنهارا ازتوطئه‌های آمریکا، ازکید آمریکا، ازتفاله‌های آمریکا برحذر می‌دارند. آنهارا به‌تحکیم وحـدت و تشدید مبارزه برضداین دشمن اصلی وتوطئه‌ها وکیدها وتفاله‌هایش فرامی‌خوانند.

تحسین برانگیز است که مردم انقلابی ایران باآگاهی وهشیاری، همـراه با رهبرخود، وبه‌پیروی ازرهنمودهای رهبرخود، باغریو **"مرگ برآمریکا"** نشـان می‌دهندکه دشمن اصلی خودرا می‌شناسندوآماده‌اندکه برضداین دشمن اصلی، توطئه‌ها، کیدها، وتفاله‌هایش تاحدایثارجان برزمند.

درستی هشدارهای **امام** درباره خطر "شیطان بزرگ ـ آمریکا" برای انقلاب وجمهوری اسلامی ایران و واقعیت آمادگی مردم ایران برای مقابله با این خطررا زندگی دوسال ونیم پس ازپیروزی انقلاب بارها وبارها بثبوت رسانیده است.

آمریکا، بعنوان بزرگترین، نیرومندترین، هارترین، تجاوزکـارتریـن و غارتگرترین قدرت امپریالیستی، همراه با متحدان وعمال وتفاله‌هایش تمام نیروی جهنمی امپریالیسم وارتجاع جهانی وداخلی رابکارانداخته اســـت. تاانقلاب ایران رامسخ یا سرکوب کند:

آمریکاطی دوسال ونیم گذشته خود مستقیما به ایران تجاوزنظامی کرده (طبس)، کودتای نظامی سازمان داده (نوژه)، بوسیله همدست خودصدام جنایتکارجنگ براه‌انداخته، بوسیله عمال خودکانونهای توطئه درکردستان وفارس وبلوچستان و سیستان و... بوجودآورده، خوددست به‌محاصره اقتصادی ایران زده ومتحدان داخلی اش ـ کلان سرمایه‌داران وبزرگ مالکان ـ راباگرانی واحتکاروکارشکنی و خرابکاری بجان اقتصاد ایران انداخته، عمالش رادردستگاه دولتی ـ کشـوری و لشکری ـ جاداده تابرایش جاسوسی کنند (امیرانتظام‌ها) تابرایش کودتا کننـد (کودتاچیان نوژه)، تاانقلاب رامسخ کنند (بانی‌صدر)، و ردیلانه تر و ریاکارانه‌ترازهمه، بوسیله عمال شناخته و ناشناخته‌اش کوشیده اســت دربین نیروهای انقلابی، که دارای عقایدگوناگون مذهبی، سیاســی ومسلکـی هستند، نفاق وتفرقه ایجادکند، ازاتحادآنها جلوگیری کند، آنهارا درمقابل هم قراردهد، کوشیده است باتراشیدن خطرموهوم، خودرا از زیرضربه‌خارج کند و یا لااقل برای خود شریک جرم بتراشد، ودرحال حاضرهم آخرین "چشمه"اش عملیـات تروریستی وبمب گذاری بوسیله باندرجوی است.

وآنچه مهمترودرعین حال خطرناکتراست، اینست که تمام این توطئه‌ها و کیدها، درتمام اشکال پنهان وآشکارخود، باشدت هرچه تمامترادامه دارد. اهمیت هشدار **امام** وآگاهی وآمادگی مردم بویژه درهمین جاست.

واما نتیجه‌ای که باید ازهشدار **امام** درمورد **خطرآمریکا** وآمادگی مردم برای مقابله بااین خطرگرفت، این است که:

باهشیاری، بامبارزه با اتحاد ازانقلاب ضدامپریالیستی، مردمـــی و اسلامی ایران وازنظام جمهوری اسلامی ایران دربرابر توطئه‌ها وکیدهای آمریکا و متحدان وعمال وتفاله‌هایش دفاع کنیم، ومطمئن باشیم که در این صـورت پیروزی قطعی ونهائی با مردم ایران است.

در "حاشیه" "ماجرای لانگ لی"

"سیا" برای نابودی قذافی وسرنگونی رژیم لیبی توطئه می‌کند

جزئیات نقشه براندازی کلاسیک "سیا" فاش می‌شود

هر چنـد **"کمیسیون ویژه"** سنای ایالات متحده آمریکا**در امور جاسوسی** با رای‌موقت خود، مبنی براین‌که دلیلـی برای برکناری **ویلیام کیسی** نمی‌بینـد، کوشیدتا عجالتا از رسوایی بیشتر رئیس **"سیا"ی دولت ریگان و فعالیـت های** تبهکارانه این سازمان جلوگیری‌کند، ولی رفته رفته جزئیـات بیشتـری درباره **"ماجرای لانگ‌لی"** (لانگ‌لی مقر "سیـا" است) برملا می‌شود.

چنانکه به یاد داریـم، علاوه‌بر اسنادی، که‌درباره زد و بندهای مالی **کیسی** درگذشته انتشاریافت، **ظاهرا** تنها گزینش حقه‌باز رسوایی دیگر، به نام

بقیه در صفحه ۱۱

"موثق" ترین روایت

ازداستان دزدی دریائی در "قرن تمدن"

تحقیقات "موثق" خبرنگار مـا از منابع "موثق" خبرپراکنی "آنها" درباره دزدی "ملی‌گرایانه" ناوچه‌موشـک‌انداز ایران، به‌این‌نتیجه "موثق" رسیده‌است که‌بحمدالله‌نه "سیا" نه "اینتلیجنس سرویس"، نه سازمان جاسوسی فرانســه، نه سازمان جاسوسی اسپانیاونه‌دولتهای آمریکاوفرانسه‌وانگلیس واسپانیا ومراکش هیچکدام دراین دزدی دریایـی "قـرن تمدن" شرکت نداشته‌اند، بلکه‌طراح این دزدی‌دریایی "ملی‌گرایـانه" همـان **ارتشبد بهرام آریانا** (منوچهری سابق) متخصص عملیات **"گازانبری"** بوده‌است که‌درزمان "نابغه عظیم الشان" نقشـه **تصرف "گازانبری قفقاز"** را بایک لشگر شاهنشاهی کشیده‌بودودرزمان محمـد رضای‌ملعون‌نام خودرا از **"منوچهری"** به **"آریانا"** تبدیل‌کرده‌بود، تانژاد اصیل آریایی‌اش‌موردتصدیق "آریامهر" قرار گیرد. تحقیقات همچنین حاکی اسـت که مجری‌این‌طرح "ملی‌گرایانه" و "وطـن پرستانه" دزدی‌دریایی دریادار **حبیب الهـی، فـرمانـده** نیـروی

بقیه درصفحه ۹

دربارهٔ مقررات جدید پرداخت ارز دانشجویی

سازمان‌سنجش آموزش کشورمقررات جدید پرداخت‌ارز دانشجویی را ضمـن بخشنامه‌ای اعلام‌کرده‌است. بموجب‌این بخشنامه، در ۳۰ مورد دانشجویان ایران مقیم خارج، مشمـول دریافت‌ارز تحصیلی نخواهندبود که‌از جمله داشتن تابعیت‌مضاعف، مهاجرت‌به‌خارج، حمل

بقیه در صفحه ۹

مسئولیت مضاعف حاکمیت انقلابی دربرابر طبقهٔ کارگروتحقق خواست‌های آن

حاکمیت انقلابی که اکنون در نتیجه‌شرکت وسیع توده‌های زحمتکش ومستضعف درخنثی ساختن توطئه های اخیرامپریالیسم وضدانقلاب داخلی به سرکردگی آمریکا بیش‌ازپیش به‌استحکام وانسجام درونی دست می‌یابد، در برابر توده‌های زحمتکش جامعه ایران مسئولیت مهمی برعهده دارد. اما مسئولیت آن در برابرطبقه کارگروتحقق خواست‌های آن مضاعف است.

طبقه کارگرایران نه‌تنها درجریان تدارک وپیروزی انقلاب که به‌استقـرار حاکمیت انقلابی به رهبری **امام خمینی**

بقیه‌درصفحه ۱۰

کارنامهٔ ابوالحسن بنی صدر

(۷)

"آنتی کمونیسم" دوآتشهٔ بنی صدر درخدمت همکاری باآمریکا

صفحه ۳

هند درراه نوسازی‌های اقتصادی ـ اجتماعی و استعمارزدایی پیش می‌رود

صفحه ۸

مسأله جنگ وصلح ودوران معاصر

صفحه ۶

چرا مبادلهٔ سفیر بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیك خلق یمن معلق است؟

گهگاه در رسانه‌های گــروهی و مطبوعات بطور گذرا و به مناسبت های گوناگون، نامی ازجمهوری دمکراتیـــک خلق یمن (یمن جنوبی) برده میشود، ولی سخنی ازچگونگی سطح روابط دیپلماتیک وازمناسبات سیاسی ودیگرمناسبات بین جمهوری اسلامی ایران واین کشور درمیان نیست. چرا؟

بیش ازیکسال و دو ماه ازصدور اعلامیه مشترک دوکشور درمورد توافق دوکشور در برقراری روابط دیپلماتیک با یکدیگرمی‌گذرد و هنوز این روابـــط دیپلماتیک، بصورت استقرارسفارتخانه ومبادله سفیر بین دوکشوربرقرارنشـده است. چرا؟

در این اعلامیه مشترک، که روز چهارشنبه‌سوم اردیبهشت ۱۳۵۹ انتشار یافت، آمده‌است که:

"باالهام ازعلائق تاریخـــی و فرهنگی و مذهبـی دو دولت برادر و مسلمان ایران و یمن، از آنجـا که از دستاوردهای انقلاب شکوهمنداسلامـی ایران، برقراری روابط دوستانه و مودت آمیز، باهمه‌خلقهای ستمدیده جهان، بخصوص خلق مسلمـان منطقه اســت، دولتین جمهوری اسلامی ایران وجمهوری دمکراتیک خلق یمن جنوبی تصمیم گرفتند کمناسبات دیپلماتیک وروابط دوستی و تفاهم فی‌مابین رادرچارچوب منشـــود

بقیه‌درصفحه ۲

بقیه از صفحه ۱

برنامه دولت آقای دکتر باهنر، آغازی برای اجرای اصول مردمی قانون اساسی

کشور را بر عهده گرفت، اما ناهمگونی اعضای دولت وباقی ماندن بسیاری از عناصر لیبرال در درون

دولت جدید، بازهم مانع از آن شد که انقلاب در بستر صحیح حرکت کند. نابسامانیهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سامان یابد و آشفتگی‌ها و از هم گسیختگی‌ها نظم و نسق پذیرد.

سرانجام نخستین دولت منتخب مجلس شورای اسلامی به نخست وزیری آقای **محمد علی رجائی** مصدر کار شد و این درست مقارن رویارویی هر روز بی پرده‌تر **بنی صدر** و دار و دسته اش با خط ضد امپریالیستی و مردمی امام و مخالفت و کارشکنی در حق دولت منتخب مجلس، نهادهای انقلابی و کل حرکت انقلاب بود. صرفنظر از برخی

ناتوانی‌ها و بی تجربگی‌ها در درون دولت همین کارشکنی‌ها و مانع تراشی‌های **بنی صدر**، به مثابه رئیس جمهوری که بر راس "جبههٔ متحد ضد انقلاب" قرار گرفته بود و فعالانه عمل می‌کرد، بر حسب توقف امور مانع از پیشرفت انقلاب میشد.

اکنون با حذف **بنی صدری‌ها**، باراندن لیبرال‌ها به کنار گود سیاست و وارد آوردن ضربات سنگین بر سازمان‌هایی که در موضع رویارویی مسلحانه با انقلاب قرار گرفته‌اند، با انتخاب

رئیس جمهور و نخست وزیر و هیئت وزیران پیرو خط امام، سرانجام همسانی و همگونی میان سه قوهٔ قانونگزاری و مجریه و قضائیه پدید آمده

مساعدترین فرصت مناسب برای پی ریزی سیاست داخلی و خارجی هماهنگ با ماهیت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایجاد شده است.

بطور کلی ترکیب وزیران دولت آقای **دکتر باهنر** و برنامه‌ای را که این دولت به مجلس ارائه داده است، می‌توان مثبت ارزیابی نمود و بدان

امید بست. آقای **دکتر باهنر**، محتوای برنامهٔ دولت خود را **"حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین"** و **"ویران ساختن تبعیض طبقاتی"**

نام گذاری کرده است و عمل به این برنامه را باید حرکتی در جهت تحقق خواست **امام خمینی** دانست، که در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای **رجائی** چنین گفته‌اند:

"شما باید برای این پابرهنه‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند، کار کنید... باید همه دست به دست هم بدهید که انشاءالله برای اینها یک زندگی... مرفهی درست بشود".

پس از رای اعتماد به دولت آقای **دکتر باهنر** در مجلس شورای اسلامی، **امام خمینی** در دیدار با جمعی از ملاقات کنندگان بر روی مهمترین وظیفهٔ دولت تکیه می‌کنند و می‌گویند:

"الان شما یک دولت قانونی که امیدوارم به درد ملت برسد و این ضعفا و فقرا را و این مستضعفین را اداره کند، دارید".

بیان **امام**، تجلی خواست میلیونها مردم محرومی است که هنوز برکات انقلاب به خانهٔ آنان راه نیافته و امید آن دارند که دست نوازشگر انقلاب غبار فقر و بیماری و جهل را از رخسارشان بروبد.

برنامهٔ دولت در کل خود به این مسئله اساسی، که انقلاب باید تبعیض طبقاتی را در جامعه ریشه کن سازد توجه مبذول داشته است و بر **"اجرای اصول قانون اساسی، که ضامن رشد اقتصادی صحیح"** است تاکید دارد. این هدفی است که دولت حاضر برابر خویش نهاده است. برای دستیابی به این هدف، دولت وظیفه اجرای اصلاحات ارضی انقلابی، احقاق حقوق غصب شده

زحمتکشان روستا، تعیین حدود مالکیت صنعتی، دولتی کردن بازرگانی خارجی، برداشتن بار از دوش طبقات کم درآمد از طریق اجرای سیاست‌های نوین مالیاتی، تامین مسکن مناسب برای هر خانواده را در برابر خود نهاده است.

بیش از نیمی از جمعیت کشور ما روستانشین است. دهقانان زحمتکش داغ استثمار قرون را بر رخسار و بار شکنجه‌های سالیان را بر دوش دارند. این نخستین بار در کشور ماست که انقلاب مستضعفین به ثمر نشسته است. باید برای این

مردمی که با حماسه آفرینی‌های اعجاب انگیز، طاغوت را از کشور خود راندند، کاری انجام داد. اجرای اصلاحات ارضی انقلابی که حق را به حق دار و زمین را بدست دهقان برساند، آن گام ارزنده‌ایست که باید بعنوان مبدأ حرکت بسوی استقرار عدالت اجتماعی برداشته شود.

تعیین حدود و ثغور مالکیت صنعتی، نگه داشتن بخش خصوصی در مرزی که نتواند بحساب میلیونها کارگر محروم، ثروت بر ثروت بیفزاید، آن

اقدام ضروری است که هم اکنون جامعهٔ انقلابی ما بدان نیاز دارد. تنها با مهار کردن سرمایه داران بزرگ در بخش صنعتی و بازرگانی و مقابله جدی

با استثمار و غارتگری می‌توان انقلاب را در راه هدف های مردمی آن پیش برد و نخستین سنگ ایجاد تحول اساسی در زندگی زحمتکشان را بنیان نهاد.

مواعید دولت درباره دولتی کردن بازرگانی خارجی، نظارت بر قیمت‌ها، حذف واسطه‌ها از طریق ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع، برقراری رابطهٔ متعادل میان درآمد و هزینه مسکن، پیاده کردن طرح شبکه‌های بهداشتی و درمانی در سطح کشور ضمن اولویت دادن به محروم ترین نقاط و تامین آموزش سراسری رایگان روزنه‌ای به نور در زندگی زحمتکشان خواهد گشود.

باید باور داشت که کلید پیروزی نهائی انقلاب در ایجاد جاذبه برای محرومان جامعه است، تا آنان را در سنگر دفاع از انقلاب همچنان استوار و بی تزلزل نگاه دارد. قشرهای محروم باید ببینند و احساس کنند که انقلاب نعمت یک زندگی شایسته را به آنان ارزانی داشته، باید باور کنند که انقلاب برای آنان ارمغانی در انبان داشته است

نکته مهم دیگر در برنامهٔ دولت آقای **دکتر باهنر** توجه به ضرورت تامین آزادیهای سیاسی در جامعه است که نیاز مبرم انقلاب ما است. علیرغم موضع گیری‌های شفاهی و عملی برخی عناصر انحصارگر، که پنهان و آشکار ضرورت سرکوب همه سازمانها و گروه‌های دگراندیش اما مومن به انقلاب را تبلیغ می‌کنند، در برنامهٔ دولت به روشنی تصریح شده است که همهٔ احزاب و سازمانهائی که حاضر به فعالیت در چارچوب قانون اساسی باشند و از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کنند، از آزادی فعالیت برخوردار می‌شوند و دولت آزادیهای قانونی آنها را تضمین می‌کند. احترام به آزادی فعالیت احزاب و گروه‌های مومن به انقلاب، دقیقا پیاده کردن محتوای اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب است، که در موقع خود با استقبال عمومی روبرو گردید.

مرزبندی عقلائی و منطقی میان دوستان و دشمنان انقلاب، یعنی انتخاب ضوابطی بر اساس مومن بودن به انقلاب و یا پشت کردن به آن پشتیبانی از انقلاب و یا خصومت و مقابله با آن، می‌تواند انقلاب را از پشتوانه عظیم حمایت عمومی برخوردار کند و، برعکس، مخدوش ساختن و آشفته کردن مرزها، پایگاه مردمی انقلاب را تنگ و تنگتر می‌کند، و این جز به سود امپریالیسم و دشمنان انقلاب نیست.

مرزبندی میان دشمنان و دوستان بر اساس دشمنی و دوستی آنان با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یگانه مرزبندی پذیرفتنی است که امید است در سیاست خارجی دولت هم بازتاب صحیح خود را بیابد و سیاست خارجی انقلاب را از برخی ابهام‌ها برهاند.

دولت جدید در جو مطلوبی کار خود را شروع کرده است و مشخصه نوید بخش آن وجود تفاهم و هماهنگی است. امید است که در این جو مطلوب دولت آقای **دکتر باهنر** در پیاده کردن برنامه‌های خود موفق باشد و به توقعات عمومی پاسخ مثبت گوید.

فرازهائی از

سخنان مهم امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

خطاب به رئیس جمهور، نخست وزیر و هیأت دولت در دیدار روز پنجشنبه ۶۰/۵/۲۹

***مردم بجای برنامه دادن عمل می‌خواهند. هیچ دیگر شماها عذر ندارید ما هیچکدام دیگر عذر نداریم. در طول این مدت هی عذرهایی بود و واقعا هم عذر بود. مردم دین خودشان را به جمهوری اسلامی تاکنون ادا کردند. به تکلیف خودشان مردم عمل کردند اشکال در ماهاست. باید ما جواب مردم را بدهیم...**

***این مردم زحمت کشیدند، البته مردم زحمت کشیدند و غالبا هم فداکاری کردند، و این قدر هم توقع ندارند که چه بشود، اما خوب اسلام از ما توقع دارد و ما باید ادا کنیم دین این مردم را که حتی جانشان را، بچه‌هاشان، جوان‌هاشان را فدا کردند.**

***اینها کار خودشان را کرده‌اند و انصافا از اول انقلاب تا حالا، آنکه کار خودش را صد در صد صحیح انجام داد، ملت بود. او صد در صد کار خودش را خوب انجام داد، یعنی در همهٔ مشکلات با دولت موافقت کرد.**

***... حالا نوبت آقایان است، که در مقابل این همه زحمتی که آنها کشیدند و محبتی که آنها کردند و فداکاری که آنها کردند... وجدان اقتضای این را می‌کند که در همه جا کارها به نفع مملکت و بنفع اسلام و بنفع این جمعیت‌ها و خصوصا این مستمندهایی که در همه کشور هستند (بشود).**

***مردم حاضرند که وقتی یک مشکلی را دیدند برای هر یک از شما، مردم حاضرند به این که عمل بکنند. نوبت نوبت شماست که باید این دین را به این مردمی که شما را نشانده‌اند سر این مسند، دین خودتان را عمل بکنید. ادا کنید به مردم.**

***یکی از مسائل مهم قضیه افرادی است که در وزارتخانه‌ها هست. افرادی که ممکن است باشند. هست البته. که اینها علاوه بر این که خدمت نمی‌کنند کارشکنی هم می‌کنند، هستند... این‌ها باید شناسایی بشوند، درست این افراد کنار گذاشته بشود.**

***الان دیگر کسی نیست که شما عذر بیاورید که من می‌خواستم بکنم فلانی نگذاشت... الان این مسائل بحمدالله نیست. اختیار دست خود شماهاست و شماها باید برای این ملت خدمت کنید، خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. اگر در ذهنتان بیارید که من وزیرم و باید مردم از من چه بکنند، بدانید. اصلاح نشدید.**

تصحیح و پوزش

درمقاله "رویدادهای بریتانیا ـ تظاهر جامعهٔ سرمایه‌داری" (صفحهٔ ۹ اتحاد مردم، شماره ۸۹) هنگام چاپ، برخی جملات متاسفانه افتاده و یا جابجا شده، که با پوزش بشرح زیر تصحیح می‌شود:

ـ جملهٔ زیر به پایان ستون اول اضافه شود:

"... تهی دستان کمک شود، ولی اصولا هرکس باید بر روی پای خود بایستد. در عرصه اقتصاد..."

ـ در ستون سوم، از پاراگراف ششم تا پایان ستون در زیر سطر ششم قرار گیرد.

مبادله سفیر...

بقیه از صفحه ۱

سازمان ملل متحد و همکاری دولت‌ها به منظور اشاعهٔ تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز در تحکیم مبانی صلح جهانی و عدالت اجتماعی از راه نفی هر گونه استعمار و استبداد و استثمار و مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم جهانی و هر نوع تجاوز و توسعه‌طلبی از طرف قدرت‌های دیگر، با رعایت اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برقرار و توسعه دهند...

"دولتین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک خلق یمن اطمینان دارند که گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان دو دولت برادر تاثیر زیادی در ثبات و پیشرفت آنان و سایر کشورهای منطقه خواهد داشت و گام مهمی در راه مبارزه برای محو هر گونه سلطهٔ خارجی در منطقه محسوب خواهد شد".

مضمون این اعلامیه مشترک نیک نشان می‌دهد که برقراری روابط دیپلماتیک و گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک خلق یمن، اقدام موثری است در جهت تقویت مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک ـ امپریالیسم و صهیونیسم، بسرکردگی آمریکا ـ و نیز در جهت تقویت استقلال و رشد هر دو کشور. معذالک این روابط و مناسبات بین دو کشور هنوز وارد مرحله عملی نشده است چرا؟

از سوی دیگر، موضعگیری جمهوری دمکراتیک خلق یمن نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مشخص است. این کشور همواره از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده است. در تمام مذاکراتی که جمهوری دمکراتیک خلق یمن در مدت دو سال و نیم اخیر با کشور ثالثی داشته و منجر به صدور اعلامیه مشترکی شده است، چه با کشورهای عضو جبههٔ پایداری، چه با اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک آلمان و چه با دیگر کشورها، این کشور پشتیبانی خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته است و نیز در تمام نطقهای رسمی که در این مدت از طرف سران جمهوری دمکراتیک خلق یمن، چه در داخل و چه در خارج کشور، ایراد شده این پشتیبانی رسما اعلام شده است. با این همه هنوز مناسباتی که بتوان آن را "مناسبات" دوستانه و متقابلا سودمند دانست، بین دو کشور ما برقرار نشده است. چرا؟

شاید پاسخ این چرا این باشد که جمهوری دمکراتیک خلق یمن کشوری است از "بلوک شرق"؟

ولی این مسئله نیز، مشخصا نسبت به جمهوری دمکراتیک خلق یمن، مدتها پیش، آنهم از طرف روزنامه "ارگان حزب جمهوری اسلامی، تا حدود زیادی طرح و پاسخ آن داده شده است. یکسال پیش روزنامه "جمهوری اسلامی" (شماره‌های ۱۹ و ۲۰ خرداد ۱۳۵۹) طی مقاله‌ای در مورد مشی سیاسی که دولت جمهوری اسلامی ایران باید نسبت به غرب و نسبت به "بلوک شرق" اتخاذ کند، از جمله چنین نوشت:

"... دشمنی ما با آمریکا یک دشمنی بنیادی است و در عین حال اگر بلوک شرق بخواهند با ما از در دشمنی وارد شوند، ما در لزوم مقابله به مثل تردیدی نخواهیم کرد، هرچند در همه حال صلح و دوستی را دوست داریم... ما اگرچه دشمنان فراوانی داریم، ولی می‌توانیم دوستانی نیز داشته باشیم، مثلا در بلوک شرق ما می‌توانیم با... یمن جنوبی بیشتر رابطه برقرار کنیم و تنگهٔ باب المندب را بصورت طناب دار امپریالیسم درآوریم...

توجه داشته باشیم که پرهیز ما از بلوک شرق از جهان بینی "اسلامی" ما نشات می‌گیرد. نه اینکه بخاطر این پرهیز بگونه‌ای ناخودآگاه و ناخواسته در دامن شیطان بزرگ، یعنی آمریکا فرو غلطیم. ما با آمریکا دشمنیم. دشمنی ما با نظام کاپیتالیستی آمریکا وجود دارد، وجود خواهد داشت. صدها سال است که بوسیله غرب به زنجیر کشیده شده‌ایم ... ما نمی‌توانیم به هیچ روی با غرب (دولت‌های امپریالیستی) بویژه با امپریالیسم آمریکا وارد معامله سیاسی شویم... در صورتیکه در مقابل جهان شرق (کشورهای سوسیالیستی) نیز ما استقلال خود را حفظ می‌کنیم، ولی اگر آنها تفاهم را دوست داشته باشند، برای حفظ منافع و موجودیت خود (در برقراری رابطه با آنها) درنگ نخواهیم کرد".

از این نوشته بیش از یکسال میگذرد در این مدت وزارت امور خارجه از چنگ لیبرالها خارج شده است. سردبیر "جمهوری اسلامی" وزیر امور خارجه شده است. دیگر بهانه جویی برای جلوگیری از برقراری رابطه با "شرق" بمنظور سازش با "غرب"، در وزارت امور خارجه نمی‌تواند موثر باشد. و نیز ثابت شده است که "شرق" نه فقط "با ما از در دشمنی "وارد نمی‌شود، نه فقط آنها با ما "تفاهم را دوست دارند"، بلکه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قویا پشتیبانی کرده و می‌کنند، پس در گسترش مناسبات متقابلا سودمند و در همکاری با آنها در مبارزهٔ مشترک علیه دشمن مشترک ـ امپریالیسم و صهیونیسم، بسرکردگی آمریکا ـ و برای **"حفظ منافع و موجودیت خود"** کمترین

درنگی جایز نیست. اکنون دیگر همهٔ "موانع مفقود" است، می‌توانیم و باید با جمهوری دمکراتیک خلق یمن، مناسبات گسترده‌ای برقرار کنیم. تا **"باب المندب را بصورت طناب دار امپریالیسم درآوریم"**.

ما نظر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را به تمامی نکات فوق جلب می‌کنیم. بگمان ما دیگر وقت آن رسیده است که جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دمکراتیک خلق یمن روابط دیپلماتیکی در سطح سفیر و مناسباتی هر چه گسترده‌تر بر مبنای اعلامیهٔ مشترک مورخ چهارشنبه سوم اردیبهشت ۱۳۵۹ برقرار کند.

کارنامهٔ ابوالحسن بنی صدر (۷)

"آنتی کمونیسم" دو آتشهٔ بنی صدر در خدمت همکاری با آمریکا

اکنون به شمارهٔ هفتم کارنامهٔ ابوالحسن بنی صدر – سادات ایران – رسیده‌ایم. در قسمت‌های قبلی خواننده با رئوس کلی تفکر این مفلوک سیاسی، که خود را "بزرگترین اندیشه جهان معاصر" می‌دانست، آشنا شده است.

بررسی بیشتر اوراق کارنامهٔ بنی صدر نشان می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی تفکر او، بعد از خودستائی و "من"، "من" گفتن‌های بیشمار، "آنتی کمونیسم" است. هماطور که در قسمت سوم این بررسی آمد، از رئوس "سیا" ست‌های بنی صدر این بود که ایران را از طریق اروپای غربی (با تکیه بر نظریهٔ سه جهان) به همکاری مجدد با آمریکا بکشاند. به این ترتیب "آنتی کمونیسم" بنی صدر، از عدم درک درست شرایط جهان و تبلیغات ضد–کمونیستی شدید امپریالیسم مایه نمی‌گرفت، بلکه آگاهانه در خدمت سوق دادن دوبارهٔ ایران به سیستم جهانی سرمایه‌داری بود.

بنی صدر، بتدریج و بویژه پس از انتخاب به ریاست جمهوری، "آنتی کمونیسم" را به یکی از محورهای مرکزی "سیا" ست خود تبدیل کرد. این "آنتی کمونیسم"، بویژه از ۱۷ شهریور ۱۳۵۹– یعنی از وقتی که بنی صدر در پشت پرده با رهبری خائن مجاهدین و رنجبری‌ها و پیکاری‌ها و انواع دیگر مائوئیست‌های آمریکایی برای فروپاشیدن انقلاب ایران از طریق مسخ آن از درون متحد شد– شدت گرفت و از ۱۴ اسفند ۱۳۵۹– مرحلهٔ آغاز فعالیت "جبههٔ ضد انقلاب" برای کودتا– به اوج خود رسید. بنی صدر "سیا" ست ضد کمونیستی را با تبلیغ برای نزدیک شدن به اروپای غربی و زد و بند پشت پرده با کارتر به موازات هم پیش می‌برد.

بنی صدر برای پیشبرد این "سیا" ست– مانند همه نمونه‌های قبلی و بعدی آن – بر نظریهٔ امپریالیستی – مائوئیستی "دو ابر قدرت" تکیه داشت. او در قالب جملات زیر ابتدا چنین وانمود می‌کرد که "دو ابرقدرت" ماهیت یکسانی دارند: (همهٔ نقل قول‌ها از روزنامهٔ "انقلاب اسلامی" است).

"اگر ما پیروز نشویم، شکست می‌–خوریم و معنای این شکست این است که دو ابرقدرت شمالی و جنوبی بر سر تکه پاره کردن کشور ما و بردن سهمی از این کشور به رقابت برخواهند خاست". (۵ بهمن ۱۳۵۹)

و:

"اسلام و کشور را نگه‌داریم بنحوی که نه روس بر ما حکومت کند و نه آمریکا". (۱۳ آذر ۱۳۵۹)

و:

بدانید این ملت زنده است و ایران نه بدست روس خواهد افتاد و نه بدست آمریکا". (۲۳ بهمن ۱۳۵۹).

و:

"شمایی که تبلیغ می‌کنید یا آمریکا یا روس، ما می‌گوئیم به شما نه آمریکا، نه روس، نه آمریکا نه روس". (همانجا).

و:

"هیچکدام از دو ابر قدرت پیروزی ما را نمی‌خواهند". (۱۲ اسفند ۱۳۵۹).

ظاهر این عبارات نشان می‌دهد که گویا گوینده آن با سلطهٔ شوروی و آمریکا بر ایران مخالف است. اما تعقیب "سیا" ست‌های بنی صدر نشان می‌دهد که او در این زرورق ظاهراً خوش آب و رنگ چه سم مهلکی پیچیده بود. برای یافتن محتوای واقعی آنچه که بنی صدر در زرورق نظریهٔ "دو ابرقدرت" پنهان کرده بود، نظریات او را دربارهٔ سرمایه‌داری جهانی و در راس آن آمریکا، جامعهٔ کشور های سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی، مرور می‌کنیم.

دربارهٔ سرمایه‌داری جهانی و آمریکا

بررسی نظریات، نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و کتاب‌های بنی صدر که شامل برهزاران صفحه می‌شود، نشان می‌دهد که اساساً برای او امپریالیسم جهانی، بعنوان سیستم یگانه‌ای که توسط انحصارات و سرمایه‌داران بزرگ هدایت می‌شود، مطرح نبوده است. این "بزرگترین اندیشهٔ جهان معاصر" بر آن بود که تنها صهیونیسم است که بر مجموع امپریالیسم جهانی حاکم است و آنچه در انتخاب این یا آن رئیس جمهوری در ایالات متحده دخیل است، "روانشناسی" حاکم بر "روحیه" مردم آمریکاست! به این ترتیب برای بنی صدر "دشمن اصلی" مفهومی نداشت و او از زمان انتخاب به ریاست جمهوری تا سقوط تنها دو بار از آمریکا بعنوان "دشمن اصلی" یاد کرد، که تازه در این موارد هم مقصر اصلی مردم ایران بودند! (شرح آن در سطور بعد خواهد آمد) و در موارد دیگر آمریکا را بخاطر مسائل فرعی فقط سرزنش می‌کرد. از ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ حملات بنی صدر به آمریکا به حداقل کاهش یافت. تنها در ارتباط با جنگ تحمیلی صدام علیه ایران بود که بنی صدر آمریکا را مقصر می‌دانست، و البته کمتر فراموش می‌کرد که شوروی را در این کار با آمریکا شرکت دهد!

بنی صدر که مبارزه خلق با امپریالیسم آمریکا را قلابی می‌دانست و می‌گفت:

"همواره کوشیده‌ام که برای هموطنان خودم توضیح بدهم که میان "مخالفت قلابی" و "مخالفت واقعی" با آمریکا تفاوت دارد". (انقلاب اسلامی – ۱۲ اسفند ۱۳۵۹).

تنها مخالفت خود را واقعی می‌–دانست:

"درزمینه مبارزه با سلطهٔ آمریکا اقدامات قاطعی اگر انجام گرفته همین –هایی است که من انجام داده‌ام". (کیهان– ۱۱ دی ۱۳۵۹)

بنی صدر شرط داشتن بهترین رابطه را با آمریکا "رسما" به دبیر کل سازمان ملل متحد چنین اعلام می‌کرد:

"یقین بدانید که اگر دولت آمریکا درمقام تحقیر ملت ما بر نمی‌آمد و حتی از قبول حق تعقیب قانونی کسانی که برضد این ملت مرتکب جنایتها شده‌اند سرباز نمی‌زد و اگر به خطای خود در حکومت خونین وظالمانه وغیرمشروع و ویرانگر اعتراف می‌کرد، اینک دو ملت ایران و آمریکا بهترین رابطه‌ها را با یکدیگر داشتند". (انقلاب اسلامی– ۱۳۵۹/۸/۲۲)

بنی صدر، که این پیام رسمی را، بعنوان سرپرست وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران، به دبیر کل سازمان ملل متحد می‌فرستاد و شرط داشتن بهترین رابطه را اعتراف آمریکا به "خطا" ی خود (بنی صدر به ۲۵ سال جنایت و غارت می‌گفت "خطا") می‌–دانست، ردپای آمریکا را حتی در کردستان هم نمی‌دید:

"برای پی بردن به جواب این مساله (نقش صهیونیسم و امپریالیسم در کردستان) ما باید اطلاعات جمع کنیم و همینطور نمی‌توان در این باره قضاوت کرد". (کیهان– ۱۷ مرداد ۱۳۵۸).

بنی صدر می‌گفت که مردم ایران به امپریالیسم آمریکا کینه ندارند:

"هوشیاری شگرف مردم ما در این بود که تن به تحریکها ندادند و کینه نسبت به آمریکا را به دل خود راه ندادند" (انقلاب اسلامی –۶ آذر ۱۳۵۸)

بنی صدر نگران این بود که:

"در تمام مدتی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، آمریکا هیچ علامت خوشایندی از خود نشان نداده است". (انقلاب اسلامی – ۲۷ آبان ۱۳۵۸)

وقتی توطئه‌های پی در پی آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دیگر اجازه نمی‌داد که حرفهای بنی صدر حتی بچه‌ها را هم گول بزند، بنی صدر آن روی صفحه را گذاشت و با استفاده از "گروگان "گیری جاسوس‌های آمریکا، همهٔ تقصیرها را به گردن مردم ایران و اقدامات غلط دیگران – یعنی پیروان خط امام– انداخت:

"با این پیش آمدها (گروگان گیری) چگونه می‌توان انتظار داشت که شیراز امور کشور از هم نپاشد: در خوزستان لوله‌ها را منفجر نکنند و ابرقدرت آمریکا این کارها را علایم ناتوانی کامل دولت و همه متصدیان انقلاب نداند"". (انقلاب اسلامی– ۱۸ بهمن ۱۳۵۸).

و:

"دشمن اصلی، قدرت سلطه‌جوی آمریکا که فرصت اخیر (گروگان گیری) را نیز برای تغییر روحیهٔ انزواطلبی مردم آمریکا که بعد از شکست ویتنام پیدا کرده بود، به روحیهٔ مداخله‌طلبی سخت مغتنم شمرده است و هیچ قصد ندارد ملت ما را به حال خود بگذارد". (انقلاب اسلامی – ۲۶ آذر ۱۳۵۸)

بنی صدر از این هم جلوتر رفت و انتخاب **ریگان** – یعنی پیروز شدن جناح هارتر امپریالیسم یانکی– افزایش بودجه نظامی آمریکا، توسعهٔ اختیارات "سیا" و تشدید تبلیغات امپریالیستی علیه انقلاب ایران را بحساب مردم ایران و عمل انقلابی آنها، یعنی "گروگان "گیری نوشت:

"اینک ما با رها کردن زمینه‌های اصلی مبارزه و دادن ابتکار عمل به دشمن اصلی، ایجاد بهانهٔ عاطفی، داریم موجب تغییر روحیه و رفتار مردم آمریکا درجهت تقویت تمایلات فاشیستی و مداخله‌گرانه می‌شویم. مطالعهٔ جریان رشد فاشیسم در اروپای مرکزی جای تردید نمی‌گذارد که عوامل عاطفی، بیشتر از عوامل دیگر در رشد اینگونه تمایلات موثر می‌شوند. جریانی که مساله گروگان– گیری بخود گرفت همان جریان رشد افکار تجاوزگرانه است و به دستگاه حاکم آمریکا امکان داد اختیاراتی که از سیا سلب شده بود بدو بازگرداند و امروز از نظر "قانونی" دست سیا برای ارتکاب هرگونه جنایتی بازاست. بودجهٔ نظامی آمریکا تصویب شد. محتوای مطبوعات ودیگر دستگاه– های تبلیغاتی وحتی درمحیط مدرسه نیز تغییر یافت...". (انقلاب اسلامی ۱۶ فروردین ۱۳۶۰)

بنی صدر از این هم جلوتر رفت و جنایات آمریکا را علیه ایران ناشی از ضعف‌های حاکمیت ایران (البته غیر از خودش) در برابر پیروان خط امام قلمداد کرد:

"اگر ما درست کار می‌کردیم. بیکاری، گرانی، فلج اقتصادی، جنگ، بی‌عدالتی‌ها، اخلاق فاسد وتباه یا به وجود نمی‌آمد و یا آنچه بود از بین می‌رفت و عدالت قضایی و امنیت را برقرار می‌کردیم واگر همهٔ این کارها می‌شد، آمریکا از کدامین ضعف ما استفاده می‌کرد؟... این کارها را می‌کنید، کشور را به تباهی می‌کشانید، بعد می‌گوئید از آنها حرف نزنید چون آمریکا استفاده می‌کند. آمریکا از این حرفها استفاده نمی‌کند، بلکه از این اعمال است که استفاده می‌کند".

(کارنامهٔ بنی صدر– جلد ۵– ص ۱۴۲)

بر اساس این بینش نسبت به آمریکا و معرفی دشمن اصلی به این شکل بود که بنی صدر نه تنها با قطع رابطه با آن موافق نبود:

"...ما علاقه‌ای به قطع رابطه با آمریکا نداریم". (کیهان- ۱۳۵۸/۸/۲۹)

خود را با آن در جنگ نمی‌دید:

"...ما نگفته بودیم که با آمریکا وارد جنگ شده‌ایم، گفته بودیم و می‌–گوئیم که آمریکا بر ضد انقلاب ایران مقدمات جنگ همه جانبه‌ای را فراهم می‌–آورد..." (انقلاب اسلامی–۲۸ آبان ۱۳۵۸)

دربارهٔ جامعهٔ کشورهای سوسیالیسی و اتحاد شوروی

بنی صدر دربارهٔ آمریکا به صورتی که دیدیم، می‌اندیشید و تبلیغ می‌کرد. نظریات بنی صدر را دربارهٔ اروپای غربی، که او آشکارا خواهان پیوستن ایران به آن بود، در شماره ۸۷ "اتحاد مردم" و در قسمت سوم این بررسی به تفصیل شرح داده‌ایم. حالا ببینیم، بنی صدر دربارهٔ جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی و همچنین کشورهای انقلابی مسلمان چگونه می‌اندیشید و تبلیغ می‌کرد.

بنی صدر، که ۲۵ سال جنایت و غارت امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا را "خطا" می‌دانست، در سالگرد انقلاب خونین ۲۲ بهمن، در میدان آزادی نعره می‌کشید:

"در دوران معاصر ۶۰–۵۰ ساله اخیر سه بار جنبش‌های ما را عناصر وابسته به همسایهٔ شمالی بنابودی کشاندند... اینها درسه نوبت انقلاب‌های ما را به نابودی کشاندند. انقلاب مشروطه را همین عوامل که وسایل روی کار آمدن رضا خان شده بودند، بنابودی کشاندند. انقلاب جنگل (میرزا کوچک خان) را به همین ترتیب از بین بردند. وانقلاب نفت راهم به همین ترتیب به ۲۸ مرداد کشاندند و حالا هم بجان این انقلاب افتاده‌اند" (انقلاب اسلامی– سه شنبه ۲۵ بهمن ۵۹)

به این ترتیب بنی صدر نه تنها نقش خائنانه روسیه تزاری را در انقلاب مشروطه به حساب اتحاد جماهیر شوروی سوسیا– لیستی می‌نویسد و بر انقلاب کبیر سوسیا – لیستی اکتبر خط بطلان می‌کشد، نه تنها نقش خائنانهٔ امپریالیسم انگلستان را در روی کار آوردن رضا خان ندیده می‌گیرد، بلکه کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد را هم که حتی خود گردانندهٔ آن مامور "سیا" کرمیت روزولت نیز بدان اعتراف کرده است به اتحاد شوروی نسبت می‌دهد. بنی صدر بدینوسیله هم بر دست‌های خونین آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد آب تطهیر می‌ریزد، وهم پای آن را از توطئه– های اخیر بیرون می‌کشد. به این می‌گویند با یک تیر سه نشان، شاید هم چهار نشان!

بنی صدر حتی کودتای ننگین ۲۸ مرداد را توجیه می‌کند و به امپریالیسم غارتگر آمریکا حق می‌دهد:

"از دورهٔ قاجاریه تا امروز یادی روس و آمریکا متقابلا یکدیگر را علت وجودی خود شمرده‌اند. آمریکائیان در ایران کودتا می‌کنند بلحاظ این که اگر آنها کودتای ۲۸ مرداد را نمی‌کردند، ایادی روس (حزب توده) زمام امور را بدست می‌گرفتند..." (انقلاب اسلامی اول اسفند ۱۳۵۹)

بنی صدر سپس با تبلیغ این نظریه امپریالیستی که:

"فاشیسم و کمونیسم... کاملا ضد و مقابل یکدیگرند در ظاهر، اما درمحتوی دارای یک محتوی هستند". (انقلاب اسلامی– ۲۹ بهمن ۱۳۵۹)

پیاپی درباره "خطر شوروی" هشدار می‌دهد:

"گفتم که لنین خود بوسیله روزنامه –ها از وقوع انقلاب در روسیه مطلع شد بلافاصله دستورالعملی که لنین کرد این بودکه در اولین فرصت باید قدرت را از دست کسانیکه آنرا در دست گرفته‌اند بیرون کشید. همین الگو را در زمان خودمان، مقارن انقلاب خودمان، کمی پیش در افغانستان دیدیم و بگمان من جانبداران سیاست روسیه در ایران در پی آنند که این تجربه را در ایران تکرار کنند". (انقلاب اسلامی ۲۷ بهمن ۵۹)

و:

"روس ها در مرزهای ما قوای نظامی جمع آورده‌اند و ناگهان در گنبد "فدایی خلق" با تفنگ‌های دوربین دار، امنیت را برهم می‌زند، افغانستان اشغال نظامی می‌شود وغول روسی دندان نشان می‌دهد". (انقلاب اسلامی–۲۱ بهمن ۱۳۵۹)

و:

"چه کسی می‌تواند انکار کند که روسیه تمامی کوشش خود را بعمل می‌آورد که ما را در این سرگرمی‌ها فروتر ببرد تا با خیال راحت کار افغانستان را بسازد و بسراغ ما بیاید". (انقلاب اسلامی–۱۹ اسفند ۱۳۵۹)

و:

"تانک‌های شوروی همسایگان و برادرانمان را لِه می‌کنند و ما در این شرایط نمی‌توانیم ساکت بمانیم... شوروی‌ها به دروازه‌های ما رسیده‌اند و اندیشهٔ آنها برای دست یافتن به آبهای گرم برای ما خطری بالقوه است" (اطلاعات– ۱۱ بهمن ۱۳۵۹)

و:

"سیاست روسیه در ایران به سه پایه استوار است: دیپلماسی آشکار، دیپلماسی پنهان واستفاده از عوامل خود در ایران یعنی حزب توده تا ایران را وابسته بخود گرداند". (انقلاب اسلامی ۱۳۵۹/۱۲/۲۲)

به تاریخ این سخنان توجه کنید! همهٔ آنها هنگام تدارک کودتای بنی صدر در راس "جبههٔ متحد ضد انقلاب" علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گفته و نوشته شده است. (ما این زمینه چینی برای کودتا را، که عینا مانند زمینه سازی قبل از کودتای ۲۸ مرداد است، در شماره قبل شرح داده‌یم).

بنی صدر، که جنایات آمریکا را "**خطا**" می‌دانست و با آن سر جنگ نداشت، دربارهٔ اتحاد شوروی، چنین تبلیغ می‌کرد. والبته اینها که آمد، تنها قطره‌ای از دریای تبلیغات او علیه اتحاد شوروی است.

بنی صدر، که کمتر شماره "انقلاب اسلامی" بود که در آن به اتحاد شوروی حمله نکند، "کارنامهٔ" خود را، از ۲۵ بهمن تا اسفند ۱۳۵۹، تماما به مطالب ضد شوروی اختصاص داد. او که می‌نوشت:

"من در مقام ریاست جمهوری وقت صرف خواندن کتابهائی از این نوع می‌–کنم و آنها را طرح می‌کنم و آنها را مورد ارزیابی وانتقاد قرار می‌دهم جز برای تعهدی نیست که درقبال خدا و خلق دارم تا وهشیاری لازم را پیدا کند"، (انقلاب اسلامی –۲۷ بهمن ۱۳۵۹)

واعتراف می‌کرد:

"این کتاب از نظر من که آنرا چند بار خوانده‌ام و همانطور که گفتم نخستین کتابی نیست که من در این باره خوانده باشم، کارهای عملی تمرکز قدرت واستقرار استبداد را در روسیه نشان می‌دهد". (انقلاب اسلامی –۶ اسفند ۱۳۵۹)

منظورش کتابی بود بنام "**نومان کلاتورا**" که توسط دستگاه‌های جاسوسی امپریالیسم علیه اتحاد شوروی تهیه شده و روزنامه "میزان" هم بعدا متن آن را بطور کامل چاپ کرد. علاوه بر این، بنی صدر از کتاب **میلوان جیلاس** مرتد، که در زمان شاه ملعون توسط یک مرتد دیگر ترجمه شده بود و از نوشته‌های **کارل پوپر** به اصطلاح فیلسوف نقل قول می‌کرد، ما از تکرار این لاطائلات، که فشرده ۳ کتاب است، خود–

بقیه در صفحه ۱۰

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

تا شیطان بزرگ هست، شعار ما و فریاد ما همیشه مرگ بر آمریکا و مقابله با آمریکاست

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ٔ گذشته ۵ جلسهٔ علنی داشت. در این جلسات که دولت دکتر باهنر در آن رای اعتماد گرفت، اعتبارنامه تعداد دیگری از نمایندگان جدید و موادی از لایحهٔ بازسازی به تصویب رسید.

اولین جلسه علنی مجلس که روز ۲۵ مرداد تشکیل شد، به بحث در مورد کابینه اختصاص داشت. در سخنان قبل از دستور این جلسه، **ابوالفضل رضوی اردکانی**، نمایندهٔ سمنان از جمله گفت:

"امروز به کابینه‌ای رای می‌دهیم که آن را مرجع و امید برای محرومان و مستضعفان می‌نامیم".

وی با اشاره به تجربه دولت موقت و مشکلات بیشماری که از این طریق و طرق مشابه دیگر برای انقلاب بوجود آمد اظهار داشت:

"باید انقلاب را بدست انقلابیون سپرد و وارث انقلاب همان کسانی هستند که در انقلاب سرمایه گذاشتند، خون دادند و شهید دادند"

ناطق سپس با اشاره به هماهنگی ارگانهای مسئول اداره‌ٔ مملکت در شرایط کنونی گفت:

"دیگر بهانهٔ کارشکنی درکار نیست".

وی همچنین با اشاره به جنایات **"عوامل آمریکا چه در مرزها و چه در داخل کشور"**، خواستار اعمال قاطعیت مسئولان در برقراری امنیت عمومی شد.

رضوی اردکانی در پایان با اشاره به مشکلات اقتصادی و از جمله گرانی، تورم و بیکاری، نامشخص بودن مسئلهٔ مالکیت زمین و... خواستار افزایش تولیدات داخلی و طرح برنامه‌های اساسی کوتاه مدت و دراز مدت برای حل آنان شد.

محمد فاضل، نمایندهٔ بابل دومین ناطق قبل از دستور این جلسه، از مردم و نیروهای انقلابی خواست که هشیاری خود را در قبال توطئه‌ها افزایش دهند.

ناطق بعدی این جلسه **حائری قومی** نماینده قومس، طی سخنانی از حمله به جبهه ضدانقلاب که از **"سلطنت طلب‌ها، لیبرالهای دمکرات‌نما، بختیارها، کسانی که سرمایه دفاع از آمریکا و غارتگریهایش وارد صحنه شده بودند**، آنان که تاکتیک ساست گام بگام را مطرح کرده بودند" با حب نماهای آمریکایی تشکیل شده است اشاره کرد و عملکرد ضد انقلابی آنان را از بدو پیروزی انقلاب تاکنون تشریح کرد. وی در قسمت دیگری از سخنانش از ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب خواست تا به مشکلات سپاه پاسداران انقلاب گیلان و مازندران رسیدگی و آنها را حل کند.

برنامه‌های اصلی دولت

پس از سخنان پیش از دستور، **دکتر باهنر**، نخست وزیر، طی سخنانی ضمن افشاء **"لیبرالها، سازشکارها، محافظه کار - ها و غربگراها"** از جریانهای انحرافی در عرض دو سال و نیم پس از پیروزی انقلاب سخن گفت. وی تاکید کرد:

"امروز ما در مقطع حساس انقلابمان ایستاده‌ایم... اکنون متولیان اصلی انقلاب، یعنی مردم، خود متولی حل مشکلات شده‌اند و دیگر ناخالصی نداریم"

نخست‌وزیر همچنین تاکید کرد که **مسائل ملی کردن بازرگانی خارجی، طرح - های دراز مدت اقتصادی، اراضی کشاورزی و اصلاحات ارضی، مسئلهٔ مسکن و تعیین حدود مالکیت صنعتی و کشاورزی و حدود فعالیت بخش خصوصی و بازسازی و سالم سازی ادارات "با یاری و کمک مجلس" و "طرحهایی که دولت عرضه خواهد کرد"** حل می‌شود. وی همچنین از تصمیم دولت در زمینه برخورد قاطع با **"گروهک های وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم"** سخن گفت.

سپس بحث در مورد کابینه آغاز شد و **نمایندگان در موافقت و مخالفت با آن** سخن گفتند. **مهاجرانی** یکی از نمایندگان موافق کابینه، طی سخنانی به تاریخچهٔ دولتهایی که پس از انقلاب روی کار آمدند اشاره کرد و این مسیر را نزدیک شدن به **"قاطعیت انقلاب"** دانست. وی همچنین با اشاره به لزوم **تغییرات اساسی و بنیادی"** در بودجهٔ سال ۶۰، خواستار تنظیم بودجه سال ۶۱ بر اساس تجدید نظر کلی در بودجهٔ سال ۶۰ شد.

در پایان این جلسه، **دکتر باهنر** به انتقادات وارده به چند وزیر پاسخ گفت.

جلسهٔ بعدی مجلس، که به ادامهٔ بحث در مورد کابینه اختصاص داشت، روز ۲۶ مرداد تشکیل شد. در این جلسه **حجت‌الاسلام خلخالی** به عنوان مخالف مطالبی را مطرح کرد. سپس **دکتر هادی** در موافقت با دولت سخن گفت و با اشاره به وجود خط سی صدر، که **"بوسیله غرب تحمیل شده بود"** و مانع از تصفیه‌ها در ارتش و سایر ارگانها می‌شد، سرقت ناوچه و هواپیماها را ناشی از همین امر دانست وی همچنین با تاکید بر وجود **"محتکرین و سرمایه‌دارها، دزدان و چپاولگران"** در اقتصاد کشور ما، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را یکی از کارهای اساسی و انقلابی دانست و هدف آن را **"گرفتن تجارت از دست بازاریان و سپردن آن به دست دولت"** ذکر کرد. ناطق همچنین با اشاره به هماهنگی کامل موجود در ارگان‌های مملکتی و **"حاکم بودن خط امام در سطح مملکت"**، خواستار **"کار فعالانه مجلس و دولت در حل مشکلات سیاسی و اقتصادی مردم"** شد.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، از موافقان کابینه، طی سخنان مشروحی در مورد بعضی از وزرای کابینه به انتقاداتی که به این وزراء شده بود، پاسخ گفت.

آمریکا بزرگترین دشمن انقلاب است

حسن یوسفی اشکوری، یکی دیگر از موافقان کابینه، طی سخنان خود، با اشاره به اهداف انقلاب، از جمله گفت:

"(هدفهای انقلاب) یکی تامین آزادی برای مردم و دیگر مسئله نفی استثمار و بوجود آوردن یک زندگی سالم و سرافتمندانه‌تر و عادلانه‌تر برای مردم است، بگونه‌ای که همه مردم از رفاه برخوردار باشند و از ثروت‌های اجتماعی که حق همه هست به صورت عادلانه برخوردار باشند".

وی همچنین با اشاره **به برنامه‌های** دولت **از اهداف مهم اقتصادی این برنامه** سخن گفت و بخصوص به **"تغییر کلی سیستم مالیاتی"**، **"انجام اصلاحات ارضی اسلامی"** و **"مبارزه با محتکران و سرمایه - داران غارتگر"** اشاره کرد.

ناطق همچنین در مورد سیاست خارجی تاکید کرد که **" دشمن اصلی انقلاب شیطان بزرگ آمریکاست و به فرمودهٔ امام باید تمام فریادها را بر سر آمریکا کشید"** وی همچنین خواستار آن شد که **"در عمل این دشمن اصلی فراموش نشود"** و همهٔ نیروها برای مبارزه با آن صرف شود.

> * وزارت خانه‌ها را به صورت نهادهای انقلابی درآورید
> * مسئولان و دست اندرکاران نباید در اندیشه و عمل و ابتکار از مردم عقب بمانند

بازرگانی خارجی ملی خواهد شد

آنگاه **دکتر باهنر**، نخست وزیر، طی سخنانی اظهار داشت:

"دولت مصمم است بازرگانی خارجی را ملی کند و جلو سودجوئی‌های کلان، استثمارها و غارتگری‌ها را بگیرد".

نخست‌وزیر همچنین با تاکید بر اینکه واردات کالا و توزیع آن باید در دست خود مردم قرار گیرد و اگر نفعی در آن است، به نفع **"بیت‌المال مسلمین"** صرف شود، این مسیر را **" خط اصلی کار"** دانست، وی در پایان سخنان خود از مجلس خواست که، با رای اعتمادی که به این کابینه می‌دهند، از همان قدم اول دولت را در انجام وظایف سخت و دشوارش یاری کنند.

سپس در مورد تک تک افراد کابینهٔ **دکتر باهنر** رای‌گیری بعمل آمد و در نتیجه ۲۱ وزیر از مجموع ۲۲ وزیر کابینه، با اکثریت قاطع آراء مورد تایید نمایندگان قرار گرفتند. و تنها **حسین تاجگردان** موفق به کسب رای اعتماد نشد.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در پایان این جلسه، ضمن اعلام نتیجه رای‌گیری، برای دولت جدید در انجام وظایف و برنامه‌های خود آرزوی موفقیت کرد.

جلسهٔ علنی بعدی مجلس **روز ۲۷** مرداد تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور این جلسه **موحدی ساوجی** نمایندهٔ مردم ساوه بود که طی سخنانی اظهار امیدواری کرد که قاطعیتی را که مردم دارا هستند، ارگانها و نهادهای مملکتی نیز به دست آورند. وی همچنین با تاکید بر این که مردم تاکنون در **"جنگ با آمریکا و تجاوز بعثی‌ها و ضد انقلاب داخلی"** و نیز در مبارزه با گروهکهای ضد انقلاب داخلی لیبرالها، ساواکیها و **"افشای نقشه ها و توطئه‌های آمریکا پیشتاز و پیشرو"** بوده - اند، از همهٔ **"دست اندرکاران"** خواست **تا "در شعار و شعور و اندیشه و عمل و ابتکار از مردم عقب نمانند"**. ناطق همچنین از دولت و مجلس خواست، تا با هماهنگی کامل و ارتباط نزدیک با یکدیگر، به حل مشکلات بپردازند و خطاب به مجلس تاکید کرد که **"مجلس باید در مقابل ضعف - های دولت از موضع قاطع برخورد کند"**.

وی در قسمت دیگری از سخنانش با اشاره به سستی هایی که در برخی موارد وجود دارد گفت:

"آیا به صرف اینکه بگوئیم دشمنان داخلی و خارجی زیاد داریم که داریم و در راس همه آنها، آمریکا این شیطان بزرگ قرار دارد و همه جا می کوشد به ما ضربه بزند ما و ملت ما را قانع خواهد کرد که ضعف‌ها و کوتاهی های مسئولان را در دزدیدن هواپیماهای نظامی و قایق جنگی و فرار بنی‌صدر و رجوی و سلامتیان و دیگر جنایتکاران، نادیده بگیرند، نه ملت مسلمان همیشه در صحنه ما را نمی بخشند و انتظار دارند در برابر دشمنان هوشیاری دقت و انضباط و قدرت کافی از خود نشان بدهیم و نقشه‌های تخریبی دشمن را هر چه بیشتر خنثی سازیم".

ناطق همچنین از مسئولان وزارت - خانه‌ها خواست تا با تصفیه این ارگان‌ها از عناصر **"کم کار و ضد انقلابی"**، این ارگانها را بصورت **"نهادهای انقلابی"** درآورند.

پس از پایان نطق‌های قبل از دستور مجلس بحث در مورد لایحهٔ بازسازی را در شور دوم آغاز کرد و نمایندگان پیشنهادهای خود را در جزئیات مواد این لایحه طرح کردند.

در این جلسه همچنین اعتبارنامه - های آقایان **حسینی طباطبایی**، نماینده زابل، **کاظم اکرمی** نماینده کبودرآهنگ همدان و **مطلب وحید** نماینده کلیبر، که معترضین به اعتبارنامه‌هایشان، اعتراض خود را پس گرفته بودند، طرح شد و به تصویب نمایندگان رسید. ماده ۱ لایحهٔ بازسازی نیز در همین جلسه به تصویب رسید.

سالگرد کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد

جلسه علنی بعدی مجلس روز ۲۸ مرداد به ریاست **حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها** تشکیل شد. در این جلسه **علی ملکوتی**، نمایندهٔ مردم سراب و اولین ناطق قبل از دستور، طی سخنانی، با اشاره به فرا رسیدن سالگرد کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد و نقش امپریالیسم آمریکا در انجام آن، از جمله تاکید کرد:

"این کودتا راه باز برگشتن آمریکا و عمالش به این کشور شد".

وی با تاکید بر اینکه **"پیروان خط سازش"**، پس از پیروزی انقلاب ایران، **"در صدد تکرار همان کودتای ۲۸ مرداد بودند"**، گفت:

"اما ملت ما مشت پولادین خود را برپوزهٔ ملی گراها زد، برپوزهٔ انسان نما - هائی که از فرصت‌ها و خلوص نیت این ملت سوء استفاده کردند، وارد آوردند".

ناطق همچنین متذکر شد:

"استکبار جهانی، به سرکردگی آمریکا از همان آغاز سال ۴۲ تمام امکانات خود را برای سرکوب این ملت بپا خاسته به کار برده است".

وی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به موضعگیری دولت‌های امپر - یالیستی در قبال بمب گذاری‌ها و جنایات ضد انقلاب گفت:

"دنیای به اصطلاح حقوق بشر که در مقابل هر جنایتکاری و تبهکاری اعلامیه - هایی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر می کند، موضع خود را در قابل این ترورها و بمب گذاری‌ها در بیمارستان‌ها و پلها و اماکن عمومی، با پناه دادن به دزدهای غدار، دزدهای دریایی، دزدان هوایی، تروریستها و چپاولگران مشخص کرد".

ناطق در پایان با اشاره به نقش **رهبری قاطع امام خمینی و پیشبرد انقلاب و عزم راسخ مردم در دفاع از انقلاب گفت:**

"۲۸ مردادی که در آن شاه رفت و یکسری جنایتکارها را باقی گذاشت دیگر گذشته است".

ناطق بعدی پیش از دستور این جلسه **خوشنویس**، نماینده مردم اردبیل، بود که طی سخنانی از جمله به فعالیت **"ورشکستگان سیاسی"** که **"به کمک یاران وفادار و دیرینه‌شان به آغوش اربابان خود پناه برده‌اند"** اشاره و آن را محکوم کرد.

فریاد ما همیشه مرگ بر آمریکاست

پیش از ورود در دستور، **حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها**، نایب رئیس مجلس و رئیس جلسه طی سخنانی، با اشاره به سرقت ناوچه متعلق به ارتش جمهوری اسلامی ایران و نقش فرانسه گفت:

"دزدان دریایی به دستور آمریکا و با هدایت دولت میتران دست به این چنین خیانت و دزدی زده‌اند"

وی افزود:

"اگرچنانچه میتران دستور گرفته است از آمریکا و ریگان که دست به چنین اقدامات احمقانه‌ای بزند تا فریاد و خشم ملت ایران را علیه آمریکا کمتر کند و مقداری از این خشم را متوجه خودش کند، بداند اشتباه کرده است".

حجت‌الاسلام خوئینی‌ها با تاکید بر اینکه **"فرانسه و دولتهای مشابه اذناب آمریکا هستند"** بار دیگر تاکید کرد:

"ملت ایران هوشیار است که هرگز تا این آمریکا و شیطان بزرگ هست و تا ضربه نهائی را اسلام و انقلاب اسلامی بر این شیطان بزرگ وارد نکرده است فریاد ما و شعار ما همیشه مرگ بر آمریکا است و همیشه مقابله ما با آمریکا است".

سپس مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد جزئیات لایحهٔ بازسازی ادامه یافت در این جلسه اعتبارنامه **هاشم حجازی** نمایندهٔ ماکو طرح شد و بتصویب نمایندگان رسید و نیز گزارش شعبه ۶ مجلس مبنی بر رد اعتبارنامه **سید حسن پور میر غفاری** نمایندهٔ هشترود قرائت شد و اعتبارنامهٔ این نماینده به کمیسیون تحقیق ارجاع گشت. در این جلسه مواد ۲ تا ۷ لایحهٔ بازسازی به تصویب رسید.

> * دولت مصمم است بازرگانی خارجی را ملی کند
> * در انقلاب جائی برای فئودال‌ها، سرمایه‌داران و غارتگران نیست

جلسهٔ بعدی مجلس در ۲۹ مرداد تشکیل شد.

اولین سخنران پیش از دستور این جلسه **دکتر خلیلی** نمایندهٔ مردم بافق طی سخنانی، با اشاره به اینکه از پس از پیروزی انقلاب تاکنون **"کارهای بسیاری"** برای مردم انجام شده است، گفت:

"ولی به جرات می توان گفت ظرف این مدت می شد برای مردم بیش از این کار کرد و (تاکنون) چنانکه باید و شاید کارهای چشمگیر در انطباق با عظمت آرمانهای انقلاب و خواست و همت امت بپا خاسته و شهید پرور ما صورت نگرفته است".

وی آنگاه با اشاره به استقرار دولت جدید و وجود هماهنگی در بین تمامی ارگانهای مسئول مملکتی و برخورداری این ارگانها از حمایت و پشتیبانی مردم اظهار امیدواری کرد که این ارگانها بیش از گذشته **"در خدمت مردم"** درآیند. ناطق در بخش دیگری از سخنان خود، ضمن تاکید بر اینکه **"مسئلهٔ اصلی کشور جنگ است"**، خواستار تجهیز تمام نیروها برای پیروزی در نبرد با تجاوزگران صدامی شد. وی همچنین خواستار **"مبارزه‌ای قاطع با گرانی، بیکاری، تورم، فساد و غارت"** شد و در این ارتباط با اشاره به اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی گفت:

"ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه‌ای از تعاونی‌های تولید و توزیع و مصرف در شهر و روستا، بهترین و انقلابی - ترین وسیله برای ریشه‌کن کردن گرانی و تورم است. بدون تردید باید هر کس که مانع اجرای اصول قانون اساسی است به ملت معرفی شود، تا مردم بدانند مانع کار کیست و علت تاخیرها چیست".

وی در قست دیگری از سخنانش گفت:

"با اجرای اصل ۴۹ (قانون اساسی می‌توان) سودجویان و سرمایه داران وابسته به خارج و ثروت اندوزان از طرق نامشروع را از خود ناامید و مستضعفان و تودهٔ محروم را که ستون اصلی انقلاب هستند، امیدوار ساخت".

ناطق همچنین خواستار شناساندن انقلاب ایران در عرصهٔ جهانی به بهترین صورت ممکن شد. وی در بخش دیگری از سخنانش در ارتباط با سیستم مالیاتی کشور، خواستار تنظیم این سیستم از طریق **"وضع و دریافت مالیاتهای مستقیم تا ۹۰ درصد"** شد. ناطق با اشاره به سودجویی - ها و غارتگری‌های بی حساب عده‌ای سرمایه‌دار و غارتگر، سئوال کرد:

"تا کی در حکومت اسلامی این وضع تداوم خواهد داشت؟"

بقیه در صفحه ۶

تفسیر وقایع مهم جهان

بمب نوترونی

سلاح غارت امپریالیستی

ازفردای روزی‌که نخستین بمب‌های اتمی آمریکایی بر فرازهیروشیماو ناکازاکی منفجرشدو دردنبال خود چیزی‌جز تلی از ویرانه به جای نگذاشت ، غارتگران بین‌المللی را این‌اندیشه فراگرفت‌که دریک‌جنگ‌هسته‌ای‌وسیع ،که‌همه‌چیز درکشور خصم ازجانداروبیجان‌محومی‌شود و نه انسانی‌برای‌استثمارونه‌ثروتی‌مادی برای‌تصاحب باقی‌می‌ماند ، پیروزی‌دیگرچه‌معنایی می‌تواند داشته باشد ؟

جنگ در سیاست امپریالیسم همیشه وسیله‌ای برای غارت ثروت خلقهای‌دیگر بوده است . جنگ‌هسته‌ای‌چیزی‌رادرخاک‌دشمن برای غارت بجانمی‌گذارد . سیاستمداران‌غارتگر حل این‌معضل رابه "دانشمندان" مزدور سرمایه واگذارکردندوآنان با "تلاش‌شبانه‌روزی" سلاحی بدست‌کارفرمایان‌خویش‌دادند ،که انسان‌ها را چون مگس نابودمی‌کند ، اماثمره‌ٔکارآنهارابرای اشغالگران‌باقی‌می‌گذارد . واین بمب نوترونی است .

امپریالیستهای‌آمریکایی‌این‌سلاح‌را برای چه‌می‌خواهند ؟ اگربه‌حرفهای‌آنان‌گوش‌فرادهیم می‌گویندکه‌این‌سلاح "انساندوستانه" را برای مقابله باقدرت روزافزون‌نظامی شوروی و حفظ توازن‌نیروها ،که در دهسال‌اخیر به‌زیان‌کشورهای غربی‌تغییر کرده‌است ، دربرابر موشک های میان‌بردشوروی‌تولیدوذخیره‌می‌کنندو از این طریق می‌خواهندبرابری نظامی رادر اروپا بار دیگر برقرارکنند . اماحقیقت امرچیزی‌جزاینست

نخست آنکه برهم‌خوردن توازن‌نیروهادر اروپا ازجعلیات امپریالیستی است . خودمقامات آمریکایی‌بارها اذعان‌کرده‌اندکه بین قدرت نظامی‌دوبلوک‌سوسیالیستی‌وامپریالیستی‌تفاوت چندانی‌وجودندارد .

دوم‌آنکه ، باتولیدبمب‌نوترونی نمی‌توان این‌توازن را ،بفرض آنکه بزیان‌کشورهای‌غربی‌بر هم‌خورده‌باشد ، برقرار نمود ، زیرا کشورهای سوسیالیستی قادرنددرظرف مدت کوتاهی انحصارتولیدبمب نوترونی را ازدست آمریکا بگیرند .

بنابراین‌دلیل‌اصرارحکومت‌ریگان را در تولیدبمب نوترونی ، علیرغم اعتراضات وسیع درسراسرجهان ، بایددرجای‌دیگرجستجونمود . بمب‌نوترونی‌برحسب‌ویژگی‌کاربردخود ، بعنوان یک‌سلاح تعرضی ، کشتار دسته جمعی،نابودگر انسانها ونگاهدارنده‌ٔثروتهای‌مادی ، بهترین سلاح‌غارت‌امپریالیستی‌است .

اخباری‌که امروز ازسراسرجهان‌می‌رسد ، نشان‌می‌دهدکه بمب نوترونی‌راامپریالیستهای آمریکایی تنها‌برای استعمال‌درصحنه‌های‌جنگ اروپانساخته‌اند . هرجاکه پایگاه های آمریکایی وجوددارند ، بمب‌های‌نوترونی‌نیزدرآنها مستقر خواهندشد . مقامات آمریکایی صراحتامی‌گویند که درصورت افزایش تشنج درخاورمیانه‌و خلیج فارس ازبمب نوترونی استفاده خواهند نمود انتقال کلاهکهای‌نوترونی از آمریکابهرنقطه‌ای ازجهان بیش از۶ ساعت بطول‌نخواهدانجامید. واضح‌است که درخاورمیانه‌وخلیج‌فارس هدف اصلی‌بمباران‌های نوترونی‌توده‌های بپاخاسته‌ٔ مردم خواهندبود . کشتن میلیونها‌انسان‌برای امپریالیسم آمریکا ، بشرط‌آن‌که به میدان‌ها و تاسیسات‌نفتی منطقه‌آسیب‌نرسد ، ازآب خوردن آسانتراست . مگرهمین‌آمریکائیها نبودند که بدون‌هیچ توجیه نظامی‌روی شهرهای بی‌دفاع ژاپن بمب اتمی‌ریختند ؟

به‌احتمال‌قوی‌بمبهای نوترونی ، پیش از آن‌که در اروپا مستقر گردند ، در پایگاه های آمریکائی‌واقع درپیرامون مناطق "داغ" جهان جای داده‌خواهندشد .

روزنامه‌سوری "تشرین" نوشت که آمریکا قصددارد‌کلاهکهای‌نوترونی‌خودرابخاورنزدیک منتقل‌کند . روزنامه‌های‌هندنگرانی خود را از استقراربمب‌های‌نوترونی در دیگوگارسیا ابراز داشته‌اند .

جمهوری‌دمکراتیک‌خلق‌کره‌قصد آمریکارا درموردانتقال کلاهکهای نوترونی به‌کره‌جنوبی محکوم‌کرده‌است .

احتمال‌می‌رودکه‌آمریکائیها‌درپایگاه‌های خوددرفیلیپین نیز بمب نوترونی‌مستقر کنند . ستاد ارتش آمریکابمب‌نوترونی‌راجزءٔسلاحهای‌جنگ "محلی" رده‌بندی‌کرده‌است ، که بر خلاف سایرسلاحهای هسته‌ای‌می‌توان‌آن را به ابتکارفرماندهان‌نواحی جنگی ، بدون‌کسب‌اجازه ازفرماندهی‌کل‌بکاربرد ، چیزی‌که خطر استعمال آن‌رابمراتب بیشترمی‌کند .

اقدام جنایتکارانهٔ امپریالیست های آمریکایی‌درتولیدوذخیرهٔ‌بمبهای‌نوترونی با اعتراض واقعا جهانی روبروشده‌است . در میان این‌موج خشم‌آلوداعتراض توده‌ها ، اعلامیه‌های تائیدآمیز رهبران پکن در پشتیبانی از تصمیم ریگان واقعا نفرت‌انگیز وشرم‌آوراست . پشتیبانی‌پکن‌از تولیدبمب‌نوترونی ، که‌بایدآن رادروهلهٔ‌نخست‌سلاح غارت امپریالیستی دانست ، نشان‌می‌دهدکه رهبری‌کنونی چین تا چه حدازخلقهای جهان فاصله گرفته است . خصومت بااتحادشوروی و دنیای سوسیالیسم رهبران پکن را به دستیار امپریالیسم و دشمن خلقهای ستمدیده‌مبدل‌ساخته‌است ، واین‌راهی است که هرکس بدان گام‌نهد ، ناگزیر ازاردوگاه امپریالیسم سربیرون خواهد آورد . سادات وهمدستانش نیز ازهمانجا آغاز کردندوبه‌اینجا رسیدندکه‌استقلال ، شرف و آزادی خلق بزرگ مصر را در پای امپریالیسم وصهیونیسم قربانی می‌کنند .

چوب حراج سادات برپیکرمصر

صابر ، شاعربزرگ‌آذربایجان ، که‌دردوران انقلاب مشروطه ایران تیغ برای‌زبانش بر فرق ارتجاع ایران پی‌درپی زخم‌کاری فرودمی‌آورد دریکی‌از اشعارش‌محمدعلیشاه رابقالی مجسم می‌کندکه‌ایران رادرطبق‌اخلاص نهاده فریاد می‌زند : "آی‌الان‌مملکت‌ری‌ساتیرام" . محمدعلیشاه‌برای فروش ایران (مملکت‌ری) در جستجوی‌مشتری‌بود . گوئی روح جهنمی محمدعلیشاه‌درکالبدسادات‌حلول‌کرده‌است . سادات خود به پای خودبرای فروش مصر به‌واشنگتن می‌رود . هنگامیکه خبرنگارساندی‌تایمزازسادات می‌پرسد : "باریگان برسرچه‌موضوعاتی گفتگو کردند ؟ "این‌دلال‌فرومایه‌پاسخ‌می‌دهد ،

"ازریگان‌دعوت‌کردم‌بیدرنگ و بدون اتلاف وقت بردامنه حضور نظامی‌خود درمصر ومنطقه بیافزاید " .

آمریکائیهابدون "دعوت" "سادات"نیزپس ازآنکه‌موج‌انقلاب درافغانستان‌وایران‌برخاست ومواضع غارتگرانه‌امپریالیسم رابخطرافکند ، "بردامنه‌حضورنظامی‌خود" درمنطقه‌افزوده‌اند. هم‌اکنون‌امپریالیسم آمریکا بزرگترین نیروی دریایی‌خودرا دراقیانوس هند و خلیج فارس متمرکزنموده‌است . آمریکایک بودجه۷ میلیارد دلاری برای ایجاد پایگاه های جدید وتوسعه پایگاه‌های‌موجود، بویژه درمنطقه خاورنزدیک ، اقیانوس‌هندوخلیج‌فارس تخصیص داده‌است ، که پایگاه‌های مصر ، عمان ، کنیا ، سومالی و دیگوگارسیا از آن‌جمله‌اند . بااین‌همه "دعوت" سادات معنای‌خاصی‌بخودمی‌گیردونشان‌میدهد که‌خائنان‌بخلق‌و روسپیان‌سیاسی‌چگونه‌بسادگی وآسانی‌بااستقلال‌وآزادی‌کشورشان‌معامله‌میکنند تاچندصباحی‌به‌عمرننگین‌خویش‌ادامه‌دهند .

سادات به ریگان درس "آنتی‌کمونیسم" می‌دهد

یک ضرب‌المثل خلقی‌می‌گوید : وای به وقتی‌که‌مرده‌برخیزدومرده‌شوی‌راغسل دهد . تذکر "خطرکمونیسم" ازسوی سادات به ریگان چیزی جز همین برخاستن مرده وشستن‌مرده‌شوی نیست . نیوزویک‌مجلهٔ‌معروف‌آمریکایی ، منظرهٔ‌درس سادات‌به ریگان را چنین‌توصیف می‌کند :

"سادات برخاست ، پای‌نقشه‌رفت و در یک‌سخنرانی ۳۰دقیقه‌ای‌برای‌ریگان‌شرح دادکه چگونه‌اتحادشوروی‌ودست‌نشانده‌اش درلیبی ، اتیوپی ، یمن‌جنوبی ، افغانستان‌مناطق نفت‌خیز خاورمیانه‌راتهدیدمی‌کنند .

وی‌همچنین‌دربارهٔ‌پیامدهای آشوب ایران‌وامکان‌بهره‌برداری نیروهای‌چپ به‌ریگان هشدارداد" . (نیوزویک‌شماره۱۷ اردیبهشت ۱۹۸۱)

سادات‌دردنبالهٔ‌این‌درس ، ریگان را به تقویت حضورنظامی‌آمریکادرخاورنزدیک و میانه‌دعوت‌می‌کندوازوی‌می‌خواهدکه‌منطقه رااز "خطرکمونیسم" رهایی دهد!

تااینجابین‌میهمان‌ومیزبان‌وحدت نظر کامل‌حکمفرماست . اختلاف ازآنجاآغازمی‌گردد که‌سادات‌می‌خواهدافسانهٔ "خطرکمونیسم" راکه ساخته‌دست امپریالیست‌هاست ، به خود آنان قالب کندوبه‌این‌بهانه‌ازارباب گذشتی‌به سود خودبگیردوآبروی‌ازدست‌رفته را ترمیم کند . سادات‌برای‌آنکه‌خیانت‌آشکارخود را به آرمان اعراب‌پرده‌پوشی‌کندوخودرامدافع منافع خلق فلسطین‌نشان‌دهد ، ازریگان "دعوت" می‌کندکه برای‌جلوگیری‌از "خطرکمونیسم" وجدا کردن خلقهای عرب ازاتحادشوروی‌توجه‌بیشتری به حل‌مسئله فلسطین‌ابرازدارد . دراینجاست که ارباب‌صراحتا‌به‌اوپاسخ‌می‌دهدکه‌دولت آمریکا سازمان‌آزادیبخش فلسطین را یک " سازمان تروریستی " می‌داندوهیچگونه‌گذشتی در برابر آن نخواهدکرد . به‌سادات‌می‌فهمانندکه‌اووفقط دریک‌سمت‌می‌تواند منشاءٔعمل‌باشدوآن سمت رویارویی باجنبشهای انقلابی‌منطقه ، از جمله سازمان‌آزادیبخش‌فلسطین‌است‌ودرخارج‌ازاین چارچوب حق فضولی‌ندارد .

مسئله فلسطین را نمی‌توان با دست امپریالیسم آمریکاحل‌کرد . پیشنهادوزارت‌امور خارجه‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌دربارهٔ‌تشکیل‌یک جبههٔ‌اسلامی‌برای‌مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم نخستین‌گام مهمی‌است که از سوی میهن‌مادررا‌ایجادیک‌دولت‌مستقل‌فلسطینی برداشته‌می‌شود . بدیهی‌است‌که‌این‌جبهه تنها درصورتی‌می‌تواندبهدف خودنائل گردد که واقعیات جهان‌موجود را در تمام ابعادآن بپذیردوبخصوص تمام‌اقدامات خودرابارهبری سازمان‌آزادیبخش فلسطین ، که یگانه‌نماینده قانونی‌خلق‌فلسطین‌است ، هماهنگ سازد . تا کنون‌خروارهاحرف‌درپشتیبانی‌ازخلق‌فلسطین ازسوی‌رهبران‌کشورهای عرب و غیر عرب‌گفته شده‌است ، اماخلق فلسطین همچنان آواره و مظلوم و هدف خونین ترین تهاجمات امپریالیستی‌باقیمانده‌است . امیدواریم که خلق‌های منطقه‌بتوانندبرپایهٔ‌پیشنهاد ایران مبنی‌بر "مبارزه باصهیونیسم و امپریالیسم" جبهه‌واحدی‌تشکیل دهندوبااستفادهٔ‌ازامکانات عینی‌که‌جهان‌امروز در دسترس آنان می‌گذارد، به‌مصیبت سی‌وچندساله خلق فلسطین‌پایان دهند . راه پیروزی برامپریالیسم اتحادخلق‌هاست .

گامهای جسورانه لیبی

خبرگزاری‌هااطلاع دادندکه‌رهبران سه کشورلیبی ، اتیوپی‌ویمن‌دمکراتیک در عدن پیمان‌اتحادی درمیان خود منعقد کرده‌اند . هدف‌ازانعقاداین‌پیمان ، که "پیمان دوستی و همکاری" نامیده‌می‌شود ، تشریک‌مساعی‌وهمکاری این‌سه‌کشوردرقلمرواقتصادی‌وسیاسی است . رهبران سه کشور : علی‌ناصرمحمد ، معمرقذافی وهایله‌ماریام قبل ازامضای این‌پیمان ، دربارهٔ توسعهٔ‌همکاری‌های‌اقتصادی‌وسیاسی بین‌کشورهایشان‌به‌توافق‌رسیده‌بودند . امضای‌این پیمان به‌توافقهای‌آنهاجنبه‌رسمی‌می‌دهد . هریک از این‌کشورهامیتوانندکمبودهای‌یکدیگررادر قلمرو اقتصادی‌تکمیل‌کنندوترقی‌هرسه‌کشوررابا‌آهنگی بس‌سریعترتامین‌کنند. بدیهی‌است‌که‌همبستگی‌و دوستی‌این سه کشورتنها منحصر به همکاریهای اقتصادی‌نخواهدبود ، بلکه دفاع‌مشترک از این دستاوردهای اقتصادی در برابر تهاجم نواستعماری (خواه درشکل‌اقتصادی وخواه‌درشکل نظامی‌انجام‌گیرد)نیزجزءٔوظایف‌هریک‌ازشرکت کنندگان‌دراین‌پیمان‌خواهدبود .

انعقاداین‌پیمان ، درحالی‌که‌امپریالیسم‌و صهیونیسم درتمام منطقه‌به‌اقدامات دسیسه‌گرانه خودتوسعه‌داده‌اند ، ازاهمیت ویژه‌ای‌برخوردار است . لیبی‌بااین‌گام جسورانه‌ضربت دیگری بر پیکرامپریالیسم خونخواروارد‌کرده‌است . انعقاد "پیمان‌دوستی‌وهمکاری" بادوکشوری‌که در آنها انقلابیون مارکسیست زمام‌امور حکومت را در دست‌دارند ، برای‌کشوری که ازهرسودرمحاصرهٔ نیروهای‌ضدانقلابی‌قرارداردوآنرابه "دست نشاندگی" مسکومتهم‌می‌کنند ، مستلزم‌جسارت انقلابی‌بزرگی‌است ، که‌هرکسی آنراندارد. خشم کینه توزانه امپریالیست های آمریکایی و صهیونیست‌های‌اسرائیلی‌وهم‌پیمانان‌خائنشان مانندسادات و نمیری ازرهبری‌انقلابی لیبی و توطئه‌های‌پی‌درپی‌ایکه‌برای‌قتل‌سرهنگ‌معمر قذافی‌بدست‌عمال "سیا" ریخته‌میشود ، گواه بر آنست‌که‌رهبران‌لیبی‌درمسیر درست‌مبارزه‌برضد امپریالیسم‌وصهیونیسم‌گام‌برمی‌دارندوپیامدهای‌این‌مبارزه رانیزمردانه‌تحمل‌می‌کنند.

مجلهٔ‌مشهور "آفریک‌آزی" چاپ‌پاریس نوشت‌که نقشه‌قتل‌قذافی‌بدستورریگان ازسوی رهبرشعبه عملیات سری "سیا" شخصا آماده شده‌وبتصویب ریگان رسیده‌است . سازمان های امنیتی‌مصروسودان‌نیز دراجرای‌این طرح‌شرکت دارند . نیوزویک‌مجله‌آمریکایی نیز قبلا چنین خبری‌رادرج‌کرده‌بود . اینک‌ماشاهدبرگ دیگری ازتوطئه‌های‌آمریکابرضدلیبی هستیم .

مانور درنزدیکی سواحل لیبی

مانورناوگان‌ششم آمریکادرسواحل‌لیبی‌را تنهادرچارچوب توطئه‌های‌وسیعی‌که‌امپریالیسم برضدرژیم‌انقلابی‌لیبی‌تهیه‌می‌بیند ، می‌توان ارزیابی‌نمود . جنبه‌تحریک‌آمیزاین‌مانوردریایی از قبل معلوم است . آمریکائیها بدنبال اخراج نمایندگان سیاسی‌لیبی‌ازایالات‌متحده ، توطئه برای قتل قذافی‌و وعدهٔ‌کمک به دولت‌های همسایه‌لیبی ، که‌درصددسرنگون کردن "رژیم قذافی" باشند ، فشارخودرابرلیبی بعنوان‌یکی‌از سرسخت‌ترین‌کشورهای‌ضدامپریالیستی‌روزبه‌روز زیادترکرده‌اند . ازیک‌سوسادات وازسوی دیگر نمیری‌لیبی رابه‌مداخله‌مسلحانه تهدیدنمودند. سایردولتهای‌دست‌نشانده‌آمریکادرجهان‌عرب وآفریقانیزدرسمت منافع امپریالیسم آمریکابرلیبی‌فشاروارد‌می‌کنند ، تاحدی که عربستان‌سعودی رابطهٔ سیاسی‌خودرا بالیبی قطع‌نمود . مانورناوگان ششم آمریکادر سواحل لیبی‌ادامه‌این‌سیاست‌امپریالیستی‌است . در جریان این‌مانورهشت هواپیمای‌آمریکایی،که‌از ناوهواپیمابر "نیمیتس" برخاسته بودند ، به حریم دریایی لیبی‌نفوذکردندودوهواپیمای لیبیایی‌رادراین‌منطقه سرنگون‌کردند . بدنبال این‌اقدام راهزنانه و پیش ساخته ، مقامات آمریکایی ادعاکردندکه‌هواپیماهای‌لیبیایی‌در منطقه‌آبهای‌بین‌المللی (که‌حدودآن‌رانیزبمیل خودشان تعیین می‌کنند) به هواپیماهای آمریکایی‌حمله‌برده‌اندو وزیردفاع‌آمریکا به‌رجزخوانی‌آغازنمودکه‌آمریکاقصددارد‌لیبی‌راتنبیه کند ، زیرا "عقب‌نشینی‌آمریکادرچنین‌موقعیتی لیبی‌رابه‌ادامه‌اقدامات تجاوزکارانه تشویق خواهدکرد " .

حملات‌وحشیانه‌اسرائیل‌به‌جنوب لبنان، سرنگون کردن هواپیماهای لیبیایی‌در آبهای ساحلی‌لیبی ، توسعه پایگاه‌های‌نظامی‌آمریکا در منطقه‌ همه و همه حلقه‌های زنجیر واحدی هستندکه‌امپریالیسم آمریکا می‌خواهدبه زوربر گردن‌خلقهای منطقه بیفکند . توطئهٔ ربودن ناوچه تبرزین‌نیزیکی دیگرازاین‌حلقه‌هاست .

حکومت شناور بختیار

دزدان‌دریایی‌سلطنت‌طلبی که ناوچهٔ تبرزین را درآبهای ساحلی‌اسپانیا با کمک و همکاری‌سرویس‌های‌جاسوسی‌آمریکا ، انگلستان ، فرانسه ، اسرائیل واسپانیا دزدیدند ، بلافاصله اعلام داشتند که‌این ناوچه مقر حکومت شاهنشاهی‌ایران‌درتبعیدخواهدبود!بهرام‌آریانا ارتشبدشاه‌ملعون‌که بحماقت ودلقک‌بازی‌شهرت داردوپله‌پله‌ازغربال‌جاسوسی آلمان هیتلری ، انگلستان‌وآمریکا گذشته‌است ، طی پیامی به حبیب‌الهی،کثیف‌ترین چهره درمیان امیران نیروی‌دریایی‌شاهنشاهی ، که‌باهمدستی گروهی مزدوروخودفروخته‌ناوچه راتصرف‌کرده بودند ، این "پیروزی‌چشمگیر" را به ارتش شاهنشاهی تبریک‌گفت! فردای‌آنروز رادیوی‌بختیار دریک اعلامیه "دولتی" به‌افسران و نظامیان خارج‌از کشورابلاغ‌کرد که بلافاصله خودشان را به دفتر ارتشبدآریانادرپاریس معرفی‌کنند . حکومت شناورتشکیل‌شده‌بود ، ارتش "آزادیبخش" به فرماندهی‌آریانا بسیج میشد ، تابیایندوایران‌را "آزاد" کنند . وامام درپاسخ تمام‌این‌خیمه‌شب بازیها‌این‌جمله‌پرمضمون‌راگفت : اگرمی‌توانستید بیائیدچرارفتید ؟!

پرسشی‌که برای ما و تمام هم میهنانمان باقی‌می‌ماند‌اینست : جای سازمان مجاهدین خلق " دراین ارتش "آزادیبخش" کجاست ؟ آیا رادیوبختیار راست‌می‌گویدکه‌مسعودرجوی پی برده‌است که‌همکاری بابنی‌صدردیگرممکن‌نیست و " سازمان‌مجاهدین‌خلق" بایدمقام "شایستهٔ خودرادرصفوف "میهن‌پرستان" واقعی احراز کند ؟

همکاری بین مسعود رجوی و حکومت‌شناور بختیارتاکجاپیش رفته‌است ؟ آیااعضای ساده و هواداران " سازمان‌مجاهدین‌خلق " هنوزهم در خیانت رهبری خودتردیددارند ؟آیا هنوز هم موقع‌آن‌نرسیده‌است‌که‌دست ردبه‌سینه رجوی‌ها بگذارندوبه‌آغوش انقلاب بازگردند ؟

مسئله جنگ و صلح و دوران معاصر

ترتیب کریشین (دکتر فلسفه)

در دوران معاصر، همزمان، دو سیستم اجتماعی متضاد وجود دارند. یکی از این سیستم‌های اجتماعی یعنی سیستم سرمایه‌داری منبع جنگ و دیگری یعنی سیستم سوسیالیسم منبع صلح است. پس مسئله نقش ابزار جنگ در مبارزه میان دو سیستم مسئله مبارزه میان نیروهای جنگ‌طلب و نیروهای خواستار قطع جنگ میان خلق‌ها از مهمترین عناصر محتوای دوران معاصر می‌باشد.

در دوران اخیر فعالیت مخالفان تشنج‌زدایی و محدودکردن تسلیحات شدت یافته و در اوضاع بین‌المللی بحرانی‌هایی پدید آمده که علت آن را در سیاست‌های محافل جنگ‌طلب و تجاوزکار امپریالیستی باید جستجو کرد. این محافل که نمایندگان و سخنگویان انحصارات امپریالیستی و مجتمع‌های نظامی ـ صنعتی هستند، دشمنان سوسیالیسم، انقلابهای مردمی وجنبشهای رهائی‌بخش خلق‌ها هستند و تلاش دارند به بهره‌کشی خود از منابع طبیعی ملت‌ها و دسترنج توده‌ها ادامه دهند و از راه مسابقه تسلیحاتی سودهای کلان به جیب بزنند. در کشورهای اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا و ژاپن در توجیه سیاست آزمندانه انحصارات امپریالیستی برای شتاب بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی افسانه "خطر نظامی شوروی" را اشاعه داده دامن می‌زنند. با اشاعه این افسانه واقعیت سیاست صلح‌جویانه و سیاست نظامی اتحاد شوروی را تحریف می‌کنند و اتحاد شوروی را بعنوان یک نیروی تجاوزگر جلوه می‌دهند.

ژنرال جونس رئیس کمیته روسای ستاد نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا در گزارش خود زیر عنوان "برنامه نظامی ایالات متحده آمریکا برای سال مالی ۱۹۸۱" ضمن تحلیل اوضاع نظامی ـ سیاسی اعلام کرد: "منبع بی‌ثباتی ناشی از ظرفیت وگرایش روزافزون برای تقویت قدرت نظامی در اتحاد شوروی است". هیگ وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا فعالیت خود را در زمینه روابط با اتحاد شوروی با کارزار تبلیغاتی خصمانه آغاز نمود. وزیر امور خارجه آمریکا مبارزه رهایی‌بخش زحمتکشان در کشورهای رو به توسعه و همبستگی وکمکهای انترناسیونالیستی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به این مبارزات را مظاهر "تروریسم بین‌المللی" اعلام می‌کند.

همه این نظریات واعلامیه‌ها بر پایه پندارگرایی وافترا ودروغ است. سوسیالیسم بر حسب ماهیت اجتماعی خود منبع صلح است. مبارزه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بخاطر صلح امری است قانونمند. در جوامع سوسیالیستی هیچ طبقه و قشر اجتماعی یا گروه خاصی وجود ندارد که در تدارک و به راه انداختن جنگ استیلاگرانه و غیرعادلانه ذینفع باشد. خلق‌های آزاد نمی‌توانند دیگر خلق‌ها را مورد بهره‌کشی قرار دهند و بدین منظور جنگ را وسیله قرار دهند. درست است که سوسیالیسم با جنگ آشناست اما کشورهای سوسیالیستی همواره بطور ناگزیر به جنگ تن در داده‌اند. این جنگ‌ها بوسیله نیروهای تجاوزگر به آنها تحمیل شده است. کشورهای سوسیالیستی تنها جنگ‌های عادلانه کرده‌اند.

سیاست صلح‌جویانه سوسیالیسم، قانونمند، پیگیر و واقع‌گراست. این سیاست هیچگاه تحت تاثیر ملاحظات موضعی قرار نگرفته است. در تاریخ صورت‌بندی‌های استثمارگر برخی از کشورها در مراحل معینی از سیر تکامل خود بمنظور جلوگیری از جنگی که در شرایطی نامساعد از نظر اوضاع خارجی و یا درونی آنها را تهدید می‌کرده به مبارزه برمی‌خاستند. اما زمانیکه شرایط مساعدی برای‌شان پیش می‌آمد خود این کشورها اغلب در برافروختن آتش جنگ پیشدستی می‌کردند. مبارزه بخاطر صلح در نزد این دول جنبه تصادفی داشت و یک شیوه کاملا تاکتیکی بود. اما مبارزه کشورهای دارای نظام سوسیالیستی بخاطر صلح جنبه استراتژیکی دارد و بخاطر همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح پایدار است.

کنگره‌های ۲۴ و ۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی که برنامه صلح و ادامه مبارزه بخاطر صلح و همکاری بین‌المللی و بخاطر آزادی و استقلال خلق‌ها در آنها تدوین شده و مورد تصویب قرار گرفت گواه و مژده‌بخش سیاست صلح‌جویانه اتحاد شوروی است. در ماه مه ۱۹۸۰ شرکت‌کنندگان در مجلس مشاوره کمیته سیاسی و مشورتی کشورهای عضو پیمان ورشو یک ابتکار صلح‌جویانه جدید ارائه دادند. در سپتامبر سال ۱۹۸۰ در سی و پنجمین اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اتحاد شوروی یک رشته پیشنهاد صلح‌خواهانه جدید و موثر را مطرح کرد. همه این پیشنهادهای جامع و سازنده در راستای سالم‌سازی جو سیاسی جهان، گسترش روند تشنج‌زدایی سیاسی و نظامی و مهارکردن مسابقه تسلیحاتی قرار دارند.

پیشنهادهائیکه در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی از جانب لئونید برژنف مطرح گردید هدف نجات خلقها از خطر جنگ

> **دورانی که امپریالیسم تصمیم می‌گرفت جنگ باشد یا نباشد سپری شده است.**

هسته‌ای و حفظ و دوام صلح در سراسر جهان را دنبال می‌کند. این پیشنهادها تداوم بخشنده و تکمیل‌کننده برنامه صلح و فراخور حادترین و مبرم‌ترین مسائل در زمینه روابط بین‌المللی در دهه هشتاد می‌باشد. در ابتکارات صلح‌جویانه جدید اتحاد شوروی تمام تدابیر سیاسی و نظامی با ملحوظ داشتن اوضاع اروپا، خاور نزدیک و میانه و خاور دور منظور شده است. حزب کمونیست اتحاد شوروی پیشنهاد نمود تدابیر مربوط به تحکیم اعتماد در زمینه نظامی بر سراسر بخش اروپایی اتحاد شوروی را شامل گردیده، ولی بجای آن کشورهای غربی نیز گستره منطقه مشمول تدابیر تامینی صورت پذیرد و مذاکرات مشخصی درباره تدابیر مربوط به اعتماد در خاور دور با شرکت همه کشورهای ذینفع انجام گیرد. مذاکرات با ایالات متحده آمریکا درباره محدودکردن سلاحهای استراتژیکی و کاهش این سلاحها [illegible] داشته گسترش [illegible] های جدید از نوع [illegible] در ایالات متحده آمریکا و مشابه آن در اتحاد شوروی [illegible] خودداری از مجهزکردن زیردریایی‌های موجود با موشک‌های بالیستیکی جدید [illegible] در این زمینه توافق به دست آید و موافقت شود که در مورد استقرار جنگ‌افزارهای هسته‌ای و موشکی میان‌برد در خاک اروپا از جانب پیمان ناتو و اتحاد شوروی تعادل کنونی محفوظ باشد، یعنی میزان موجود این سلاحها از نظر کمی و کیفی ثابت بماند [illegible] جنگ‌افزارهای هسته‌ای خط مقدم ایالات متحده آمریکا در این منطقه، ـ یک کمیته معتبر بین‌المللی تشکیل شود که ضرورت حیاتی اجتناب از فاجعه هسته‌ای را تفهیم کند.

اجلاس ویژه شورای امنیت فراخوانده شود تا راه حلی برای سالم‌سازی محیط بین‌المللی و جلوگیری از وقوع جنگ را بیابد. سرانجام اتحاد شوروی ابراز آمادگی نموده که درباره خلیج فارس بمثابه یک مسئله مستقل مذاکراتی انجام شود. اتحاد شوروی حاضر است در مورد حل و فصل جداگانه اوضاع افغانستان شرکت کند و با این مطلب هم مخالفتی ندارد که مسائل مربوط به افغانستان در ضمن مسائل مربوط به امنیت منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار گیرد.

استراتژی سیاسی صلح‌جویانه اتحاد شوروی برخاسته از خصلت تدافعی دکترین نظامی اتحاد شوروی است. در ضمن این دکترین همواره به این مطلب توجه داشته است که دشمن احتمالی کشور ما نه تمامی کشورهای سرمایه‌داری بلکه تنها آن کشورهائی هستند که مستقیما برای جنگ علیه اتحاد شوروی تدارک می‌بینند. نیروهای مسلح اتحاد شوروی از لحاظ ابعاد کمی و کیفی خود از میزان لازم جهت دفاع از میهن سوسیالیستی خود فزون‌تر نیستند. ترکیب کمی، سیستم رده‌بندی، آمادگی رزمی و سیاسی پرسنل دائمی این نیروها با مقتضیات دفاع از کشور علیه نیروهای متجاوز مشخص مطابقت دارد. ساختار سازمانی نیروهای مسلح اتحاد شوروی تنها معطوف به خنثی کردن تجاوز است و در برابر خود این هدف را قرار نداده است که در واردکردن ضربه به دشمن احتمالی، پیشدستی کند. درعین حال سمت‌گیری تدافعی دکترین نظامی شوروی به هیچوجه به معنای منفعل بودن و عدم قاطعیت آن نیست. پیش‌بینی شده است که در صورت تجاوز به اتحاد شوروی متقابلا قاطع‌ترین وفعال‌ترین عملیات نظامی انجام گیرد.

سوسیالیسم تمام امکانات و وسایل جهت جلوگیری از جنگ‌های تجاوزگرانه امپریالیسم را در اختیار دارد. کشورهای سوسیالیستی از اقتصاد رشدیافته، سازمان سیاسی متشکل و نیرومند و تئوریهای مارکسیستی ـ لنینیستی صلح برخوردارند. در جهان یک نظام اجتماعی پدید آمده است که بنیاد اقتصادی و اجتماعی ـ سیاسی جنگ‌های غیرعادلانه را محدود ساخته و در راه تمایلات استیلاگرانه امپریالیسم سدی ایجاد کرده است. دورانی که امپریالیسم به دلخواه تصمیم می‌گرفت که جنگ باشد یا نباشد برای همیشه سپری شده است. کشورهای سوسیالیستی همه امکانات و وسائل را در اختیار دارند که تجاوزکار را مهار کنند. نیروهای ارتجاع را لگام بزنند و در صورت لزوم آنها را نابود سازند.

ویژگی مبارزه در راه صلح از جانب سوسیالیسم واقعا موجود عبارت از آن است که این مبارزه همواره عملا ادامه دارد، از آن جمله حتی در سالهای جنگ. اتحاد شوروی در سالهای پر مشقت جنگ کبیر میهنی در راه سازندگی دمکراتیک جهان پس از جنگ دوم جهانی مبارزه می‌کرد و این مبارزه در کوششهای آن برای از بین بردن امکان تکرار تجاوز از جانب آلمان و در

> **سوسیالیزم تنها با جنگ غیرعادلانه مخالف است از این رو سیاست صلح سوسیالیسم قانونمند است**

پیشنهادهای آن برای همکاری‌های درازمدت و همه جانبه با نیروهای صلحدوست در دوران پس از جنگ بازتاب یافت.

چنانکه می‌دانیم هر یک از کشورهای سوسیالیستی در زمینه سیاست خارجی وظیفه مهمی را در رابطه با مبارزه بخاطر صلح و امنیت خلق‌ها انجام می‌دهند. ارتش‌های کشورهای سوسیالیستی و مقدم بر همه نیروهای مسلح اتحاد شوروی در جلوگیری از جنگ هسته‌ای جهانی و جنگهای منطقه‌ای امپریالیسم نقش مهمی را ایفاء می‌کنند.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای نخستین بار در تاریخ بشریت ارتشی بوجود آمد که در راه صلح، جلوگیری از وقوع جنگ و از بین بردن نیروهای جنگ‌طلب مبارزه می‌کند. از آن تاریخ تاکنون نیروهای مسلح اتحاد شوروی همواره بعنوان وسیله‌ای برای مهارکردن نیروهای تجاوزکار امپریالیستی و بعنوان نیروی صلح عمل کرده‌اند. ارتش اتحاد شوروی وثیقه واقعی عقیم ساختن تلاشهای دول امپریالیستی برای تجاوز و سوء قصد به دستاوردهای سوسیالیسم واستقلال و امنیت خلقهاست. یکی از خدمات برجسته ارتش شوروی آن است که سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز عملا بر امپریالیسم تحمیل گردید و امکان داد که برای سازندگی سوسیالیسم رشدیافته شرایط صلح تامین شود. درک این مطلب که اتحاد شوروی دارای چنان قدرت نظامی است که می‌تواند بی‌درنگ و بطور موثر آنرا بکار بندد و بیم از انتقام عادلانه رهبران سیاسی کشورهای سرمایه‌داری را از این که بتوانند از جنگ بعنوان وسیله‌ای جهت پیشبرد مقاصد سیاسی خود استفاده کنند، بازمی‌دارد. در حال حاضر نیروهای مسلح اتحاد شوروی دارای چنان آمادگی وتوانایی رزمی هستند که می‌توانند بطور موثر در برابر هرگونه تجاوزی از غرب واز شرق و در طیف وسیعی از درگیری‌های مسلحانه در مناطق مختلف جهان و به مقیاس جهانی عمل کرده تجاوز را خنثی نمایند.

در سازماندهی نیروهای مسلح اتحاد شوروی بر پایه امکانات اقتصادی کشور این اصل بطور اکید اعمال می‌شود که این نیروها از لحاظ کمی وکیفی متناسب با میزان خطری باشند که اتحاد شوروی و متفقین آن را تهدید می‌کند. در سازماندهی نیروهای مسلح اتحاد شوروی این اصل در نظر گرفته شده است که ظرفیت و توان رزمی آنها بازدارنده تجاوز باشد.

البته برای آن‌که قدرت نظامی با میزان خطر جنگ متناسب باشد و به عامل بازدارنده تجاوز تبدیل شود، اتحاد شوروی موظف بود برتری نظامی ـ تکنیکی دول امپریالیستی تجاوزکار را برطرف کند و به برابری نظامی ـ استراتژیکی دست یابد. این امر یکی از مهمترین وظایفی بود که سرنوشت سوسیالیسم به آن بستگی داشت واتحاد شوروی این وظیفه را با موفقیت انجام داد. دستیابی به برابری نظامی ـ استراتژیکی با امپریالیسم یکی از پیروزیهای تاریخی سوسیالیسم است. این پیروزی مسئله مصونیت ودفاع از میهن سوسیالیستی را بطور موفقیت آمیز حل کرده است. توازن نظامی ـ استراتژیکی میان اتحاد شوروی وایالات متحده آمریکا، میان پیمان ورشو وپیمان ناتو، عامل حفظ وپایداری صلح در سراسر جهان است. در دوران سلطه جهانی امپریالیسم، نظام روابط بین‌المللی بر پایه قدرت نظامی، مسابقه تسلیحاتی ورقابت‌های نظامی مبتنی بود. بسیاری از مناقشات منطقه‌ای وجهانی به کمک نیروی نظامی حل وفصل می‌شد. در شرایط برابری نظامی و استراتژیکی میان کشورهای سرمایه‌داری صلح برقرار می‌شد، اما نه صلح دیرپای وپایدار. صلح در شرایط مسابقه تسلیحاتی ورقابت‌های نظامی نمی‌توانست اطمینان‌بخش باشد. درحال حاضر، میان اتحاد شوروی وایالات متحده آمریکا، میان پیمان ورشو و پیمان ناتو، تعادل نظامی واستراتژیکی برقرار شده است. این تعادل می‌تواند پایدار باشد در صورتی که تنش زدایی نظامی عملی شود ومسابقه تسلیحاتی قطع ومحدود گردد. خلقهای جهان نباید اجازه دهند که امپریالیسم برتری نظامی و استراتژیکی که پایه جدید و نیرومندتری برای تجاوزکاری خواهد بود، بدست آورد.

مسئله محدودکردن تسلیحات استراتژیکی در تنش زدایی نظامی نقش مهمی دارد. ونس، وزیر خارجه پیشین آمریکا در این مورد نوشته است که بدون موافقت درباره محدودکردن تسلیحات استراتژیکی، افق رقابت‌ها نامحدود می‌شود و تشدید تشنجات در روابط آمریکا واتحاد شوروی در برابر ما قرار دارد. وسایل نظامی برای جلوگیری از بروز جنگ هسته‌ای جهانی وجنگهای منطقه‌ای از جانب امپریالیسم اهمیت بسزایی دارند، هرچند که در استراتژی سیاسی احزاب مارکسیستی ـ لنینیستی کشورهای جامعه سوسیالیستی این وسایل عوامل عمده را تشکیل نمی‌دهند. در استفاده از وسایل نظامی برای مبارزه بخاطر صلح، کشورهای سوسیالیستی ناگزیر هستند.

ادامه دارد

مجلس ...

بقیه از صفحه ۴

وی در همین ارتباط تاکید کرد:

"انقلاب همچنان که امام فرموده‌اند متعلق به زاغه‌نشینان و کوخ نشینان است و در آن هیچ فئودال و سرمایه‌دار طاغوتی غارتگری را راه نیست".

ناطق همچنین خواستار عمل به "نیازهای اکثریت مستضعف مردم" شد.

تجاوز به لیبی محکوم است

در پایان سخنان پیش از دستور این جلسه، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس طی سخنانی، با اشاره به تجاوز جنگنده‌های آمریکایی به فضای هوایی لیبی و سرنگون کردن ۲ هواپیمای سوخوی این کشور گفت:

"استعمار آمریکا دیگر هیچ جوابی برای این تجاوز ندارد و این تجاوز را شدیدا محکوم میکنیم".

رئیس مجلس تاکید کرد:

"امپریالیسم غرب توطئه وسیعی را برای درهم شکستن بنیان اسلامی در منطقه شروع کرده است"

رئیس مجلس در قسمت دیگری از سخنان خود، با اشاره به اعطای پناهندگی دولت فرانسه به مشتی **"دزد دریایی"**، که ناوچه ایران را به سرقت برده‌اند، خطاب به این دولت گفت:

"من به دولت فرانسه اخطار می‌کنم که به عواقب اینگونه نیرنگهای سیاسی توجه داشته باشد"

در این جلسه اعتبارنامه‌های آقایان **سیدنورالدین رحیمی** نماینده ملاوی، **محمدحسن نبوی** نماینده بوشهر، **غلامحسین نادی** نماینده نجف آباد و **سیدآل غفور** نماینده شوشتر، طرح و تصویب شد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد مواد لایحه بازسازی ادامه یافت. در این جلسه مواد دیگری از این لایحه به تصویب نمایندگان رسید.

مردم سراسر جهان تصمیم دولت ریگان را درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی محکوم می‌کنند

تصمیم دولت **رونالد ریگان** رئیس جمهور آمریکا در روز ششم اوت ۱۹۸۱ (۱۵ مرداد ۶۰) روز یادبود قربانیان فاجعهٔ هیروشیما مبنی بر تولید وسیع سلاح نوترونی ـ که انسان‌ها را می‌کشد و ثروت‌هایشان را برای سوداگران مرگ آمریکا دست نخورده باقی می‌گذارد ـ خشم و نفرت مردم سراسر جهان را در سطوح مختلف برانگیخت.

مردم جهان به‌تجربه دریافتند که امپریالیسم هار آمریکا بعنوان نخستین آزمایشگر سلاح مرگبار اتمی در جهان (هیروشیما و ناکازاکی) بازهم مبتکر تولید سلاح ضد انسانی و وحشتناک دیگری شده و بدین سان همه بشریت را بخاطر ایستادگی در برابر جنایات و تمایلات برتری‌طلبانه امپریالیسم به‌مبارزه طلبیده است.

این اقدام تبهکارانه مانند همیشه بی‌جواب نماند و همهٔ بشریت ترقیخواه را در صف واحدی برای لجام زدن دد منشی امپریالیسم آمریکا بسیج کرده است. اعتراض مطبوعات، شخصیت‌ها و دولت‌های مختلف‌المسلک جهان و محافل ملی و مذهبی روند بسیج جهانی برضد اقدام خطرناک و ضد انسانی محافل جنگ طلب آمریکا را به روشنی در خود منعکس می‌سازد:

"تاس" تصمیم ریگان را گامی خواند، که "**جهان را به فاجعه‌ای هسته‌ای نزدیک‌تر می‌سازد.**"

گزارش "تاس" از "واشنگتن" حاکی است، که "**دولت ایالات متحده پیشنهاد شوروی را درباره توافقی پیرامون خودداری متقابل از تولید چنین سلاح ها نادیده و مسئولیت دوری دیگر از مسابقه تسلیحاتی ـ هسته‌ای را بدوش خود گرفته** است."

به‌نوشته "تاس":

"هدف از اظهارات یکی از سخنگویان "**کاخ سفید**"، مبنی بر آنکه **نقشه‌فوری برای استقرار بمب های نوترونی بیرون از خاک آمریکا موجود** نیست، **تنها تسکین افکار عمومی است. استراتژهای ایالات متحده قصد دارند** نخست به‌ذخیره **جنگ‌افزار های نوترونی بپردازند وسپس استقرار آنها را در اروپای غربی برمتحدان خود تحمیل** کنند. به‌عقیده **کارشناسان آمریکایی، اروپا تنها منطقه‌ایست، که جنگ‌افزارهای نوترونی در آن میتواند بکار برده** شود.

"تاس" می‌افزاید:

"**درچنین شرایطی اتحاد شوروی** نمی‌تواند **ناظر بیطرف بماند و مجبور است که به این مبارزه طلبی همخوان با منافع امنیتی خود و هم‌پیمانان خویش پاسخ‌گوید.**

ازسوی دیگر، شرکت کنندگان کنفرانس بین‌المللی برای منع جنگ‌افزارهای هسته‌ای در ناکازاکی تلگرامی به‌پرزیدنت **ریگان** فرستادند و از او خواستند که درباره تصمیم مبنی بر تولید جنگ‌افزارهای نوترونی تجدید نظر کند. درپیام این کنفرانس گفته می‌شود:

"**این تصمیم دولت آمریکا شرکت‌کنندگان کنفرانس را تکان داد.**"

در بریتانیا **مایکل‌فوت**، رهبر "حزب کارگر" تصمیم آمریکا را درباره تولید جنگ‌افزارهای نوترونی محکوم ساخت.

دربرابر سفارت ایالات متحده در لاهه تظاهرات بزرگی علیه تصمیم پرزیدنت **ریگان** درباره تولید جنگ‌افزارهای نوترونی برگزار شد.

"نویه اوسنابروکر تسایتونگ" روزنامه آلمان غربی، دراینباره یادآور می‌گردد که توفانی، که سه‌سال پیش در این زمینه در کشورهای اروپای باختری برخاست، باردیگر سربلند می‌کند.

سلاح‌های نوترونی به نابودی موجودات زنده می‌انجامد، ولی به تجهیزات وساختمان‌ها آسیبی وارد نمی‌آورد.

دولت نروژ درباره این تصمیم، که امنیت اروپا را مورد تهدید قرار می‌دهد، به‌دولت آمریکا اعتراض کرده است.

در ژاپن بازماندگان بمباران اتمی هیروشیما وناکازاکی از دولت خود خواسته‌اند که مراتب اعتراض آنها را به دولت آمریکا اعلام دارد.

دانشجویان و استادان دانشگاه برکلی (کالیفرنیا)، که در آن بمب نوترونی اختراع شد، علیه تصمیم **ریگان** اعتراض کردند.

احزاب کمونیست نروژ و دانمارک خواستار تظاهرات گسترده علیه بمب نوترونی گشتند.

"نیویورک تایمز" به نقل از مقامات آمریکایی، معتقد است که بمب نوترونی در خاورمیانه نیز بکار خواهد رفت.

"دیلی میرور" (بریتانیا) می‌نویسد:

"**ایالات متحده تصمیم به‌تولید سلاح‌های نوترونی گرفت، بدون آنکه با متحدان خود در "ناتو" مشورت کند.**"

این روزنامه می‌افزاید.

"**به‌ریگان باید یادآور شد که با متحدان خود روبرو است و نه با کنترل‌کنندگان پروازهای هوایی.**"

هانس‌ساتلر، رهبر "جنبش صلح سوئیس"، تصمیم **ریگان** را "**وحشی‌گری کائوبوی‌وار**" خواند.

به‌گفته **رومش‌چاندرا**، **شورای صلح** تصمیم گرفته است یک هفته تظاهرات علیه جنگ‌افزارهای نوترونی برگزار سازد، که آمریکا تولید آنرا اعلام کرده است.

کنفرانس مسیحیان برای صلح که رهبران مذهبی ۶۸ کشور در آن فعال هستند، "واشنگتن" را به تسریع مسابقه تسلیحاتی، متهم ساخته است.

اولاف پالمه، نخست‌وزیر سابق سوئد گفت، که تصمیم ریگان خطر جنگ هسته‌ای را افزایش می‌بخشد.

کمیسیون‌های امور خارجی و دفاع سنای ایتالیا در جلسه ویژه ومشترکی در روز ۳۰ مرداد ۶۰ به تصمیم **ریگان** درباره تولید جنگ‌افزارهای نوترونی و واگذاری پایگاه‌ها از سوی دولت ایتالیا به آمریکا در سیسیل به‌منظور استقرار موشک‌های میان‌برد هسته‌ای، رسیدگی خواهد کرد. فراکسیون **حزب کمونیست ایتالیا** در مجلس وسنا خواستار تشکیل جلسه‌ویژه پارلمان برای بررسی این موضوع شده است.

در ایالات متحده آمریکا، پانصد سازمان علیه تصمیم **ریگان** درباره تولید کلاهک‌های نوترونی اعتراض کرده‌اند. این سازمان‌ها، که در **کنگره خلق های ایالات متحده** گرد آمده‌اند، در بیانیه‌ای اظهار داشتند:

"**دولت راهی را در پیش گرفته است، که به‌جنگ سوم جهانی خواهد انجامید.**"

پترگلوتز دبیر فدرال حزب سوسیال دمکرات، دولت را فراخواند تا هرچه‌زودتر مخالفت خود را با استقرار جنگ‌افزارهای نوترونی درخاک آلمان غربی ابراز دارد. به‌گفته **گلوتز**، بیشتر اعضای این حزب با او دراینباره هم‌عقیده‌اند.

درنیویورک تظاهرات وسیعی به عنوان اعتراض به‌این تصمیم برگزار گشت

دربریتانیا، **فرانک آلائوم**، صدر سازمان "**کارگران برای صلح**"، خاطرنشان ساخت که از جنگ‌افزارهای نوترونی در اروپا استفاده خواهد شد و برخطر جنگ اتمی خواهد افزود.

شورای صلح اتریش، نیز در تلگرام اعتراضی خود به **ریگان** به‌نکته بالا اشاره می‌کند.

دبیر اجرائی "**شورای جهانی کلیساها**" اقدام **ریگان** را "**غیرانسانی**" خواند.

شورای دولتی نیکاراگوئه تصمیم آمریکا را "**تجاوز علیه بشریت**" نامید.

تودور ژیوکوف، رهبر بلغارستان، و **آلوارو کونیال**، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال، تصمیم آمریکا را دربارهٔ تولید جنگ‌افزارهای نوترونی بشدت محکوم کردند. آنها در ملاقاتی دوستانه در شهر بلغاری وارنا اعلام داشتند که دولت ایالات متحده مسئولیت خطیری را در وخامت اوضاع بین‌المللی بعهده می‌گیرد.



(نقل از اطلاعات ــ ۱۳۶۰/۵/۲۷)

در آلمان غربی سازمان های سوسیالیستی جوانان تصمیم دارند که به گردآوری امضاء به‌هواداری از منع بمب نوترونی دست بزنند.

نیکلای چائوشسکو، دبیرکل حزب کمونیست و رئیس جمهوری سوسیالیستی رومانی، تاکید کرد که باید قاطعانه به مخالفت باجنگ افزارهای نوترونی پرداخت. وی دراین‌باره در گردهمایی به مناسبت "روز مطبوعات" در رومانی سخن گفت.

گس‌هال، دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در بیانیه‌ای در شیکاگو اعلام داشت:

"**تنها سیستم سرمایه‌داری می‌تواند سلاحی تولید کند که انسانها را بکشد واموال آنها را ایمن نگهدارد**".

ژان کولپن، یکی از رهبران حزب کمونیست فرانسه، در مصاحبه‌ای با "**اومانیته دیمانش**" اخطار کرد که بمب نوترونی قرار است در اروپای غربی مستقر شود.

موریتوایسی، معاون دبیر کل "**شورای سراسری ژاپن برای منع سلاح‌های اتمی وئیدروژنی**، گفته است که سلاحهای نوترونی دراختیار متحدان آمریکا، از جمله ژاپن قرار خواهد گرفت.

تظاهرات بزرگی علیه تولید سلاحهای نوترونی از سوی دولت آمریکا در شهرهای مختلف آلمان فدرال، از جمله در **دورتموند**، **اشتوتگارت**، **مونیخ کیل**، **لوبک**، و **ماینتز**، برگزار شد.

تظاهرات **اشتوتگارت** در برابر کنسولگری آمریکا صورت گرفت، شرکت کنندگان در تظاهرات در نامه‌ای به پرزیدنت **ریگان** خواستار شدند که "**تولید غیرانسانی‌ترین سلاح امحای جمعی** پایان یابد.

دروین، روزنامه "**آربایتر تسایتونگ**" می‌نویسد که:

پرزیدنت ریگان با تصمیم خود خنجری از پشت به‌متحدان خود زد".

خبرگزاری اتیوپی یادآور می‌شود که تصمیم دولت آمریکا حاکی از "**انحطاط کامل سیستم سرمایه‌داری است، که برای مال اهمیتی بمراتب بیشتر از حیات انسانها قائل است**".

"**کویت تایمز**" "ایالات متحده را فرا می‌خواند تا از قصد نابود کردن اتحاد **شوروی دست بردارد، چه این توهمی بیش نیست**".

مخالفت افکار عمومی جهان **ریگان** را به‌دفاع از تصمیم خود واداشت. وی برای توجیه این تصمیم بار دیگر به‌خطر موهوم شوروی توسل جست و اتحاد شوروی را به‌باد ناسزا گرفت. ریگان بویژه از اعتراض مردم اروپای غربی ناراحت بود و تظاهرات آنها را کار اتحاد شوروی خواند.

دومین برنامه پنجساله اقتصادی یمن دموکراتیک گامی بزرگ در راه تحکیم روند انقلاب

کارشناسان اقتصادی "جمهوری دمکراتیک خلق یمن" تدوین واجرای برنامه‌های اقتصادی دراز مدت را در سالهای ۷۰ بر این اصل استوار ساختند، که برای بهبود گام بگام شرایط زندگی زحمتکشان و تامین چشم انداز سوسیالیستی تحول اجتماعی، ایجاد پایه مادی ـ فنی مدرن در بخش‌های دولتی و تعاونی اقتصاد اهمیت بنیادی دارد. در چارچوب کوشش برای صنعتی کردن کشور در درجهٔ نخست، رشته‌های اقتصادی پدید آمدند، که مانند صنایع نساجی و غذایی از مواد خام خانگی استفاده می‌کنند درگسترهٔ کشاورزی، دولت به ویژه سرمایه‌گذاری‌های خود را مصروف گسترش سطح کشت و ایجاد کشتزارهای دولتی ساخت. دربرنامهٔ پنجساله اول (۷۶ ـ ۱۹۷۴) مجموع سرمایه‌گذاری‌های دولت بالغ بر ۱۹۵ میلیون دینار (۱ دینار = ۳ دلار) می‌شد.

سومین پلنوم کمیته مرکزی "حزب سوسیالیست یمن"، که چندی پیش در عدن برگزار گشت، دومین برنامهٔ پنج ساله تغییر یافته (۸۵ ـ ۱۹۸۱) را بررسی کرد. مطالعه این پیش‌نویس نشان میدهد که "جمهوری دمکراتیک خلق یمن" برنامهٔ جدیدی را برپایهٔ تحلیل همه‌جانبه توسعه اقتصادی کشور در سالهای پیش تدوین کرده است. این نتیجه‌گیری بویژه در زمینهٔ بهره‌برداری کاراتر از توان اقتصادی یمن دمکراتیک صادق است. ویژگی کیفی جدید مشی اقتصادی حزب آن است که به تدریج از باز تولید گسترده گسترشی (Extensive Extended Reproduction) بسوی بهره‌برداری ژرفشی (Intensive) تر از توان اقتصادی موجود گام برداشته شود. نیمی از مجموع سرمایه‌گذاری ۵۰۸ میلیون دیناری دولت، تا سال ۱۹۸۵، در بخش تولیدی اقتصاد خواهد بود. سه چهارم پروژه‌های مهم در صنایع تبدیلی بازسازی ونوسازی کارخانه‌های موجود را در برخواهد گرفت. تنها ساختمان کارخانه سیمان جدیدی با گنجایش سالیانه ۲۵۰ هزار تن عنصر ساختاری نوینی در اقتصاد "جمهوری دمکراتیک خلق یمن" خواهد بود. از جمله فعالیت‌های مهم دولت در صنعت می‌توان از بازسازی یک کارخانهٔ پارچه بافی، نوسازی پالایشگاه نفت، گسترش ظرفیت تولید و تبدیل پلاستیک و احداث دو کارخانه بزرگ نان نام برد.

در سیاست اقتصادی "حزب سوسیالیست یمن" "گسترش پایه انرژی نیز نقش مهمی دارد. بدین منظور سرمایه‌گذاری بالغ بر ۶۸/۴ میلیون دینار پیش‌بینی شده است، که ۶۴/۴ درصد کل سرمایه‌گذاری درصنعت است. باجرای این برنامه، یکی از مهم ترین شرایط تامین پیوستگی تولید تضمین خواهد شد.

مهم‌ترین هدف سرمایه‌گذاری ۷ میلیون دینار در بخش کشاورزی بهره برداری بهتر از زمین زیرکشت وتقویت پایه مادی ـ فنی واحدهای کشاورزی است. فزون بر این، سیستم آبیاری در ۸۴۵۰۰ هکتار زمین بازسازی خواهد شد.

بااجرای دومین برنامهٔ پنجساله تغییر یافته، فرآورده کل اجتماعی یمن دمکراتیک از ۳۱۴ میلیون دینار در سال ۱۹۸۰ به ۵۱۳ میلیون دینار در سال ۱۹۸۵ خواهد رسید. به‌سخن دیگر، این رقم هر ساله بطور میانگین ۱۰/۳ درصد افزایش خواهد یافت. درهمین سالها قرار است که درآمد ملی از ۱۶۶/۶ میلیون دینار به ۲۷۷/۳ میلیون دینار و تولید صنعتی از ۵۵/۲ میلیون دینار به ۱۰۰/۲ میلیون دینار افزایش پیدا کند.

دربرنامهٔ پنجساله جدید نیز توسعه اشکال مترقی‌تر مالکیت از اولویت برخوردار خواهد شد. برای نمونه، قرار است که سهم بخش دولتی در تولید فرآورده کل اجتماعی از ۴۱/۶ درصد به ۴۹/۴ درصد و در تولید صنعتی از ۵۸/۹ درصد به ۶۲/۵ درصد افزایش یابد.

سمتگیری اقتصادی "حزب سوسیالیست یمن" در راستای بهره برداری هر چه بهتر از توان اقتصادی موجود، پاسخگوی ضرورت توسعه هرچه بیشتر اقتصاد یمن دمکراتیک است و، بی‌گمان، روند انقلابی را نیز در این کشور تحکیم بیشتر خواهد بخشید.

بمناسبت ۳۴ مین سالگرد استقلال هند

هند در راه نوسازی های اقتصادی ـ اجتماعی و استعمار زدائی پیش می رود

طبیعی است کشوری چون **هند**، با ۱/۶ جمعیت جهان همواره مرکز توجه افکار عمومی جهان قرار دارد. **هند** با تمدن و فرهنگ دیرینه سال نقش نمایان و برجسته‌ای در تمام مراحل تحول تاریخ بشریت ایفاء کرده است. در این که این جمهوری جای ممتازی بین کشورهای مستقل آسیا و آمریکا دارد و اهمیت آن در سیاست جهانی همواره فزونی می یابد، هیچ شگفت آور نیست.

هند یکی از رهبران بخرد سیاسی در میان کشورهای نامتعهد است و با استواری وحدت در راه صلح، خلع سلاح و همکاری بین المللی بر اساس برابری، و برضد استعمار، استعمار نو و نژاد پرستی تلاش می کند. سیاست صلح جویانه و ضد امپریالیستی هند و همبستگی آن با جنبش‌های رهایی بخش ملی به این جمهوری در صحنه بین المللی اعتبار ویژه‌ای بخشیده است.

اکنون که اوضاع بین المللی بیش از پیش بغرنج می شود و بر وخامت قاره ٔ آسیا افزوده می گردد، موضع گیری‌های هند در برابر سیاست تشنج زدایی، تنظیم مسالمت آمیز مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکره و کنش‌های مشخص آن (چون شناسایی جمهوری خلق **کامپوچیا**، پشتیبانی از پیشنهاد اعلام اقیانوس هند به عنوان منطقه صلح، همبستگی با خلق‌ـ های عرب در مبارزه شان با اشغالگران صهیونیست قدس) نقش بسیار مثبتی در جلوگیری از یک فاجعه هسته‌ای جهانی ایفاء می کند.

هند امروز از طبقه ٔ کارگر نیرومندی با سنت‌های غنی سندیکایی، تظاهرات مطالباتی دهقانان و جنبش عظیم افکار عمومی برای صلح برخوردار است. هند سرچشمه ٔ تجربه ٔ یکی از بزرگترین احزاب طبقه ٔ کارگر در مبارزه ما در مبارزه برای دفاع از منافع زحمتکشان، وحدت جنبش دمکراتیک و نیروهای چپ است.

مردم قهرمان هند از زمان دست یافتن به استقلال که پس از یک مبارزه ٔ طولانی، در ۲۴ مرداد ۱۳۲۶ (۱۵ اوت ۱۹۴۷) اعلام گردید با کار پرجوش و خروش خود در مقیاس معینی بر عقب ـ ماندگی دیرینه سال، ایستایی، فقر و نابرابری میراث استعمار فایق آمده اند محصول ناخالص ملی به دو برابر و نیم افزایش یافته است. بهترین محصول غلات غذایی (۱۲۰ میلیون تن در ۱۹۷۹ ـ ۱۹۷۶) امکان داده است که واردات آنها قطع گردد و دولت به ذخیره کردن این غلات بپردازد. تنظیم اقتصاد طبق برنامه‌ریزی دولتی به رشد چشمگیر تولید صنعتی کمک بسزایی نموده است. بخش دولتی در این زمینه نقش برجسته‌ای ایفاء می کند. در بهداشت مردم، آموزش ملی و علم و فرهنگ کامیابی های نمایانی بدست آمده است. کوتاه سخن، **هند** گام بزرگی به پیش برداشته است: این کشور که متناوبا زیر ضربه ٔ گرسنگی قرار داشت و دهقانان با بیل چوبی روی زمین کار می‌ـ کردند و یگانه وسیله تامین روشنایی شان شمع بود به کشوری دارای مراکز هسته‌ای و سیستم پیچیده نیرومند آبیاری تبدیل شده است.

هند جدید در جهت هدف معین که عبارت از پی افکندن اقتصاد مستقل، توانا به تامین همه ٔ نیازهای کشور پیش می رود. طبق شاخص های کلی رشد شاخه‌های مهم اقتصاد، این جمهوری جای اول را میان قدرت‌های بزرگ جهان احراز کرده و یکی از کشورهای مهم آسیا بشمار می رود.

آگاهی مدنی شهروندان هند نوین، رها از پیشداوری‌های رایج استبداد فئودالی و سیاست شوم و منفور استعمار ـ گران شکل و انسجام یافته است در این کشور نسل‌های متعددی سر برآورده‌اند که با احساس غرور از تاریخ پربار وطن خود، به مسایل حاد هند عمیقا آگاهی دارند و می کوشند آرزوی دیرین مردم را برای زندگی بهتر و انسانی به اجرا درآورند.

هند در رویاروئی با دشواری‌ها

در برابر هند مسایل مهم متعددی وجود دارند که ایجاب می کنند که این جمهوری با آنها بطور جدی برخورد نماید و راه حلهای قاطعی برای آنها بیابد. وجود نابرابری‌های محسوس اجتماعی و اقتصادی، زندگی دشوار توده‌های مردم، فقر بخش مهمی از جمعیت روستایی و طبقات بی چیز شهری، بقایای بیداد ـ گرانه کاست‌ها و زندگی طایفه‌ای از مسایل کلیدی هند امروز بشمار می روند. این کشور علاوه بر مسایل سنتی و بازمانده از استعمار از نتایج منفی رشد سرمایه‌داری نیز رنج می برد. فعالیت ضد ملی انحصارات سبب شده است که تولید این کشور نامتناسب و بیقواره شود و بر اثر آن ترقی قیمت‌ها و تورم سطح بالای بیکاری، کمبود آذوقه و کالاهای مورد مصرف عموم بر اقتصاد و زندگی مردم تحمیل گردد.

این کشور بشدت زیر فشار بحران های جهانی اقتصاد سرمایه‌داری قرار دارد: مانند فزونی برق آسای بهای نفت و محصولات نفتی (هند از معادن نفتی کافی بی بهره است و لذا در سال گذشته ناچار شد ۶۲٪ درآمدهای ارزیش را صرف خرید نفت کند)، کاهش قیمت‌های جهانی کالاهای سنتی صادراتی هند چون قهوه، چای و ادویه و سیاست محدودیت های گمرکی کشورهای صنعتی سرمایه‌داری و فعالیت چند ملیتی ها.

سال مالی ۱۹۸۰ـ۱۹۷۹ "خرابی" محسوس اوضاع اقتصادی کشور را به ثبت رسانده است. گزارش رسمی دولت به پارلمان به این امر گواهی می دهد. برای نخستین بار در هفت سال اخیر محصول ناخالص ملی کاهش یافته است. خشکسالی شدید در مناطق مهم کشاورزی باعث گردید که تعداد زیادی از دام ها از بین بروند و محصولات غذایی و تعداد معینی از نباتات صنعتی بطور قابل ملاحظه کاهش یابد.

کاهش تولید صنعتی در جای نخست به کمبود مزمن نیروی برق، زغال و فرآورده‌های نفتی، بدی کار وسایل حمل و نقل، مخصوصا راه آهن مربوط است. مفسرین هندی استدلال می کنند که کمبود "برق" نتیجه ٔ اشتباهات در برنامه‌ـ ریزی، نبودن هماهنگی متمرکز و بدی مدیریت این شاخه اقتصاد است. یکی از علت‌های بحران حمل و نقل وجود نقص در برنامه‌ریزی است.

بسیاری از مسایل بخشهای کلیدی اقتصاد هند مستقیما به فعالیت دولتی که از ۱۹۷۷ رهبری کشور را بر عهده داشت یعنی از **جاناتا پارتی** (حزب مردم) و رفتار منفی آن در ۱۹۷۹ مربوط می شود، در آن موقع وزیران این حزب در دولت، به نوشته مطبوعات، سرگرم مبارزه برای کسب قدرت بودند. اما این علت اساسی نبود. باید گفت که اختلاف دیدگاه‌های اعضای ائتلاف نامتجانس در این میان نقش منفی ایفاء کرده است. بین آنها افرادی وجود داشتند که دشمن سرسخت بخش دولتی و تحکیم مبانی برنامه‌ریزی در اقتصاد بودند و نهادهای مذکور را به عنوان نهادهایی "سوسیالیستی" رد می کردند و اسلوب‌های "رقابت آزاد" را در برابر آنها قرار می دادند.

رهبران **جاناتا پارتی** در دوران زمامداری خود نتوانستند رشد ثابتی برای کشور تامین کنند. تشدید ناآرامی های اجتماعی ناشی از همین امر بوده است. در ۱۹۷۹ اعتصاباتی که در شاخه‌های مختلف اقتصاد هند صورت گرفت باعث از دست رفتن ۴۳۹۰۰۰۰۰ روز انه کار شد (یعنی ۱/۵ بار بیش از ۱۹۷۸). در این سال مالکان زمین برای سرکوب جنبش فقیرترین قشرهای روستاها دست به عملیات سرکوبگرانه برضد آنها زدند و بدینسان بر وخامت مزمن اجتماعی در مناطق روستایی بیش از پیش افزودند. آتش زدن اتوبوس‌ها در جریان تظاهرات دانشجویان گوشه‌ای از نارضایی عمیق جوانان بوده است جنبش اعتراضی حتی محافظان نظم و قانون یعنی افراد پلیس را در برگرفت، پلیس **پنجاب** در تابستان ۱۹۷۹ برای برسمیت شناختن حق استخدام دولتی شان دست به اعتصاب زدند.

مردم به دموکراسی و پیشرفت رأی دادند

همانطور که رویدادهای تازه و در جای اول انتخابات مجلس در سال گذشته نشان داد، برنامه پیشنهادی حزب کنگره به رهبری **ایندیرا گاندی** مورد استقبال توده‌های مردم قرار گرفت و برنامه ٔ **جاناتا پارتی** را از صحنه بیرون راند. انتخاب مجدد بانو **گاندی** به نخست وزیری هند پیروزی بزرگ نیروهای دمکراتیک بر بورژوازی انحصاری این کشور در عرصه ٔ قدرت دولتی بود. دولت جدید بلافاصله پس از روی کار آمدن کوشیده است برای بهبود اوضاع اقتصادی، کاهش کسر بودجه و تثبیت قیمتها تدابیر جدی اتخاذ نماید. کمیسیون برنامه‌ـ ریزی هند دوباره آغاز بکار کرده و برای تقویت بخش دولتی اقدامات معینی انجام گرفته است. بالا بردن محسوس قیمت‌های خرید بسیاری از محصولات کشاورزی و برنامه‌ریزی برای تنظیم سیستم آبیاری در یک دوره ۲۵ ساله موجب افزایش سطح کشت و بهبود اوضاع در روستاها خواهد شد. دولت سرمایه ـ گذاریهای خود را در برق و انرژی، استخراج زغال، نفت و گاز افزایش داده است. به مساله حمل و نقل توجه ویژه‌ای مبذول گردیده است.

خلاصه این که بموجب داده‌های رسمی در زمینه متوقف نمودن روند کاهش تولید کامیابی های محسوسی بدست آمده و صاحبان صنایع با اقدام به سرمایه‌ـ گذاری در صنعت سیاست جدید را "تصویب" کرده اند.

در اینجا لازم به تاکید است که موضوع در جای نخست عبارت از بهبود اوضاع اقتصادی و انجام اصلاحات تازه در سیاست طبقه ٔ فرمانروا است. تثبیت اوضاع بالنسبه نااستوار است. هندی‌ها بشدت از موج اختلافات مذهبی و قبیله‌ای که در تابستان و پائیز گذشته بسیاری از ایالات شمالی کشور را فرا گرفت در تشویش ـ اند. قربانیان این منازعات که بیشتر از میان کودکان، زنان و سالخوردگان اند بی شمارند. البته این بی نظمی ها به تحریک سازمان‌های ارتجاعی صورت می گیرد و از خارج حمایت می شود.

نمایندگان واقعی نیروهای چپ راه خروج از این بن بست‌ها را اصلاحات عمیق اجتماعی می دانند. لغو مالکیت‌های بزرگ ارضی در روستاها و انحصارات در صنعت، توسعه و تحکیم بخش دولتی، شرکت دادن کارگران در اداره ٔ تولید، تضمین حقوق بخش‌های مهمی از مردم که از نظر اجتماعی مورد تحقیر و اهانت قرار گرفته اند و همچنین پاکسازی دستگاه‌های پلیس و دولت از عناصر وازده و ارتجاعی از مهمترین وظایف این اصلاحات است. آنها برای مبارزه با تورم و گرانی معیشت پیشنهاد می کنند که در تقسیم مالیات‌ها تجدید نظر بعمل آید بنحوی که انحصارات و مالکان زمین قسمت اعظم آن را بپردازند و در توسعه سیستم دولتی توزیع کالاهای مورد مصرف عموم اقدامات لازم بعمل آید

پیوند هند با جبهه ٔ ضد امپریالیستی جهانی برای تأمین استقلال

مردم هند به استقلال سرزمین پهناور خود که برای آن بهای سنگینی پرداخته اند، سخت علاقمندند، امپر ـ یالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا در برابر این تمایل مشروع مردم هند سخت مقاومت می ورزد و می کوشد با تکیه بر کلان سرمایه ـ داران انحصارگر و زمین داران بزرگ هند این کشور را به گردونه وابستگی های سیاسی اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم متصل نماید. و در این راه از سیاست توسعه طلبانه رهبران مائوئیست چین و رژیم وابسته به امپریالیسم پاکستان سود می‌ـ جوید.

مسافرت‌های پی در پی مقامات بلند پایه ٔ سیاسی و نظامی آمریکا به چین و پاکستان و تشویق آنها به سیاست تحریک و تفتین برضد همسایگان و مسابقه ٔ تسلیحاتی نشانه ٔ گویایی از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در برابر سیاست صلح و تشنج زدایی کشورهای مستقل و مترقی منطقه منجمله هند است.

جمهوری هند با تعقیب پیگیر سیاست عدم تعهد که مضمون اساسی آن مبارزه با سیاست استعماری و نو استعماری امپریالیسم بسرکردگی آمریکا در سراسر جهان است، سدی بزرگ در برابر سیاست جنگ و تجاوز آمریکا و توسعه طلبان پکنی در اقیانوس هند ایجاد کرده است. بدین مناسبت "سیا" با توطئه بمب گذاری در هواپیمای بانو **ایندیرا گاندی** نخست وزیر نامدار هند خواسته است راه را برای روی کار آمدن سیاستمداران وابسته به کلان سرمایه‌داران متحد امپریالیسم هموار نماید.

سیاست مستقل هند که اعتلای کشور را از لحاظ اقتصادی ـ اجتماعی و تکنیک جدید و نیز بیرون آمدن از وابستگی به بازار غارتگرانه ٔ امپریالیستی را هدف خود قرار داده، برای مبارزه ٔ جدی با امپریالیسم اقتصادی، نظامی و سیاسی و تامین رشد مستقل کشور، روابط نزدیک با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی را که به سیاست سنتی این جمهوری بدل شده سرلوحه ٔ سیاست خارجی خود قرار داده است. **جواهر لعل نهرو** بنیانگذار جنبش نامتعهدها در توصیف سیاست مستقل هند در نزدیکی و اتحاد با کشورهای ضد امپریالیسم و در درجه ٔ نخست کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی تاکید داشته است.

امروز میلیونها هندی به تجربه ٔ شخصی ثمرات درخشان این سیاست را بطور روزمره لمس می کنند. دستاوردهای همکاری فزاینده ٔ هند و اتحاد شوروی در زمینه اقتصاد، بازرگانی، علمی و فنی، فرهنگی و تقریبا در همه قلمروهای دیگر نمونه ٔ درخشانی از گزینش بخردانه و انقلابی این کشور در سمت گیری‌های سیاست خارجی و اجرای دقیق سیاست نامتعهدانه است. ساختمان کارخانه‌های عظیم فولادریزی **بهیلایی** و **بوکارو**، کارخانه ٔ ماشین سازی سنگین **رانشی**، کارخانه ٔ لوازم برقی **هاردوار** و غیره از نمونه‌های برجسته همکاری هند با اتحاد شوروی است. اکنون بیش از ۷۰ موسسه صنعتی با همکاری اتحاد شوروی در هند مشغول بکار است. این موسسات ۳۴٪ فولاد کشور، ۳۶/۴٪ ورقه ٔ فلزات، ۷۷٪ نفت، ۳۰٪ فرآورده‌های نفتی و قریب ۲۰٪ نیروی برق را تولید می کنند.

نخستین اسپوتنیک‌های هند موسوم به "**آریاباتا**" و "**بهاسکارا**" در پرتو همکاری پژوهشگران و تکنیسین های این جمهوری با نمایندگان دانش شوروی به فضا پرتاب شده است.

این همکاری ضد امپریالیستی که مبتنی بر احترام به استقلال و حاکمیت هر دو کشور است به هند امکان داده است در جهت شکوفایی اقتصادی و صنعتی مستقل خود گام های چشمگیری بردارد.

تردیدی نیست که کشور انقلابی ما برای پی افکندن اقتصادی مستقل، رها از وابستگی به بازارهای سوداگرانه ٔ امپریالیسم، پایان دادن به حضور امپریالیسم در اقیانوس هند و خلیج فارس برای ایجاد محیطی امن بدور از فتنه‌ـ انگیزی‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا به همکاری نزدیک با بزرگترین کشور غیر متعهد جهان ـ هندوستان ـ و دیگر نیروهای ضد امپریالیست بنیادی جهان ـ کشورهای سوسیالیستی ـ نیاز فراوان دارد.

ما در آستانه ۳۵ مین سالگرد استقلال هند خود را در جشن بزرگ رهایی این کشور از قید استعمار انگلیس شریک می دانیم و آرزومندیم روابط کشور ما با این کشور بزرگ مستقل در جهت استعمار زدایی بیش از پیش **استحکام یابد**.

سطح عالی حرفه آموزی در "جمهوری دمکراتیک آلمان"

درسال ۱۹۷۰، در "جمهوری دمکراتیک آلمان" ۱۹۳۹۰۰ دانش آموز از حرفه آموزی برخوردار شدند. این شماره در سال ۱۹۷۵ به ۲۰۶۸۰۰ و در سال ۱۹۸۰ به ۲۳۱۵۰۰ نفر رسید.

در پنج سال گذشته، رویهم رفته ۱۱۵۰۸۰۰ نفر به حرفه آموزی پرداختند که ۱۳۵۹۰۰ تن بیشتر از دوران برنامه پنجساله پیشین بود.

در سال ۱۹۷۰، سهم دختران و پسرانی که دبیرستان ده کلاسه پلی تکنیکی را به پایان رسانیدند ۷۰/۷٪ بود، این درـ صد در سال ۱۹۷۵ به ۷۸/۵ و در سال ۱۹۸۰ به ۸۵/۶ رسید.

در همین سالها گنجایش خوابگاه‌های حرفه آموزان به ۱۳۶۲۵۵ افزایش یافت. بدین ترتیب، امروزه از هر ۱۰۰۰ حرفه آموز ۲۶۶ تن در خوابگاه‌ها زندگی می کنند. دولت آلمان دمکراتیک از این بابت برای هر یک از آنها سالیانه ۲۵۰۰ مارک می پردازد.

بیکاری همچنان در کشورهای سرمایه داری بیداد می کند

در ۲۴ کشور سرمایه‌داری عضو "سازمان همکاری و توسعه ٔ اقتصادی"، در عرض ۱۲ ماه سال بحران زده ۱۹۸۱ شماره ٔ بیکاران به ۲۴ میلیون رسید. پیش بینی های این سازمان حاکی است که در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ دو تا سه میلیون نفر دیگر بر خیل بیکاران در این کشورها افزوده خواهد شد.

●

در ایالات متحده آمریکا تنها در سال ۱۹۸۰، ۱/۵ میلیون نفر کار خود را از دست دادند. بدین ترتیب، آمریکا با در حدود ۸ میلیون بیکار و رویهمرفته ۱۲/۱ میلیون نفر بیکار و کم کار از این نظر، از سال ۱۹۴۵ تا کنون، به دومین رکورد دست یافت.

●

در کشورهای نه گلنه ٔ "جامعه اقتصادی اروپا" در سال ۱۹۸۰ صف بیکاران بسرعت دراز شد. در حالیکه در آغاز سال ۶/۳ میلیون نفر در این کشورها بیکار بودند این شماره در پایان سال رسما به ۷/۹۱۴ میلیون افزایش یافت

●

"سیاه‌ترین ماه" ۱۹۸۰ برای زحمتکشان کشورهای جامعه ٔ اقتصادی اروپا "ماه دسامبر بود. در این ماه ۳۲۰ هزار نفر در این کشورها بیکار شدند. در ماه نامبرده در "جمهوری فدرال آلمان" نرخ بیکاری ۱۵/۶ و در دانمارک ۱۰٪ افزایش یافت.

●

امروزه در بریتانیا از هر ده نفر، یک تن بیکار است. در پایان سال ۱۹۸۰، ۲/۳ میلیون نفر در این کشور بیکار بودند.

●

در کشورهای سرمایه‌داری معمولا نیمی از بیکاران را جوانان ۱۶ تا ۲۵ ساله تشکیل می دهند.

مقررات جدید ...

بقیه از صفحه ۱

وتقلب در مدارک ارسالی، نداشتن گذرنامه معتبر و ویزای تحصیلی معتبر و غیره و غیره است.

ضوابط جدید در اکثریت خود عادلانه و طبق موازین انقلابی است. آنچه مهم است، اما متاسفانه فراموش شده، رعایت **ضوابط سیاسی** برای پرداخت ارز تحصیلی است.

انقلاب ایران آماج تهاجمات گوناگون امپریالیسم، بسرکردگی آمریکای جهانخوار است. ازجمله اهرم های اجرائی امپریالیسم در توطئه‌های رنگارنگ خود، ضدانقلاب مقیم خارج از کشور است که بخشی از آن بمثابه نیروی ذخیرهٔ امپریالیسم وبخشی بصورت فعال عمل می کند. دراین هردوبخش دانشجویان ایرانی مقیم خارج وجود دارند، که گواه آن هجوم آنان به سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران وتظاهرات خیابانی شان علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در هفته‌های اخیر است.

این عده از دانشجویان کیستند؟ فرزندان خانواده‌های طاغوتی وضدانقلابی، که از نظام جمهوری اسلامی ایران ارزتحصیلی دریافت می‌کنند و در صف ضدانقلاب عریان علیه نظام جمهوری اسلامی ایران راه پیمایی می‌کنند و با دشمنان انقلاب همآوا می شوند. این عده از دانشجویان ضدانقلابی متاسفانه حتی طبق ضوابط جدید سازمان سنجش آموزش کشور باز هم مشمول دریافت ارزهستند، زیرا در هیچیک از ۳۰ مورد تعیین شده، تعلق خانوادگی دانشجویان و مواضع سیاسی آنان درنظرگرفته نشده است. آنان می توانند تابعیت ایران را داشته باشند، مهاجر نباشند، مرتکب جعل و تقلب نشده باشند، گذرنامه وویزای معتبر تحصیلی داشته باشند و به دلیل واجد شرایط بودن ارز دریافت کنند، اما ضدانقلاب باشند و بروی دانشجویان انقلابی و کارمندان سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی ایران، سیلی ومشت حواله کنند تصاویر رهبران انقلاب را پاره کنند و اسناد واثاثیه مراکز دانشجویان مومن به انقلاب را به سرقت ببرند.

مسئله دانشجویان ایرانی مقیم خارج ـ نوعی "فاجعه"

مسئلهٔ دانشجویان ایرانی مقیم خارج، به گفتهٔ **دکتر جهانشاهلو** رئیس سازمان سنجش آموزش کشور، نوعی **"فاجعه"** است.

در دوران حاکمیت طاغوت، کشوری درو پیکری داشتیم وچندین میلیارد دلار درآمد سالانهٔ نفت. ازمرزهای زمینی وهوایی ودریایی این کشورهر روز قافلهٔ پرشماری بسوی خارج روان بود، که بخشی از آن "دانشجو" بودند. این هزارها جوان ونوجوانی که همه ساله عازم آمریکا، اروپای غربی وچند کشورآسیایی نظیر ژاپن وفیلیپین وهندوستان می شدند، خود در آغاز بدرستی نمی دانستند درکدام کشور سکونت خواهند گزید، در چه رشته‌ای درس خواهند خواند، چند سال در خارج خواهند ماند و کی مراجعت خواهند کرد؟ چمدانی در دست وحواله ارزی درجیب، شانس خودرا دراین وآن کشور می آزمودند، تاکجا بخت باآنها یاری کند، رشته‌ای رابعنوان رشتهٔ تحصیلی برگزینند و یا بخت پشت کند و کتاب و دفتر را در طاقچه بگذارند و خود بدنبال بحث های کافه‌ای، هرروز راهی خیابانها و یا خانهٔ این یاآن دوست شوند.

درمیان این جمع البته اقلیتی وجود داشت که باهدف مشخص، راهی خارج می شد، رشتهٔ تحصیلی را مطابق ذوق و استعداد خویش از قبل انتخاب کرده بود، کشور محل اقامتش از قبل معین بود، پذیرش دانشگاهی داشت، مصمم و درسخوان بود وحداقل "قصد" مراجعه به میهن و خدمت به مردم داشت. این دانشجویان واقعا میل داشتند به میهن بازگردند ومبارزه را درداخل کشور ادامه دهند. حال اگر ماموران ساواک درسفارتخانه‌های "آریامهر" شناسایی اش می کردند وبرگذرنامه‌اش مهرباطله می کوبیدند و یادام های دیگری بر سر راهش می نهادند و درنتیجه نمی توانست به کشور بازگردد، امری بود علیحده.

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور خود این واقعیت را تایید می کند.

آقای دکتر جهانشاهلو می گوید:

"... اولا سازمانی ویا کسی نمی دانست که چندهزار دانشجوی ایرانی درخارج است و حتی اگر شما نیز همین حالا ازمن سئوال کنید، چندهزار دانشجو درخارج ازکشور است، بشما می گویم بین ۹۰ تا ۲۱۰ هزار نفر. براساس همین آمار ما حدود ۲۱۰ هزار نسخه پرسشنامه دانشجویی توزیع کردیم، اما ازاین تعداد تاحال ۹۰ هزار پرسشنامه بما داده شده است ومعلوم نیست بقیه که بالغ بر ۱۲۰ هزار نفر می باشند، کجا هستند".

باآنکه معلوم نیست که این ۱۲۰ هزار نفر در کجا هستند، ولی معلوم است که چه کسانی هستند. کسانی که دانشجو نبوده‌اند وسالیان دراز و حتی دوسال ونیم پس از پیروزی انقلاب بنام "دانشجو" ارز این مردم زحمتکش ومحتاج را بلعیده‌اند و یا زمانی دانشجو بوده‌اند، وچون مایه و قدرت و ظرفیت تحصیلات عالی را درخود نیافته‌اند، درس ومشق رابکناری نهاده وحرفهٔ سهل وآسان خیابان گردی وکافه نشینی را پیشه کرده‌اند و در بلبشوی غارتگری طاغوت، هزینه گردش وسیاحت آنان ازجیب مردم پرداخت میشده، که بدبختانه در دوران پس از پیروزی انقلاب نیز ادامه یافته است.

پیروزی انقلاب و مسئله دانشجویان ایرانی مقیم خارج

یکی ازمسائل اساسی که باپیروزی انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن می بایست در دستور کار وزارت آموزش عالی و وزارت خارجه دولت انقلاب قرار می گرفت، مسئله رسیدگی به وضع دانشجویان ایرانی مقیم خارج بود. کاری که باتاخیر زیاد، در دستور وظایف دولت انقلاب قرار گرفته، می بایست بلافاصله پس ازپیروزی آغاز می شد و این مسئله درابعاد فرهنگی و اقتصادی آن مورد مداقه قرار می گرفت، ضوابط جدیدی منطبق با محتوای ضدامپریالیستی ومردمی انقلاب برگزیده می شد و ضوابط طاغوتی یا بی ضابطه‌گی های گذشته، بدون ترس از تهدید و شانتاژ، باطل اعلام می گردید. اما لیبرال‌ها مانع شدند و بیش ازدوسال پول مردم زحمتکش که بخش عمدهٔ آن در فقرمطلق بسر می برد، بخارج فرستاده شد، تا دردانه‌های خانواده‌های پولدار و مرفه سیاحت کنند وبه نظام جمهوری بجای درود، لعن بفرستند.

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور می گوید:

"به ما گزارش داده‌اند که بین ۱۲۰ تا ۱۸۰ میلیون دلار ماهیانه ارز دانشجویی خارج میشود"

طبق این محاسبه هرسال ۲/۱ میلیارد دلار ارز دانشجویی بخارج رفته و در مقابل، محصول زیادی باز نگشته است. آنها که مقیم بوده‌اند، ماندگار شده‌اند وآنان که پس ازانقلاب رفته‌اند،

"سرگردان هستند ونتوانسته‌اند بدانشگاهی راه پیدا کنند". (دکتر جهانشاهلو)

این دانشجویان وغیردانشجویان، اکنون برسر دوراهی آزمایش قرارگرفته‌اند. یا درس می خوانند، رشته تحصیلی شان مورد نیاز مملکت است وخود مومن به انقلابند که دراینصورت باید بی تردید به آنان ارزپرداخت، تادرس خود را به پایان برسانند ودانش وتخصص خویش را در خدمت مردم محروم قرار دهند. ویادرس نمی‌خوانند واگرمی خوانند، ضدانقلابند، که دراین صورت باید بی لیت ولعل ارزتحصیلی شان را قطع کرد.

سیاست جدید پرداخت ارز دانشجویی

برای پرداخت ارز به دانشجویان ایرانی مقیم خارج باید درهمهٔ ابعاد، معیارهای انقلابی مقرر شود. معیارهای انقلابی را نه فقط باید در ابعاد فرهنگی واقتصادی آن نگریست، بلکه باید ابعاد سیاسی آن رانیز درنظر داشت، که متاسفانه در مقررات جدید به فراموشی سپرده شده است.

آیا ادارهٔ سنجش آموزش کشور می تواند تضمین کند که کلیه کسانی که بموجب مقررات جدید مشمول دریافت ارزهستند، واجد شرایط سیاسی اند، یعنی مومن ومعتقد انقلاب ضدامپریالیستی ومردمی واسلامی ایران هستند؟ مسلما نه، زیرا چه بسیار فرزندان خانواده های سرشناس خوب خورده و خوب برده، که مشمول دریافت ارزتحصیلی شناخته شده‌اند، چه بسیار

ازاین عده دانشجو، که باتمامی وجود خود وابسته به رژیم طاغوت اند وازانقلاب گسسته، وچه بساکه دراین اعتقاد ضدانقلابی ازوقت ونیروی خود هم مایه می گذارند ودست در دست طاغوتیان و فراریان خارج ازکشور علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به ویرانگری مشغولند.

ادارهٔ سنجش آموزش کشور اخیرا اعلام کرده است دانشجویانی که ارزتحصیلی شان قطع شده، چنانچه خود را باضوابط دریافت ارز تطبیق دهند، مجددا ارز دریافت خواهند کرد. تطبیق دادن خود باضوابط جدید برای عدهٔ زیادی، یعنی تغییر رشته تحصیلی. درحالیکه سئوال آن است که آیا اصولا نیازی هست که حدود صد هزار دانشجو درخارج داشته باشیم و از بیت المال به آنان ارز بپردازیم؟ آیا تضمینی وجود دارد که این دانشجویان به کشور بازگردند ودانش وتخصص خود را درخدمت میهن ومردم قرار دهند؟

درشرایطی که درآمدهای ارزی ایران، به دلایل روشن محدود است، وبه هر دلار آن برای بازسازی کشور نیاز مبرم وجود دارد، چگونه ممکن است که هنوز سالانه ۲ میلیارد دلار برای پرداخت ارزتحصیلی درنظر گرفته شود؟ در شرایطی که حداقل دستمزد کارگران، علیرغم گرانی و تورم بیسابقه، در ۶۳/۵ تومان تثبیت می شود. و کارگران وزحمتکشان به صبر انقلابی دعوت می‌شوند وآنها هم باگشاده رویی می پذیرند، چگونه می توان باور کرد که دولت انقلاب به علت گرانی هزینه زندگی درانگلستان، پرداخت ارز بیشتری را به دانشجویان تقبل کند؟

باید انقلابی تصمیم گرفت و انقلابی عمل کرد

آنچه مسلم است ما به حدود ۱۰۰ هزار دانشجو درخارج نیاز نداریم. باید ازاین جمع کثیر، عده‌ای قلیل را، که رشته تحصیلی شان در داخل وجود ندارد و یا در سطح ممتاز نیست و اقتصاد کشور بدان نیازمند است، برگزید و به آنان ارزتحصیلی پرداخت. با قطع ارزتحصیلی بقیه و صرفه جویی از این راه می توان شبکهٔ دانشگاه‌ها را گسترش داد و امکانات آموزش عالی را برای فرزندان زحمتکشان در داخل کشور فراهم آورد. برطبق ضوابط انقلابی:

ـ دانشجویان ایرانی مقیم خارج نباید فرزندان خانواده‌های فراری وضدانقلابی باشند

ـ دانشجویان ایرانی مقیم خارج نباید متعلق به خانواده‌های مرفه و ثروتمند باشند، زیرا این خانواده‌ها خود قادر به تامین هزینهٔ فرزندان خویش هستند.

ـ دانشجویان ایرانی مقیم خارج باید پشتیبان انقلاب باشند ویاحداقل موضع خصمانه فعال نسبت به انقلاب نداشته باشند.

ـ دانشجویان باید تعهد بسپرند که پس ازپایان تحصیل بفاصلهٔ چندماه به میهن خویش بازگردند.

ضمنا سیاست "نه شرقی، نه غربی" که سیاست رسمی اعلام شده ازسوی نظام جمهوری اسلامی است، حتما به این معنا نیست که دهها هزار دانشجو درکشورهای آمریکا واروپای غربی نگاه داشته شوند و از اعزام دانشجو به کشورهای سوسیالیستی بدلایل غیرمنطقی خودداری شود؛ دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه های کشورهای امپریالیستی باآغوش باز پذیرفته شوند و از مراجعت متخصصین، تنها به این دلیل که از دانشگاه‌های کشورهای سوسیالیستی و ضدامپریالیستی فارغ التحصیل شده‌اند، جلوگیری شود وحتی حق اقامت در وطن ازآنان سلب شود.

جو فرهنگی و اجتماعی کشورهای سوسیالیستی سالم ترین جو برای تحصیل جوانان ما و کسب تخصص آنهاست. اگر خانواده های ایرانی کمترین اطلاعی دربارهٔ این کشورها و سیستم آموزشی آنها داشتند، مطمئنا آرزویشان بودکه فرزندانشان درآن شرایط تحصیل کنند. وظیفهٔ مسئولین آن است که خود را ازدام تبلیغات خصمانهٔ امپریالیسم دربارهٔ کشورهای سوسیالیستی برهانند وبااین کشورها که دوست صادق و صمیمی انقلاب ایرانند، برخورد دوستانه داشته باشند، بورسهای تحصیلی این کشورها را عاطل نگذارند وبه ایرانیان مقیم این کشورها اجازه بازگشت دهند. مسئولین مملکت نباید در این پنداروا هی اسیر شوند که گویا مراجعت این گروه از ایرانیان، انقلاب سوسیالیستی را به سرزمین ما صادر خواهد کرد و یا اگر جوانان خود را برای تحصیل به دانشگاه‌های کشورهای سوسیالیستی بفرستیم، پس ازچند سال یک عده "کمونیست" تحویل خواهیم گرفت که انقلاب ایران را به مخاطره خواهند افکند!

تجربهٔ اعزام دانشجو ازکشورهای "جهان سوم" به کشورهای سوسیالیستی نشان می دهد که این دانشجویان که پس ازفراغت ازتحصیل همه به کشورهای خود بازمی گردند صرفنظر از عقاید گوناگون سیاسی وایدئولوژیک خود، تخصص خود را درخدمت میهن خویش گذاشته‌اند.

"موثق" ترین روایت ...

بقیه از صفحه ۱

دریایی شاهنشاهی است که در آن روزگار خوش راه‌پیمایی بسوی "تمدن بزرگ" به قدری "وطن‌پرست" بود که نیمی از دزدی‌های خود را به شاهنشاه عزیزش تقدیم می کرد، بعدهم از روی "وطن پرستی"، به کمک **سایروس ونس** وزیر خارجهٔ اسبق آمریکا، خاک ایران را ترک کرد، تا "وطن‌پرستی‌اش" را در خاک فرانسه حفظ کند.

باری، این دو تیمسار قهرمان و نامدار به ابتکار خود و درنهایت دلاوری به یک چنین عملیات محیرالعقول دزدی "ملی‌گرایانه" و "وطن‌پرستانه" دست یازیده‌اند و ابدا آمریکا وانگلیس وفرانسه اسپانیا ومراکش درآن دست نداشته‌اند!

اما جریان عملیات، بنابه تحقیقات "موثق" مورد تصدیق "آنها"، به شرح زیرین است:

ارتشبد آریانا، رئیس ستاد اسبق ارتش شاهنشاهی، که بدلیل داشتن کلهٔ کدویی بعین "دوچه" ـ وبهمان اندازه پوک ـ لقب **"موسولینی ایران"** گرفت، دوماه پیش فرانسه را به قصد ترکیه ترک کرده وطرح نقشهٔ تصرف "گازانبری" ایران را می ریخته، که ناگهان خبردار می شود که قرار است سه ناوچهٔ جنگی موشک انداز متعلق به ایران، راهی ایران شوند. فوری تصمیم می گیرد که این سه ناوچه موشک انداز را برای عملیات "گازانبری" تصرف ایران، در آبهای "بین المللی" و نه در آبهای ساحلی اسپانیا، بربایدو دریادار **حبیب الهی** را که متخصص دزدی است، مامور می کند که این بار بجای دزدی پول، این سه ناوچهٔ جنگی را در دریا بدزدد.

دریادار سابق **حبیب الهی**، عضو سازمان "آزادگان" به فرماندهی ارتشبد **نامدار آریانا (همان موسولینی ایران)**، برای انجام ماموریت ازفرانسه به اسپانیا می رود ویک کشتی یدک کش "اجاره" میکند هرچه ناخدای یدک کش اسپانیایی از او می پرسد که، کدام کشتی را می خواهی یدک بکشی، جواب می دهد: "به تو مربوط نیست، برو". اوهم می رود، یعنی دونفری سوار برکشتی یدک کش به "آبهای بین المللی" می روند. همین که به "آبهای بین المللی" می رسند، دریادار **حبیب الهی** دوربین می اندازد و می بیند سه ناوچه سریع السیر جنگی موشک انداز، مثل فشنگ، آب دریا را می شکافند وبه سوی ایران روانند. دوربین را به ناخدای کشتی یدک کش می دهد ومی گوید: "این سه ناوچه را می بینی؟ آنها را تعقیب کن و چنگک بینداز، آنها را بگیر". ناخدای اسپانیایی می گوید: "آقا، سرعت یدک کش من نسبت به سرعت این ناوچه‌های جنگی، مثل سرعت یک لاک پشت به خرگوش است، چطور آنها را تعقیب کنم؟ وانگهی مگر آنها ماهی هستند که آنها را با چنگک بگیریم".

اما دریادار **حبیب الهی**، که از "آزادگان" است، نهیب می زند که "همان است که گفتم" و "همان" می شود که او می خواهد: کشتی یدک کش به ناوچهٔ جنگی می رسد وکمند می اندازد وآنرا اسیر می کند.

بعدهم که ناوچه را توچنگ گرفت، راهش می اندازد و ازآبهای اسپانیا به سوی مراکش "فرار" می کند، با چنان سرعتی که هواپیماها و ناوهای تندرو اسپانیایی که او را تعقیب می کنند، بگردش هم نمی رسند. معلوم می شود که سازمان "آزادگان" به رهبری **ارتشبد آریانا** می‌تواند تمام "قوانین سرعت" را بدون دخالت "سیا" و "اینتلیجنس سرویس" و دیگر سازمانهای "بین المللی" بهم بریزد: یدک کش فرتی خودش را به ناوچه موشک انداز می رساند واسیرش می‌کند وهواپیما از رسیدن به ناوچه عاجز می ماند.

خبرنگار ما موکدا تصریح کرده است که این تحقیقات "موثق" را از منابع "موثق" (روزنامه‌های انگلیسی وفرانسوی وآمریکایی واسپانیایی ورادیوهای صدای آمریکا وفرانسه واسرائیل و بی بی سی و بغداد و رادیوی بختیار و اویسی و دیگر منابع "خبری" و "تحلیلی" نظیر آن) به دست آورده است.

تبصره ـ آنهائیکه "اخبار" و "تحلیل‌های" این منابع "موثق" را شنیده‌اند، تصدیق دارند که خبرنگار محقق ما، چیزی ازخود نساخته است، بلکه فقط گوشه‌هایی ازشرح حال **آریانا و حبیب الهی** را بعنوان چاشنی به گزارش‌های "آنها" افزوده است.

اتحاد مردم

اما جنبه جدی مسئله

تردیدی نیست که دولت‌های آمریکا فرانسه، انگلیس، اسرائیل، اسپانیا و مراکش وسازمانهای جاسوسی آنها در "ربودن" ناوچهٔ جنگی موشک انداز جمهوری اسلامی ایران، دست داشته‌اند البته این عمل بی‌شرمانه بیش از گزش پشه‌ای بر انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی واسلامی ایران تاثیر نداشته و نخواهد داشت، ولی وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران، همان‌گونه که تا کنون عمل کرده است، باید این راهزنی دریایی را مورد پیگرد جدی قرار دهد و کراهت چهره پلید این دولتهای امپریالیستی راهزن را بیش ازپیش در برابر جهانیان به نمایش بگذارد.

بقیه از صفحه ۱

مسئولیت مضاعف . . .

منجر گردید، نقش قاطع ایفاء کرد، بلکه در طول دو سال و نیمی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، در همه‌ٔ جبهه‌های نبرد به تحکیم این حاکمیت همت گماشته است. طی دو سال و نیمی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، کارگران ایران هم در جبههٔ نبرد داخلی تلاش و مبارزه مستمری برای راه‌اندازی و پیشرفت تولید و خدمات علی‌رغم کارشکنی سرمایه‌داران و محافل وابسته به آنها به عمل آورده‌اند و هم در جبههٔ نبرد خارجی به منظور طرد تجاوزات گوناگون امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و جنگ راهزنانه تجاوزگران صدامی بیشترین و بزرگترین فداکاری‌ها را برای دفاع از انقلاب و تثبیت حاکمیت انقلابی ابراز داشته‌اند.

با ظاهر شدن و بالاگرفتن خطر جریان امپریالیستی ـ لیبرالی ـ بنی‌صدری که با سقوط کامل "رهبری مجاهدین خلق" به باتلاق خیانت همراه گردید و جبههٔ خطرناکی از آنها به سود امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی گشوده شد، **کارگران ایران** با حمایت بی‌تردید و استوار از دستاوردهای انقلاب مردمی و اسلامی نقش قاطعانه‌ای در رفع این خطر و نومیدی ضدانقلاب ایفا کردند.

کارگران ایران علی‌رغم دام گستری‌های باند بنی‌صدر و گروهک‌های مائوئیستی **ـ آمریکایی**، رنجبری‌ها، پیکاری‌ها و رهبری **ضد مردمی** مجاهدین نه تنها فریب آنها را نخوردند، **بلکه با** آگاهی و ایثار بی‌نظیری در مبارزه برای **رفع خطری** که متوجه انقلاب شده بود، شرکت کردند. **حضور** توده‌های میلیونی کارگران ایران در صحنه و دفاع به‌حق و آگاهانه از انقلاب و آرمان‌های مردمی و ضدامپریالیستی آن توطئه‌های وسیع ضدانقلاب و جریان‌های رنگارنگ لیبرالی و شبه‌انقلابی را با شکست و ناکامی روبرو ساختند.

کارگران بیدار و قهرمان ما نه تنها با حضور فعال خود در جبههٔ نبرد با متجاوزین صدامی و کوشش بیدریغ در بالابردن سطح تولید در پشت جبهه مشت محکمی بر دهان جبههٔ بر ـ اندازی کوبیده‌اند، بلکه با شرکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان ـ دوره‌ای مجلس شورای اسلامی امید ضد انقلاب داخلی و خارجی را در بهره‌برداری از غیبت احتمالی‌شان در صحنهٔ مبارزهٔ سیاسی نقش بر آب کرده‌اند.

کارگران ایران که به‌حق ستون فقرات انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی به شمار می‌روند و در برابر اراده پولادین آنان هر نوع توطئه ابلیسی دشمنان قسم‌خوردهٔ مردم آب در هاون کوفتن است، بی‌شک در تداوم مرحلهٔ کنونی یعنی آغاز مرحله سوم انقلاب همچنان از ستون پایه‌های مهم پیروزی برضد انقلاب به رهبری امپریالیسم خونخوار آمریکا هستند. این واقعیت حاکمیت انقلابی را به توجه به مسئولیت مضاعف خود در برابر کارگران و تحقق خواست‌های آنان فرا می‌خواند.

انتظار کارگران از حاکمیت انقلابی

چنانکه می‌دانیم توده میلیونی کارگران ایران بار سنگین نظام طاغوتی مدفون را بر دوش می‌کشیدند. آنها در آن رژیم به بیرحمانه‌ترین وضع استثمار می‌شدند و از شمول همان قانون کار ناقص و بیمه‌های اجتماعی، از محدود بودن روزکار به ساعات قانونی، از تعطیل هفته و مرخصی سالیانه از شرایط بهداشتی و استحفاظی کار و از دریافت دستمزد عادلانه و دیگر مزایای قانونی محروم بودند. میلیونها کودک ایرانی برخلاف قانون کار و قراردادهای بین‌المللی درسن غیر قانونی در کارگاه‌ها استثمار می‌شدند، زنان نیز از رعایت موازین قانونی و دریافت دستمزدی برابر با مردان محروم بودند. حقوق سندیکایی و تشکل صنفی کارگران زیر پا گذاشته می‌شد. کارگران در برابر اعتراض به استثمار وحشیانه و غارت دسترنج خود از جانب کارفرمایان خصوصی و دولتی به شدید ـ ترین وجه مورد تعقیب و شکنجه قرار می‌گرفتند. کارگران ایران زیر استثمار دوگانهٔ امپریالیستی و سرمایه‌داری وابسته کمر خم کرده بودند. آنها از دست یافتن به ساده‌ترین حقوق کارگری محروم نگاه داشته شده بودند. استثمار و ظلم وارده به کارگران بصورت قوانین طاغوتی و ممانعت از آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی کارگران و سرکوب مبارزات آنان و تحمیل شرایط بسیار سخت و ناگوار کار و زندگی به زحمتکشان ایران تجسم یافته بود.

طبیعی است که انتظار کارگران ایران که هیچگاه از مبارزه علیه رژیم دست نشاندهٔ سلطنتی و سلطه امپریالیسم باز نایستاده‌اند و با مبارزه مداوم و پیگیر خود و ابراز قهرمانی بی ـ مانند رژیم ننگین طاغوت را سرنگون کرده‌اند، آن بود که وضع آنان پس از انقلاب سریعا تغییر یابد. پس از دو سال و نیم که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، آیا در وضع استثماری و ظالمانه‌ای که سرمایه‌داری و رژیم وابسته به آنها تحمیل کرده بودند، تغییری حاصل شده است؟ نامهٔ ۱۲۳ نفر از کارگران **کارخانجات کمپوت وکنسرو مشهد** که در تاریخ ۶۰/۵/۸ در روزنامهٔ اطلاعات چاپ ومنتشر شد به این سئوال پاسخ می‌دهد:

"با اینکه دو سال از انقلاب خونبارمان می‌گذرد و با آنکه امام خمینی بارها فرموده‌اند کارگران ستون فقرات انقلاب میباشند، کوخ ـ نشین‌ها بودند که انقلاب کردند نه کاخ‌نشین‌ها، و با توجه به جانبازی‌های کارگران در عرصه پیکار حق و باطل، هنوز کوچکترین تغییری در وضعیت ما کارگران کارخانجات کمپوت وکنسرو مشهد صورت نگرفته است و ما کارگران در مقابل ۱۱ـ ۱۲ ساعت کار بطور متوسط ۳۵ـ۳۰ تومان مزد دریافت میکنیم و از هرگونه حقوق قانونی محروم هستیم. لذا ما کارگران خواهان پرداخت حداقل دستمزد و سایر مزایای قانونی از قبیل (حق مسکن ـ بیمه ـ ۴۴ ساعت کار در هفته و . . .) ولغو ماده ۳۳ ضد ـ کارگری قانون کار و جلوگیری از کار کارگران خارجی در کارخانه‌ها هستیم."

نامهٔ کارگران کارخانجات کمپوت و کنسرو مشهد نامه‌ای استثنایی نیست. این وضع گریبان ـ گیر قاطبهٔ کارگران است که پس از گذشت دو سال و نیم از پیروزی انقلاب، به جای ۴۴ ساعت کار در هفته بیش از ۷۰ ساعت کار می‌کنند و به جای ۶۴ تومان حداقل دستمزد، روزانه با ۱۲ ساعت کار ۳۰ تا ۳۵ تومان دریافت می‌کنند، حق مسکن ندارند، بیمه نیستند و از دیگر مزایای کارگری محروم‌اند.

تازه این وضع کارگران کارخانه‌هاست. وضع میلیون‌ها کارگر کارگاه‌های دستکار و کوچک به مراتب بدتر و سخت‌تر از این است. میلیون‌ها کارگر در کارگاه‌های قالی‌بافی، کوره‌پزخانه‌ها، کارهای ساختمانی، کارگاه‌های پیشه‌وری و نظایر آن در شرایط استثمار و زندگی غیرانسانی به سر می‌برند.

وضع کنونی کار و زندگی کارگران فداکار ما با ماهیت انقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی و مردمی سازگار نیست. این وضع با آنچه مورد نظر رهبر انقلاب است منافات دارد: **"باید توجهتان به این توده‌های مستضعفی که با زحمت خودشان و رنج خودشان در جبهه و پشت جبهه مشغول فداکاری هستند، باشد."**

وقت آن رسیده است که حاکمیت انقلابی با جدیت به تغییر و دگرگونی بنیادی به سود توده‌ـ های عظیم کارگران و زحمتکشان بپردازد.

انتظار میلیون‌ها کارگر ایران این است که کابینه جدید در همین آغاز مرحلهٔ سوم انقلاب عملا تصویب قانون مترقی و انقلابی جدید کار، تصویب قوانین مترقی تامین اجتماعی و تصویب مقررات گوناگون برای دفاع از حقوق و منافع کارگران را در صدر وظایف خود قرار دهد و به وضع نابسامان کارگران که از دوران طاغوت به ارث مانده پایان دهد.

کانون شوراهای اسلامی کارگران در نامه‌ای که به مناسبت تعیین نخست‌وزیر جدید و تشکیل کابینه انتشار داد همین خواست‌ها را به عنوان انتظار کارگران از حاکمیت انقلابی خاطر نشان می‌سازد:

"امروز که امت قهرمان و شهید پرور ایران به رهبری امام و با تاییدات خداوند متعال با حضور میلیونی خود در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی شکست دشمنان قسم‌خورده اسلام را به ثبت رسانیده است، امروز که ملت ما با حذف جریان لیبرال‌ها از حاکمیت، مرحله‌ای از انقلاب را به پایان رسانیده است، امروز که رئیس جمهور منتخب مردم با مجلس شورای اسلامی و قوه اجرائیه و قضائیه هماهنگی یافته است، ملت مسلمان و انقلابی ما انتظار دارد با تعیین یک دولت مکتبی و متعهد، متشکل از نخست‌وزیر و وزیرانی مکتبی و انقلابی و هماهنگی نهادهای قانون اساسی در جهت پیاده‌کردن دقیق رهنمودهای امام و خدمت صادقانه به مستضعفین زمینه تداوم و تعمیق انقلاب اسلامی ما هرچه بیشتر فراهم گردد".

دستاوردهای عظیم سیاسی و اجتماعی کارگران در دوران پس از انقلاب

علی‌رغم دشواری‌هایی که طیف وسیع لیبرال‌ها و دشمنان انقلاب در برابر تامین حقوق و خواست‌های به‌حق کارگران و زحمتکشان به وجود آورده‌اند پیروزی‌های آنان در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی در دوران پس از پیروزی انقلاب بسیار عظیم است. محو رژیم طاغوتی و سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، از هم پاشیدن دستگاه جهنمی ساواک و پایان دادن به سلطه عوامل آن بر کارخانه‌ها و سازمان‌های کارگری و گام‌های دیگر در جهت رفع تبعیضات سیاسی و اجتماعی از کارگران از جمله پیروزی‌های کارگران در انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران به شمار می‌رود. همچنین تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را که در آن حقوق بسیاری برای کارگران و زحمتکشان به رسمیت شناخته و رهایی آنان را از ستم استثمار وعده می‌دهد و برخورداری آنان را از حق فعالیت آزاد صنفی، سیاسی و شورایی به موجب اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی تضمین می‌کند، می‌توان از دستاوردهای مهم کارگران دانست.

با وجود این در آنچه که مربوط به تغییر روابط ظالمانه بین کار و سرمایه است و در زمینهٔ برخورداری کارگران از مزایایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به کارگران وعده داده باید گفت که چیزی نصیب توده‌های زحمتکش نشده است همانطور که قبلا اشاره شد کارگران از تنظیم و تصویب و شمول قوانین مترقی کار و تامین اجتماعی تاکنون بی‌بهره مانده‌اند. کارگران تا همین امروز نه فقط در برابر آزادی سرمایه‌داران در غارت دسترنج‌شان در محیط کار بی‌دفاع بوده و از گرانی و تورم بستوه آمده‌اند، بلکه حتی از حق تشکل صنفی و شورایی نیز بی‌بهره نگاه داشته شده‌اند. در دوران پس از پیروزی انقلاب، به‌ویژه دولت لیبرالی "گام به گام" مانع برخورداری کارگران از مواهب انقلاب بوده است.

مخالفت لیبرال‌ها با حقوق شورائی کارگران

اینکه مخالفت با تحقق خواستهای کارگران در دوران پس از پیروزی انقلاب از جانب لیبرال‌ها و دیگر حامیان سرمایه‌داران چه دامنه وسیعی داشته، از متن نامه‌ای که کانون شوراهای اسلامی کارگران، در ارتباط با مخالفت مدیران لیبرال و ناصالح وحتی وزیر صنایع و معادن پیشین با نظام شورائی در کارخانه‌ها انتشار داده پیداست. در این نامه، شورای اسلامی کارگران، ضمن بر ـ شمردن اهمیت نظام شورائی در واحدهای تولیدی ـ خدماتی از نظر رشد انقلاب و دگرگونی در روابط تولیدی و اقتصادی و پیشرفت تولید و صنعت، چنین خاطرنشان میسازد:

" . . . با توجه به نقش تعیین کننده شوراهای اسلامی کارگران به عنوان نهادهای انقلابی داخل کارخانجات از آغاز پیروزی انقلاب تاکنون . . . و با در نظر گرفتن نقش مخرب مدیران لیبرال و ناصالح و سرمایه‌دارانی که در رابطه با صنایع هستند و دیدگاه و عملکرد وزیر صنایع و معادن، که مبتنی بر حمایت صریح از این مدیران و سرمایه داران در مقابل رشد انقلاب و شورای اسلامی کارگران بوده و هیچگونه اقدام اساسی نیز در دگرگونی و برنامه‌ریزی در تولید و اقتصاد به عمل نیاورده است، لازم است تا ناخشنودی و نارضائی عمیق کارگران و شوراهای اسلامی کارگران را از ایشان اعلام داشته و جانشین کردن وزیر متعهد و انقلابی در راس صنعت مملکت را از مقام ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و نخست وزیر آینده خواستار شویم". (روزنامه "کیهان"، ۱۳ مرداد ۱۳۶۰)

چنانکه ملاحظه شد، نه فقط برخی مقامات مسئول حقوق قانونی کارگران را رعایت نکرده‌اند، بلکه با آن نیز مخالفت هم ورزیده‌اند، تا جائیکه خشم کارگران و شوراهای اسلامی را بر ـ انگیخته‌اند. همین امر را میتوان در مورد نادیده گرفتن حق تشکل صنفی کارگران گفت، که متاسفانه در حاکمیت انقلابی و در مقامات مسئول، از جمله وزارت کار، تاکنون نسبت به تحقق آن دید ناموافق وحتی خصمانه‌ای وجود دارد. متاسفانه این واقعیت درک نمی‌شود که شناسائی حق تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان در شرایط کنونی، بیش از آنکه برای کارگران ضرور باشد، برای تحقق تشکل آنان در دفاع از انقلاب در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی ضرور است. هم رعایت حق تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان، که اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنرا به رسمیت شناخته و هم میدان دادن به نظام شورائی در واحدهای تولیدی ـ خدماتی، که در اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از باب **"تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور . . ."** منظور گردیده، از مواردی است که باید به طور کامل به اجرا درآید. دولت و حاکمیت انقلاب باید تحقق حقوق قانونی کارگران را جزو وظایف خدشه ناپذیر خود تلقی نماید. این خواست همه کارگران و زحمتکشان انقلابی کشور ما در مرحله کنونی انقلاب است.

بقیه از صفحه ۳

کارنامه ابوالحسن . . .

داری می‌کنیم و خواننده علاقمند را به روزنامه "انقلاب اسلامی" در تاریخ یاد شده رجوع می‌دهیم.

اما تبلیغات "آنتی کمونیستی" **بنی‌صدر** تنها علیه اتحاد شوروی نبود. او که پیوسته از اروپای غربی مجیز می‌گفت، دربارهٔ جمهوری دمکراتیک آلمان می‌نوشت:

"سطح زندگی در دو آلمان (آلمان غربی و آلمان دمکراتیک) کاملا غیرقابل مقایسه با یکدیگر است. میزان استثمار در آلمان شرقی بیشتر و بالاتر است . . ." (انقلاب اسلامی ـ ۳ اسفند ۱۳۵۹)

و دربارهٔ چکسلواکی چنین اظهار نظر می‌کرد:

"چکسلواکی پیش از جنگ تولید ناخالص برابر با تولید ناخالص سرانهٔ آلمان داشت و امروز ثلث آن هم نیست. دو ثلث بقیه را کشوری می‌برد، این کشور کدام است؟" (انقلاب اسلامی ـ ۷ دی ۱۳۵۹)

و بالاخره دربارهٔ همهٔ کشورهای سوسیالیستی اروپا خزعبلات **میلوان جیلاس** مرتد را نشخوار می‌کرد:

"مگر در کشورهای اروپای شرقی و روسیه همه چیز ملی نیست؟ آیا در آنجا مستضعف‌ها آزاد شده‌اند؟ نه! آیا درجهٔ استثمار کمتر شده؟ خیر، ابدا، در آنجا هم طبقاتی هست". (انقلاب اسلامی ـ ۱۳۵۹/۱/۱۷)

نتیجه این تبلیغات روشن است. خواننده "انقلاب اسلامی" بدون تردید کشورهای اروپای غربی ـ یعنی سرمایه‌داری ـ را می‌پذیرفت و خود را برای همکاری با آمریکا (بزرگترین قدرت امپریالیستی) آماده می‌کرد. و در عوض حتی تصور رابطه دوستانه، و برابر حقوق را هم با کشورهای سوسیالیستی به مخیله خود راه نمی‌داد. این بود هدف و نتیجه "سیا" ست **بنی‌صدر** و آنتی کمونیسمی که او پیگیرانه تبلیغ می‌کرد: **دور کردن ایران انقلابی از دوستان آن در جهان و پیوند زدن آن به سرمایه‌داری جهانی.**

بنی‌صدر عین این "سیا" ست را در مورد نیروهای اصیل پیرو سوسیالیسم علمی در ایران هم دنبال می‌کرد. او که نه تنها هرگز علیه مائوئیست‌های آمریکائی و چپ‌روهای مدعی سوسیالیسم علمی کلمه‌ای نگفت، بلکه با "**رنجبر**" ارگان گروهک سیا ـ پکن ساخته "**رنجبران**" علنا مصاحبه کرد و مخفیانه همکاری کرد، پیگیرانه به حزب توده‌ٔ ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) حمله می‌کرد. ما برخی از حملات هماهنگ و همزمان او را با بلندگوهای امپریالیستی علیه نیروهای راستین سوسیالیسم علمی که مدافع انقلاب ایران هم هستند در شماره پیش آوردیم و در این شماره تنها به ذکر چند نمونهٔ دیگر اکتفا می‌کنیم:

"در جریان بررسی زمینه‌سازی کودتا آورده‌ام و این حزب (توده) نیز با اینکارها بی‌سابقه نیست و در تاریخ خود بسیار از این کارها کرده است" (انقلاب اسلامی ـ ۱۳۶۰/۲/۸)

و:

"حزب توده پدیدهٔ امروز نیست درحالی که هربار این ملت تکان خورد این نیرو از پشت به ما خنجر زد. ما با این جریان تاریخی بزرگ شده‌ایم" (کیهان ـ ۱۳۵۹/۱/۳۱)

"حزب توده می‌خواست بجای وطن دوستی، مسکو دوستی و روسیه دوستی را بنشاند". (انقلاب اسلامی ـ ۲ فروردین ۱۳۶۰)

و:

"وقتی حزب توده می‌گوید استقلال "چیزی" است که بورژواها آنرا می‌ـ خواهند، برای سلطهٔ ابرقدرت شرق زمینه‌سازی می‌کند" (انقلاب اسلامی ـ ۱۷ دی ۱۳۵۹)

اکنون بنی‌صدر به قبلهٔ آمال خود، یعنی اروپای سرمایه‌داری رفته است (لابد برای اینکه آنجا را "مستقل" کند و علیه "دو ابرقدرت" بشوراند!)، اما خطی که او دنبال می‌کرد، هنوز وجود دارد. بقول امام خمینی: **"تفاله‌های آمریکا الان هم هستند"**

وظیفهٔ نیروهای اصیل انقلابی است که دنبال کنندگان این خط آمریکائی، این تفاله‌های آمریکا را در هر شکل و لباسی هستند، بشناسند و افشاء و طرد کنند.

ادامه دارد

محکوم به پیشروی

بقیه‌ازصفحه۱

انقلاب توقف‌پذیرنیست . انقلاب محکوم به پیشروی‌است . انقلاب باید مدام ودرهرعرصه‌ای درحال‌پیشروی‌باشدتا مواضع ضدانقلاب رایکی پس‌ازدیگری‌تصرف‌کندوبه‌پیروزی‌نهایی برسد .

دوسال و نیم از آغاز پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم سرسپرده‌ٔ طاغوتی می‌گذرد . در این‌مدت‌انقلاب‌تا حدودی پیشرفته است و گسترش وژرفایی داشته‌است . اما ، بویژه‌درزمینه‌ٔ اجتماعی‌واقتصادی ، روندپیشرفت آن از سرعتی درخور انقلابی به عظمت انقلاب ایران ، که توده‌های میلیونی‌درآن شرکت داشته‌اند و از آن دفاع می‌کنند ، برخوردارنبوده است . هنوز ضدانقلاب دو پایگاه بسیار مهم ، یعنی کلان سرمایه‌داری وبزرگ مالکی ، دراختیاردارد . از آن گذشته ، هنوز رخنه‌ٔ ضدانقلاب دررسانه‌های گروهی‌باقی‌است وراه رابرای‌نفوذ "امپریالیسم خبری" بازمی‌گذارد . هنوز موریانه‌ٔ ضدانقلاب در دستگاه اداری وجود دارد . هنوز درسیستم مراقبت انقلابی‌ماچنان شکافهایی هست که به بنی‌صدرها ، رجوی‌ها ، سلامتیان‌ها ، غضنفرپور-ها امکان‌می‌دهدکه‌ازقهرانقلابی‌توده‌هابگریزند...

این که انقلاب عظیم ضدامپریالیستی ، مردمی و اسلامی ایران ، انقلابی که توده‌های میلیونی‌زحمتکشان‌ومحرومان درآن‌شرکت‌داشته ضامن پیروزیهای‌آن‌بوده‌اندوهم‌اکنون‌درجبهه‌ٔ جنگ‌با مزدوران‌صدام‌ودر رویارویی‌باضدانقلاب داخلی از آن دفاع می‌کنند ، در پیشروی خود سرعتی درحدآرزو نداشته است ، گناهش بطور عمده به گردن‌لیبرالهاست . لیبرالهادرانقلاب نقش"اسب تروا" رابازی‌کرده‌اند . آنان دشمن نقابدارانقلاب‌بوده‌اندوباظاهر "اسلامی "موافق انقلاب بزرگترین ضربات را بر انقلاب وارد آورده‌اند . طی‌نه ماه زمامداری دولت "گام به گام" وسپس تصرف مقام ریاست جمهوری و نیز فرماندهی‌کل‌قوا ، باتوسل‌به‌انواع‌بهانه‌ها ، انواع موانع بر سرراه پیشرفت انقلاب انباشتندواین پیشرفت راکندکردند . کارشان‌ترمزکردن‌انقلاب برای‌مسخ‌انقلاب‌بود . هم‌اکنون‌نیزبقایای‌شان ، هرجاکه‌هستند ، سیاست ترمزکردن انقلاب و جلوگیری از پیشرفت انقلاب رابه‌کارمی‌بندند .

پس ازحوادث بسیارمهم دوماه گذشته ، دیگروقت آن‌است که‌انقلاب ، با تکیه برنیروی توده‌های میلیونی ، قاطعانه‌وباسرعتی بیش از گذشته در راه تحقق خواست‌های این توده‌ها پیش برود . پیشرفت‌انقلاب‌بدون‌تردیدبایددر همه‌ٔ عرصه‌ها صورت بگیرد . امابا‌توجه‌به اصل "الاهم فالاهم" ، بویژه‌دردوعرصه‌ٔ مهم‌حیاتی ، انقلاب باید موانع سر راه خود را باقدرت در هم‌بشکندوپیش برود . یکی‌ازاین‌دو عرصه‌کلان سرمایه‌داری‌است ، خاصه سرمایه‌داری تجاری وابسته ، ودیگری بزرگ‌مالکی درکشاورزی‌است ، خواه ازنوع سرمایه‌داری وخواه فئودالی . کلان سرمایه‌داری وبزرگ‌مالکی دوپایگاه اصلی‌ضد-انقلاب ، اعم از خارجی وداخلی‌هستند . تا این دوپایگاه متلاشی نشود ، ضدانقلاب باقی خواهدبودو به هر صورت و هرتدبیر و هرنیرو برای درهم‌شکستن انقلاب پاسخ آن خواهد کوشید . این‌دوپایگاه را بایدهمان‌گونه‌که‌هستند یعنی به دیده‌ٔ استحکامات دشمن‌درقلب قلمرو انقلاب نگریست . اگرانقلاب ازاین‌استحکامات دشمن غافل‌بماند ، درتعرض به‌آنهادو دلی به خود راه دهد ، امیدوجسارت غلبه برآنهارادر توده‌هافرونشاند ، در واقع تن به فرسایش و شکست‌نهایی‌خودداده‌است .

انقلاب می‌تواندو بایدتعرض به‌این دو پایگاه اصلی ضدانقلاب را بیدرنگ سازمان دهد . این تعرض نه تنها ضرورت دارد ، بلکه‌نتیجه‌ٔ پیروزمندانه‌ٔ آن را باید تضمین شده‌دانست ، زیرا انقلاب برای درهم‌شکستن‌بزرگ‌مالکی‌در روستا ارتش‌عظیمی ازمیلیونها دهقان‌زحمتکش در اختیاردارد . همچنین توده‌های میلیونی‌زحمتکشان‌شهرو‌ده ، اگرآن‌گونه که بایدبسیج شوندوسازمان‌یابند ، کلان سرمایه‌داری را دفن خواهندکرد . ارتش زحمتکشان شهر و روستای‌ایران‌همان ارتشی است که رژیم "قدرقدرت" طاغوت را درهم شکست . این‌همان‌نیروی‌عظیمی‌است که انقلاب راتاکنون ، به‌رغم تمام دسائس آمریکاومتحدان‌و عمال و تفاله‌هایش ، وبه رغم انواع دشواریهاو کارشکنی‌ها همچنان‌حفظ‌کرده‌است و با ایثار خون جوانان خویش درجبهه‌ٔ جنگ ودرپهنه‌ٔ کشور از آن دفاع می‌کند . باچنین‌ارتش‌وچنین نیرویی می‌توان کوه راازجاکند . با آن می‌توان براحتی دوپایگاه ضدانقلابی‌موجود ، یعنی کلان‌سرمایه‌داری وبزرگ‌مالکی‌را ، نیزتصرف‌کرد وراه‌پیشرفت وگسترش و ژرفایی سریعترانقلاب ، راه سازندگی‌کشور رابه‌سود مستضعفان‌گشود .

انقلاب محکوم به پیشروی است . بیش از این‌دربرابراستحکامات دشمن درنگ‌نکنیم .

"سیا" برای نابودی...

بقیه‌ازصفحه۱

هیوجل به‌سمت‌معاون "بخش عملیات سری"سیا" ، برخی‌ازسناتورها رابرآن‌داشت ، که‌خواهان‌استعفای**ویلیام کیسی** بشوند .

بری‌گلدواتر ، سناتور آریزوناو رئیس "کمیته‌ٔ ویژه‌سنادرامورجاسوسی" گفت :

"اینکه‌او (کیسی) مردی‌بی‌تجربه‌را به‌سمت‌سرجاسوس‌کشوربرگزید ، خودخیلی بد بود" .

وی‌افزود :

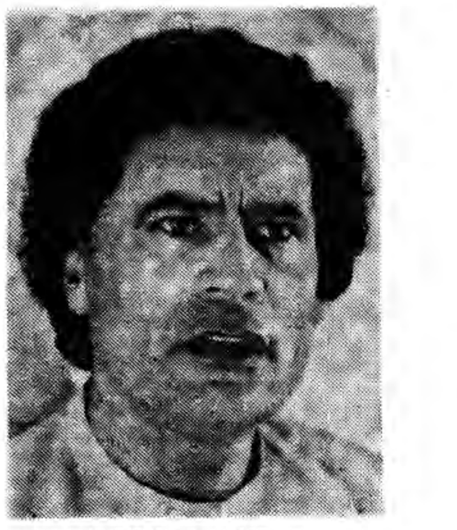
"انتصاب هیوجل . . . کافی‌است . . . که‌یاآقای کیسی‌خوداستعفاکندویارئیس‌جمهوراو رابدین‌امر وادارد" .

دراینجابایدیادآورشد ، که به اصطلاح "بی‌تجربگی"**هیوجل** دروغ‌محض است ، چه‌اسناد نشان‌می‌دهد که او درجاسوسی در کشورهای آسیایی‌ازتجربیات "ذی‌قیمتی" بهره‌مندبوده لیکن‌چندصباحی‌کسب‌وتجارت (بخوان‌کلاشی‌و اختلاس) راسودآورتردیده‌است .

ازسوی‌دیگر ، **تداستی‌ونس** (سناتور از آلاسکا) ، به‌اصطلاح "شلاق" جمهوریخواهان در "سنا" ، پس ازمشورت بااعضای "کمیسیون ویژه" و "سوکمیسیون تخصیصات دفاعی سنا تشخیص دادکه‌کناره‌گیری**کیسی** بنفع سازمان "سیا" است .

اماجزئیاتی ، که‌اکنون‌فاش‌شده‌است‌نشان می‌دهدکه "**ماجرای‌لانگ‌لی**" ازاین‌نیز "سیاسی تر بوده و ابعادبین‌المللی داشته‌است . چنین می‌نمایدکه‌افشای‌توطئه‌های‌براندازی "**سیا**" علیه لیبی‌ازسوی‌این‌کشورکوس رسوایی سر-دمداران آمریکا را دربازار "واشنگتن" بصدادر آوردوبرای‌آنکه‌هرچه‌زودترقضیه "درز" گرفته شود ، کاسه‌وکوزه‌سر "**هیوجل**" شکست .

بنوشته‌ٔ "**نیوزویک**" ۱۲ مرداد ۶۰ (۳



معمرقذافی رهبرانقلاب لیبی

اوت۸۱) ، رئیس "بخش‌عملیات‌سری" "**سیا**" نقشه‌ای گسترده ، چند مرحله‌ای‌و پرهزینه برای نابودی سرهنگ**معمرقذافی** وسرنگونی‌رژیم لیبی تهیه‌دیده‌بود ، که‌علیرغم مظلوم نمایی دیگران به‌تاییدکیسی‌و "**کاخ‌سفید**" نیزرسیدبود . "**نیوز ویک**" هدف‌ازاین‌نقشه‌را "**برکناری‌قطعی قذافی‌از قدرت**" توصیف‌می‌کند . این‌هفته‌نامه‌می‌افزاید :

"اعضای‌کمیسیون‌مجلس نمایندگان در امورجاسوسی ، که‌نقشه‌نامبرده‌را ازنظرگذراندند ، معتقدندکه‌این بمعنای‌قتل‌قذافی بود" .

به نقل از "**نیوزویک**" "این‌توطئه‌درست به "**کارزارهای‌کلاسیک‌ایجادعدم‌ثبات از سوی "سیا"** می‌ماند ، که ازسه جزءٔ تشکیل‌می‌شود :

۱) "برنامه‌پخش اطلاعات‌نادرست" (به



هیوجل معاون "عملیات سری" "سیا"

کمک امپریالیسم‌خبری) ،

۲) ایجادیک "ضددولت" برای‌مقابله‌با "ادعای (قذافی) مبنی‌بربدست‌داشتن‌رهبری ملی" (مانند "دولت" های‌بختیار ، اویسی ، بنی‌صدر- رجوی وغیره) ،

۳) گسترش کارزاری‌شبه نظامی . . . بدست ناراضیان (ازرژیم) ، انفجار پل‌ها ، عملیات پارتیزانی‌محدود برای "اثبات" این امرکه "نیروی‌سیاسی‌پرتوانی "مخالف رژیم‌است (بخوان : تروریسم) .

گویا اعضای "کمیسیون ویژه" مجلس نمایندگان درامورجاسوسی درباره‌ٔ "امکان پیشبرد (نقشه هیوجل- کیسی- "کاخ‌سفید") و هدفهای‌آن"شک‌کردند ، چون‌بگفته "**نیوزویک**" :

"عوامل‌ایالات متحده‌حق‌ندارندرهبران خارجی‌راترورکنند ، گرچه‌چنین‌سوءٔ قصدی از جانب خودلیبیایی‌هاظاهرابایدقانونی‌باشد" .

بنابراین ، مجلس نمایندگان‌آمریکا را نیز "ظاهرا باید" شریک جرم‌دانست- البته به استثنای "اختلاف‌عقیده" درباره اینکه چگونه می‌توان‌به‌این‌جنایت شکل‌وظاهر "قانونی" داد واین "اختلاف عقیده" سبب می‌شود ، که "کمیسیون‌ویژه" مجلس نمایندگان در امور جاسوسی "بخلاف‌سنت" ، "نامه‌ٔ اعتراض شدید - اللحنی‌مستقیم به رونالدریگان "بفرستند . و امادولت ریگان‌درباره‌ٔ این‌نامه‌و "رسوایی‌لانگ لی" چه‌می‌گوید ؟ دراینجایک‌باردیگربه "**نیوز ویک**" متوسل‌می‌شویم :

"دولت تفسیری‌دراینباره‌نداشت"!

دولت‌ریگان حرف‌نزد ، اماعمل کرد . به گزارش‌رسانه‌های‌گروهی : دولت‌آمریکادیپلمات -های لیبیایی را به‌جرم "تروریسم" ازکشور بیرون‌کرد!

●

حقانیت_قاطعیت...

بقیه‌ازصفحه۱

باید**قاطعیت** نشان‌داد : برای‌ریشه‌کن‌ساختن بقایای‌نفوذامپریالیسم آمریکاومتحدان‌وعمال‌و تفاله‌هایش‌وقبل‌ازهرچیزوبیش‌ازهرچیز ، ازبین بردن‌دوپایگاه‌عمده‌داخلی‌آن- کلان‌سرمایه -داری‌وبزرگ‌مالکی - بویژه‌ازراه‌اجرای اصل قانون‌اساسی درباره‌ٔ ملی‌کردن‌بازرگانی‌خارجی‌و اجرای بند "ج" وبند "**د**" "قانون‌اصلاحات ارضی مصوبه‌شورای‌انقلاب ، قاطعیت‌در پاکسازی‌تمامی دستگاه‌دولتی ونهادهای‌انقلابی‌ازعمال‌شناخته وناشناخته‌ٔ ضدانقلاب‌پرورده‌ٔ آمریکا ، قاطعیت درکشف وسرکوب‌توطئه‌های گوناگون ضدانقلابی و . . .

بااینکه‌در دوران‌اخیر دراین‌زمینه‌گامهای جدی وبزرگی برداشته‌شده ، نمیتوان‌گفت وضع کاملا رضایتبخش‌است ، به‌این‌دلیل‌ساده که دو سال‌ونیم‌پس‌ازانقلاب ، هنوز کلان‌سرمایه‌داران‌و بزرگ‌مالکان ، بااینکه‌ضربت‌خورده‌اند ، همچنان صاحب نفوذند وبه‌غارت مشغول ، هنوزامیر- انتظام‌ها ، ایزدی‌ها ، قطب‌زاده‌ها ، صادق‌هاو بنی‌صدرهای‌افشانشده‌وجوددارند وبه‌خرابکاری برضدانقلاب مشغولند ، وگرنه-بعنوان‌یک نمونه وتازه‌ترین نمونه- **بنی‌صدر و رجوی** نمیتوانستند به‌این‌سادگی فرارکنند و . . .

مردم‌ایثارگر و انقلابی ، مردمی که همه چیز خود را در دفاع از انقلاب به‌حق‌خود و حقانیت‌پیکار خود در طبق اخلاص گذاشته‌اند ، دراین‌زمینه‌های‌حیاتی خواهان قاطعیت‌بیشتر-اند .

انقلاب‌توانسته‌است‌تمام‌نهادهای‌قانونی خود را درکوتاه‌ترین‌مدت ودر میان سیل توطئه‌های ضدانقلاب‌بوجودآورد . این‌خودیکی ازشگفتی‌های‌انقلاب ما و یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای‌آن‌است . نتیجه‌اینکه ، انقلاب : میتواند وباید برای دفاع ازخود ، برای تحقق اهداف‌خود ، درچارچوب‌قانون‌عمل‌کند ، نظم قانونی‌انقلاب رابرقرارکند ، به‌هیچگونه‌هرج و مرج وخودسری وقانون‌شکنی میدان‌ندهد و هرج‌ومرج‌طلبان وخودسران وقانون‌شکنان را به جای‌خودبنشاند . این‌رعایت**قانونیت** از آنجهت نیزلازم‌است که‌ازیکسو محیط هرج ومرج وخود-سری وقانون‌شکنی مناسبترین محیط برای‌حیات ضدانقلاب ، برای تدارک‌و اجرای توطئه‌های ضدانقلاب‌است ، وازسوی دیگربهانه‌ای است در دست‌تبلیغات ضدانقلابی ، تا حاکمیت انقلابی رابه‌استبداد و خودسری وقانون شکنی متهم‌کندوبدینسان به‌حیثیت‌واعتبار نظام جمهوری‌اسلامی‌ایران‌لطمه‌واردسازد .

آیا میتوان‌گفت‌که‌کسانی آگاهانه-یعنی‌آن عناصرمشکوک وناباب که‌دردستگاه‌دولتی و نهادهای‌انقلابی نفوذکرده‌اند- وکسانی نا- آگاهانه -آن‌عناصری که‌صادق‌اند ، ولی بر- خوردی قشری وانحصارطلبانه‌به‌مسائل دارند- به‌ضدانقلاب‌پرورده‌ٔ آمریکا در این زمینه‌بهانه نداده‌اند و برای تبلیغات شوم ضد انقلابی خوراک‌تهیه‌نکرده‌اند ؟ متاسفانه‌نمیتوان‌گفت .

وقتی مراکز ودفاتر برخی احزاب و سازمان‌های‌سیاسی هواداران‌قلاب و پشتیبان جمهوری‌اسلامی‌ایران‌بدون‌دلیل‌قانونی اشغال میشوند ، وقتی روزنامه هوادار انقلاب وپشتیبان جمهوری‌اسلامی‌ایران‌بدون‌دلیل‌قانونی توقیف میشود ، وقتی - البته به‌ندرت ، ولی بهرحال ، برخی ازهواداران انقلاب وپشتیبان جمهوری اسلامی ایران‌بدون‌دلیل قانونی توقیف‌میشوند وقتی‌برخی‌مقامات‌مسئول و روزنامه‌های وابسته به‌حاکمیت به‌برخی‌از نیروهای صادق هوادار انقلاب وپشتیبان جمهوری‌اسلامی‌ایران‌بی‌پروا وناروا ناسزامیگویند وافترامیزنند وبه‌شکایات واعلام‌جرم‌های‌متعدد علیه‌این‌ناسزاگوئی‌ها و افترازنی‌هاکمترین‌ترتیب‌اثری داده‌نمیشود . . - همه‌ٔ اینهاالبته‌کوچکترین تزلزلی درهوا-داری وپشتیبانی‌این‌نیروها ازانقلاب‌وجمهوری اسلامی‌ایران‌ایجادنمیکند ، ولی‌به ضد انقلاب برای‌لطمه‌زدن به‌حیثیت‌واعتبارجمهوری‌اسلامی ایران‌بهانه‌وخوراک‌میدهد ، ومهمترازآن ، در مردم بدبینی‌وعدم‌اعتمادایجادمیکند ، به اتحادنیروهای‌انقلابی‌کمک‌نمیکندودرنتیجه جبهه‌ٔ انقلاب راتقویت‌نمیکند .

انقلاب‌چه‌نیازی‌به‌بی‌قانونی‌وقانون‌شکنی دارد ؟ انقلاب‌چراباید‌برخلاف‌قانون‌بخشی از نیروهای‌انقلابی رافقط بعلت تفاوت در عقاید مذهبی وسیاسی ومسلکی تحت‌فشار قراردهدو فعالیت‌آنها رامحدودکند ؟ این‌به‌سودکیست ؟

به‌همان‌اندازه‌که‌انقلاب**حقانیت** دارد ، به همان‌اندازه‌که‌انقلاب برای دفاع‌ازحقانیت‌خود باید **قاطعیت** به‌خرج‌دهد به‌همان اندازه هم انقلاب‌باید در دفاع قاطع از این حقانیت ، **قانونیت** را رعایت‌کند . قانونیت نیز یک عمل انقلابی‌است . ضرورت‌انقلاب‌است .

برای‌آنکه دفاع **قاطع وقانونی** از **حقانیت** انقلاب کارآ وثمربخش باشد ، برای‌نیل‌به‌پیروزی قطعی‌ونهائی انقلاب ، **اتحاد** نیروهای‌انقلابی ، صرفنظر از تفاوت در عقاید مذهبی ، سیاسی و مسلکی ، شرط ضرور ، اساسی وحیاتی است . بدون‌چنین‌اتحادی‌نه‌میتوان‌باقاطعیت و با قانونیت ازحقانیت‌انقلاب دفاع‌کرد ونه‌انقلاب رابه‌پیروزی قطعی ونهائی رساند .

ولی‌متاسفانه ، به‌دلایل معین‌تاریخی ، عینی وذهنی ، این‌اتحادهنوز تحقق‌نیافته‌است . مردم‌البته‌درمبارزه‌به‌خاطر تثبیت وتحکیم‌نظام جمهوری‌اسلامی‌ایران وتثبیت وتحکیم وگسترش انقلاب‌متحدند ، ولی‌نیروهای‌انقلابی پیشاهنگ مردم ، که‌وظیفه‌ٔ رهبری مبارزه‌ٔ مردم را برعهده دارند ، دچارنفاق وپراکندگی‌اند .

ضدانقلاب که میداند‌اتحاد نیروهای‌انقلابی ناقوس‌مرگ‌اوست ، باتمام نیروی‌جهنمی خودتلاش میکندکه‌زمینه‌های‌تاریخی عینی‌وذهنی‌نفاق‌وتفرقه بین‌نیروهای‌انقلابی رانه‌فقط حفظ ، بلکه ، با ترفندها وشگردها وتوطئه‌های گوناگون ، تشدید کند .

واگر درست‌است‌که‌اتحادنیروهای انقلابی مطمئن‌ترین‌ضامن‌پیروزی‌قطعی ونهائی انقلاب است ، اگر درست‌است که‌امپریالیسم آمریکا ، متحدان وعمال وتفاله‌هایش از هیچ‌جنایت‌و خیانت ودسیسه‌ای اباندارند ، تا ازاتحادنیرو-های‌انقلابی جلوگیری‌کنند ، وسرانجام‌اگردرست است‌که‌رهبرانقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی ایران‌نیز ، باتوجه‌به‌آن‌ضرورت واین واقعیت ، همواره مردم ونیروهای‌انقلابی رابه‌اتحاد فرا-می‌خوانند ، آنوقت‌همه‌ٔ نیروهای‌انقلابی برای جلوگیری ازنفاق وتفرقه وتحقق وحدت‌عمل و اتحادنیروهای‌انقلابی ، در برابر مردم ، انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران **مسئولیت‌تاریخی** دارند .

انقلاب‌ما - چنانکه‌تجربه دو سال و نیم گذشته‌نشان‌میدهد- توان‌آن‌رادارد‌که‌از**حقانیت** خودبا **قاطعیت** ، با**قانونیت** و با **اتحاد** دفاع‌کند وبه‌پیروزی قطعی ونهائی برسد . دراین تردید نباید داشت .



درگذشت
خلیل سامانی "موج" شاعرمردمی

در ۲۲ مرداد ماه قلب شاعری مردمی وانساندوست ،که بیشتر از ۳۵ سال درراه بیداری مردم واعتلای ادبیات پارسی قلم زد ،ازتپش ایستاد .

خلیل سامانی (موج) از شانزده سالگی سرودن شعررا آغازکردوازهمان زمان درمحافل ادبی اصفهان شرکت می کرد . وی همراه باتدریس ، درفعالیتهای ادبی و سیاسی نیزشرکت داشت . پس ازتوطئهٔ خائنانه ۱۵ بهمن ۲۷ ، دراصفهان دستگیر شدوتا سال ۱۳۳۰ درزندان بسر برد .

"**موج**" پس ازآزادی اززندان ، به تهران آمدوسروده های طنز وحد خودرا درجرایدمترقی وانقلابی آن زمان منتشر کرد . ورودا وبه تهران مقارن باآغازانتشار روزنامه **چلنگر** بود ،که به مدیریت **محمد علی افراشته** ، شاعرفقید توده ای منتشر می شد . "**موج**" دراین روزنامه بعنوان یکی ازاعضای هیئت تحریریه ،بکارپرداخت و تاآخرین شمارهٔ **چلنگر** ، که همزمان با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد بود ، درانتشار **چلنگر** ،نقش ارزنده ای ایفاکرد .گاهی سه شعروداستان سیاسی وطنزدریک شماره با اسامی مختلف به چاپ می رسید .

"**موج**" پس از رهایی اززندان نام خودراازخلیفهٔ سلطانی به **خلیل سامانی** تعبیر دادوکم کم به این نام معروف گردید . اودر **چلنگر** بیشترآثارخودرابامضای **خلیل سامانی وموج** منتشرمی ساخت و گاهی نیزازاسامی مستعاری چون **م ـ خ ، سیار ،خ ـ سام ،مغ ،خ ـ س ، میمخا ، م ـ خ ـ اصفهان** ،استفاده می کرد . در سالهای ۵۰ ـ ۳۲ باامضای **شیوه** نیزشعر می سرود .درهمین زمان داستان منظوم "**رنگها**" رابصورت پاورقی در **چلنگر** چاپ کرد ،که سپس بصورت جداگانه انتشاریافت .

پس ازکودتای ۲۸ مرداد ، "**موج**" نیز مانند دیگرشعراونویسندگان مترقی ، تحت فشاروتعقیب بسرمی برد .

"**موج**" ازسال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۸ کتابهای "**بیژن ومنیژه**" ، "**فریادزندگی یتیم**" ، "**ملانصرالدین درانگلستان**" ، و "**شب شاعر**" وچنداثردیگر را به چاپ رسانیدو درسال ۱۳۳۸ ،باهمکاری چند شاعردیگر "**انجمن ادبی صائب**" را تاسیس کردو طی ۲۳ سال ، با زحمات شبانه روزی ،نشریه انجمن ادبی **صائب** (باغ صائب) را ،که گلچینی ازاشعارشعرای معاصر ایران بود ،منتشرساخت ، بضمیمهٔ این مجله ،کتابهایی بانامهای "**اقتراح**" "**دویست شاعردرسه جلد**" ، "**پنجاه وسه مثنوی**" وچنداثردیگرمنتشرکرد .

پس ازپیروزی انقلاب "**موج**" مجموعهٔ اشعارسیاسی خودرا ،که در رژیم گذشته امکان چاپ آنها وجودنداشت ، با عنوان "**درزیرتیغ دژخیم**" منتشر ساخت .

"**موج**" شاعری مبارز ،انساندوست وپرکاربود ،که دراشعارخود از فصاحت کلام ،نوآوری ،نازک اندیشی ، بهرهٔ کافی داشت . شعرش بااقبال مردم روبرو بودیکی ازآخرین اشعاراو ،که درمجلهٔ "**دنیا**" ، شماره ۸ ،سال ۵۹ ، با عنوان "**این پاک حجله ها**" منتشرشد ، نشان دهندهٔ رقت عواطف واحساس مسئولیت اجتماعی اوست .

خلیل سامانی (موج) ازمعدود شعرائی بودکه دردوران سیاه حکومت شاه منفور ، به ورطهٔ ناامیدی ویاس درنغلطید وبه پیروزی طبقهٔ کارگروحقانیت مبارزهٔ مردم اعتقاد عمیق داشت .

"**موج**" ازمیان تودهٔ محروم جامعه برخاست وتاآخرین روزهای زندگی خویش همراه آنان بود .

خلیل سامانی (موج) در سال ۱۳۰۸ شمسی دراصفهان متولد شدوهنگام مرگ ۵۲ سال داشت . "**موج**" در ۳۰ سالگی باارباب تمدن ، شاعرمردم دوست ، که او نیزبا **چلنگر** همکاری داشت ،ازدواج کرد و ثمرهٔ این ازدواج دختری است بنام "**سپیده**" که شاعره ای است بااستعداد و مردمی .

ما درگذشت **خلیل سامانی** رابه همسرودخترش وبه شعراونویسندگان و هنرمندان متعهد مردمی صمیمانه تسلیت می گوئیم .

وقایع مهم جهان دریک هفته

کمکهای بیدریغ اتحادشوروی به لهستان برای غلبه بربحران کنونی

رهبران اتحاد شوروی ولهستان به بررسی اوضاع لهستان پرداختندوعزم دو کشور رامبنی برگسترش همکاری متقابل تاییدکردند .

دربیانیه مشترکی که پس از ملاقات **لئونید برژنف** ، **آندره گرومیکو** ، **کنستانتین چرننکو** و **کنستانتین روداکوف** (اتحاد شوروی) و **استانیسلاو کانیا** و **وویسخ یاروزلسکی** (لهستان) در کریمه انتشاریافت ،گفته می شود :

"**دشمنان سوسیالیسم قصد آن را دارندکه بادست یازی به اقدامات تخریبی ازاوضاع پیچیده لهستان بسود خود بهره برداری کنند . اعتصابات وتظاهرات هفته های گذشته تهدیدی جدی برای امنیت کشوربشمارمی روند . درچنین شرایطی ، حزب متحد کارگری لهستان ودولت جمهوری ، وظیفهٔ خودمی دانندکه بجنگ بی امان باضدانقلاب بپردازند**" .

طرفین "**دیدارکریمه**" به اصطلاح "**قطعنامه دربارهٔ لهستان**" راکه چندی پیش به تصویب مجلس نمایندگان کنگرهٔ ایالات متحده رسید ، "**کوشش برای مداخله دراموریک کشورسوسیالیستی**" می خوانند .

بیانیه مشترک "**همبستگی صمیمانه حزب کمونیست اتحاد شوروی ومردم این کشور را باحزب متحدکارگری لهستان و نیروهایی ،که برای غلبه بر بحران می رزمند**" ، ابرازمی دارد .

باتوجه به دشواری های اقتصادی لهستان ،اتحاد شوروی موعد بازپرداخت دیون لهستان راپنج سال بتعویق می اندازدومقادیراضافی موادخام برای صنایع سبک وبرخی کالاهای مصرفی در اختیاراین کشورمی گذارد .

بیانیه کریمه "خاطرنشان می سازد که : "**دوستی میان دوکشور** (اتحاد شوروی ولهستان) **یکی ازپی ستون های تعادل کنونی نیروها دراروپاست**" .

روزنامه "**زول نژوول نوتسی**" مقاله ای درباره مداخلات ایالات متحده درامورداخلی لهستان چاپ کرد بنوشته این روزنامه :

"**مهمترین سد درراه حل سیاسی بحران اجتماعی کنونی اقدامات برخی ازعناصر "همبستگی " است**" .

بگزارش این روزنامه چاپ ورشو :

" "**سیا**" **ورهبری "ای .اف . ال . ـ سی .آی .او ." بودجه ای برای مداخله درلهستان به سودامپریالیسم تخصیص داده اند .** " .

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحدکارگری لهستان نتایج مذاکرات میان **کانیا** و **یاروزلسکی** را با **لئونید برژنف** درکریمه تاییدکرد وآن را "**رویدادی مهم**" درمناسبات میان اتحاد شوروی ولهستان خواند .

بعقیده هیئت سیاسی این گفتگوها "**نقض ناپذیری دوستی میان دوحزب و خلق را بثبوت رسانیدو تحکیم همکاری برادرانه بین دوکشوررا آسانترساخت**" .

بیانیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحدکارگری لهستان می افزاید ;

"**این گفتگوها تاییدکردکه اتحاد شوروی به لهستانی تواناومستقل علاقمند است . قدرت وموقعیت بین المللی اتحاد شوروی برای امنیت وتحول لهستان دارای اهمیت بنیادی است**" .

"**تریبونالودو**" مقاله ای از **میروسلا میلوسکی** ،عضوهیئت سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب متحدکارگری لهستان ،چاپ کرده است .

میلوسکی می نویسد :

"**ادامه اعتصابات وراهپیمایی های اعتراضی پس ازکنگره نهم حزب ، که مردم رابه کوشش در راه خاتمه بحران دعوت کرد ،ازفعالیت های ضدانقلابی درکشورپرده برمیدارد . دشمنان سوسیالیسم وماجراجویان معروف ازنفوذ خود در "همبستگی " سوءاستفاده ودستورهای اربابان خارجی خویش را اجرا می کنند . آنها می خواهنداوضاع را به رویارویی بکشانند ،زندگی مردم را مختل سازندوسرانجام قدرت را در لهستان بدست گیرند**" .

میروسلا میلوسکی عزم حزب را مبنی براعمال قانون تاکید می کند .

ببرک کارمل درسخنرانی روز استقلال : هیچ حیلهٔ دشمن نمی تواند مردم افغانستان را ازراه انقلاب دورسازد

روزچهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۰ مردم افغانستان روزاستقراراستقلال خود را بزرگ داشتند . آنها شصت ودوسال پیش استقلال خودرا ازاستعمارگران بریتانیا بازپس گرفتند .

درحال حاضر ،مردم افغانستان در راه ساختمان جامعه ای نو ،که درآن عدالت وپیشرفت اجتماعی حکمفرماباشد کوشش می ورزند . دولت افغانستان همه کوشش خودرادر راه افزایش تولید درصنعت و کشاورزی ،توسعهٔ بازرگانی ، آموزش و پرورش وبهداری وبالابردن سطح زندگی سکنه بکارمی برد . دراین زمینه ،اصلاحات ارضی ازاولویتی خاص برخوردارمی شود ، که درجریان آن بسیاری ازدهقانان ،بطور رایگان صاحب زمین شده اند . مردم افغانستان هرچه بیشتر گرد **حزب دمکراتیک خلق افغانستان** و دولت این کشور جمع می آیند . تاسیس **جبههٔ ملی ـ میهنی** نشانه این وحدت فزاینده است .

افغانستان فعالانه بااتحاد شوروی ودیگرکشورهای سوسیالیستی همکاری می کند ،حجم مبادلات بازرگانی خارجی افغانستان در سال گذشته ۳۷٪ افزایش یافت ،که دلیل عمده آن توسعه صادرات بوده است . اتحاد شوروی به افغانستان کمک بیدریغ اقتصادی ونظامی علیه مداخله گران خارجی می رساند .

روزچهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۰ به مناسبت روزاستقلال افغانستان پیامهایی میان رهبران شوروی وافغانستان مبادله شد

برژنف و **تیخونوف** درپیام های خود خاطرنشان ساختندکه کشورنوپای شوروی نخستین کشوری بود ، که استقلال افغانستان رابرسمیت شناخت . از سوی دیگر ، افغانستان نیز بعنوان اولین کشور حکومت شوراهارابرسمیت شناخت . این واقعیت بنیادی استوار رابرای توسعهٔ مناسبات حسن همجواری میان دو کشور تشکیل داد . انقلاب ثور ۱۳۵۷ افغانستان چشم اندازهمکاری های ثمربخش تر میان افغانستان واتحاد شوروی را گسترش بخشید . رهبران شوروی در شادباش های خود خواستار پیروزیهای بیشتر مردم افغانستان در دفاع از دستاوردهای انقلاب ونوسازی جامعه شدند .

ببرک کارمل و **سلطان علی کشتمند** درپیام های خود ازاتحاد شوروی بخاطر کمک آن به افغانستان درمبارزه با تجاوز امپریالیسم ،برتری جویی وارتجاع محلی سپاسگزاری واظهارامیدواری کردند که دوستی ومناسبات برادرانه آنها به سود خلقهای دوکشور وپیشبرد صلح ،امنیت و ترقی اجتماعی توسعه یابد .

ببرک کارمل درسخنرانی در روز استقراراستقلال مداخله نظامی نیروهای امپریالیستی وچین رادرامورداخلی کشور خودمحکوم کردوخواهان قطع آن شد . وی گفت :

"**هیچ حیله دشمن نمی تواند مردم افغانستان راازخط انقلاب دور سازد**" .

ببرک کارمل آمادگی افغانستان را برای توسعه روابط باهمه کشورها بر پایهٔ حقوق برابرتاکیدکرد .

پیمان دوستی و همکاری میان لیبی، یمن دموکراتیک و اتیوپی

درعدن مذاکراتی میان رهبران یمن جنوبی ،لیبی واتیوپی دربارهٔ همکاری میان این کشورها درزمینه های اقتصادی ،سیاسی وغیره صورت گرفت . شرکت ـ کنندگان دراین مذاکرات عبارت بودنداز : **علی ناصرمخمد ،معمرقذافی** و **منگیستوهایله ماریام** .

علی ناصرمحمد گفت :

"**تجاوزات نیروهای امپریالیستی ،کهاسرائیل رابه پیشبرد هدف های خودتشویق ودرمصر ، سومالی ، عمان واقیانوس هند پایگاه تاسیس می کنند ، امنیت منطقه رابه خطرانداخته است**" .

درپایان مذاکرات نامبرده ، یک پیمان دوستی وهمکاری میان لیبی ، یمن دمکراتیک واتیوپی بسته شد ،که زمینه های سیاسی واقتصادی رادربرمی گیرد .

بگفتهٔ **علی ناصرمحمد** ،این پیمان "**مبارزه علیه تجاوزات نیروهای امپریالیستی را ،که منافع خلق های منطقه رابخطرمی اندازند ،آسانتر خواهد ساخت**" .

آلمان غربی به یکی ازبزرگترین صادرکنندگان کالاهای تسلیحاتی درجهان بدل شده است

در پیوند با ساختن دوزیردریایی برای "خونتا"ی شیلی ،هفته نامهٔ "**دی تسایت**" آلمان غربی چندی پیش به مسئله افزایش صادرات تسلیحاتی این کشوراشاره کرد .

"**دی تسایت**" می نویسد :

"**در سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹ "جمهوری فدرال" ۶/۷۱ میلیارد مارک کالاهای جنگی صادرکرد**" .

هفته نامه آلمان غربی یادآورمیشود که درسالهای گذشته صدور کالاهای تسلیحاتی بویژه به مناطق متشنج افزایش یافته است و می افزاید :

"**سالیانه درحدود یک میلیارد مارک جنگ افزاروکالاهای تسلیحاتی صدوریافت . این رقم درسال ۱۹۷۷ برای نخستین بارازمرزدومیلیاردگذشت . هیچ کس از ارقام دقیق اطلاعی ندارد . از یکسو ، "ادارهٔ آمارفدرال" اجازه انتشار آنهارانداردواز سوی دیگرتماس ها آنقدر پیچیده شده است ،که دیگرکسی آگاهی کامل ازآنها نمی تواندداشته باشد**" .

آمریکا علیه خلق السالوادور بمب فسفری بکار می برد

گزارش های رسیده ازالسالوادور حاکیست که نیروهای "**خونتا**" "**اقدامات تنبیهی**" خودرادراستان **موراسان** شدت بخشیده اند .

واحد های بزرگ ارتش تانک ها وتوپهای فراوان به این استان شمالی السالوادوراعزام شده اند . نیروهای میهن دوست شبکه مخابراتی **موراسان** را بکلی نابودکرده وبارها به شبیخون های غافلگیرانه درشاهراه های استان نامبرده دست زده اند .

بگزارش "**پرنسالاتینا**" ، میهن دوستان السالوادور یک هلیکوپتر ساخت آمریکارانابودکردندوبه دوهلیکوپتر وچندخودرونظامی خسارت وارد آوردند .

ایستگاه رادیویی "**ون سرموس**" ،متعلق به نیروهای میهن دوست ، اعلام کرده است که **پرکین** تحت کنترل "دولت انقلابی ـ دمکراتیک السالوادور" درآمده است . هدف این دولت سرنگونی رژیم وابسته به آمریکاواستقراردمکراسی است .

میهن دوستان السالوادور در ۷ استان ازمجموع چهارده استان این کشوربه عملیات نظامی علیه "**خونتا**" مشغولند .

گزارشی دیگر ازالسالوادور حاکی است که خلبانان نیروی هوایی "**خونتا**" ازبمب های فسفری علیه ساکنان "**سوپوته**" ، "**میراندیلو**" ، "**پلاتانار**" و "**سالیترا**" استفاده کرده اند . "**خونتا**" این بمب دهشتناک راازآمریکادریافت داشته است وکارشناسان آمریکایی در "**عملیات تنبیهی**" "**خونتا**" شرکت دارند .

به یاری قهرمان ملی پاراگوئه بشتابید

حزب کمونیست پاراگوئه خبر می دهد که **آنتونیو مایدانا** ، دبیر اول کمیتهٔ مرکزی آن ،زنده است . وی درسلولی زیرزمینی در اردوگاه **امبوسکارا** درنزدیکی **آسونسیون** دربنداست .

مایدانا پیوسته شکنجه می شودوجان اوراخطرمرگ تهدید می کند .

حزب کمونیست پاراگوئه ازمردم جهان خواسته است تا به نجات این قهرمان ملی پاراگوئه بشتابند .

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

محمود اعتمادزاده (م . ا . به‌آذین)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی

صندوق پستی ۱۳۴/۱۱۱۷